



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

ISSN: 1606-9080 • www.roshdmag.ir

روشن



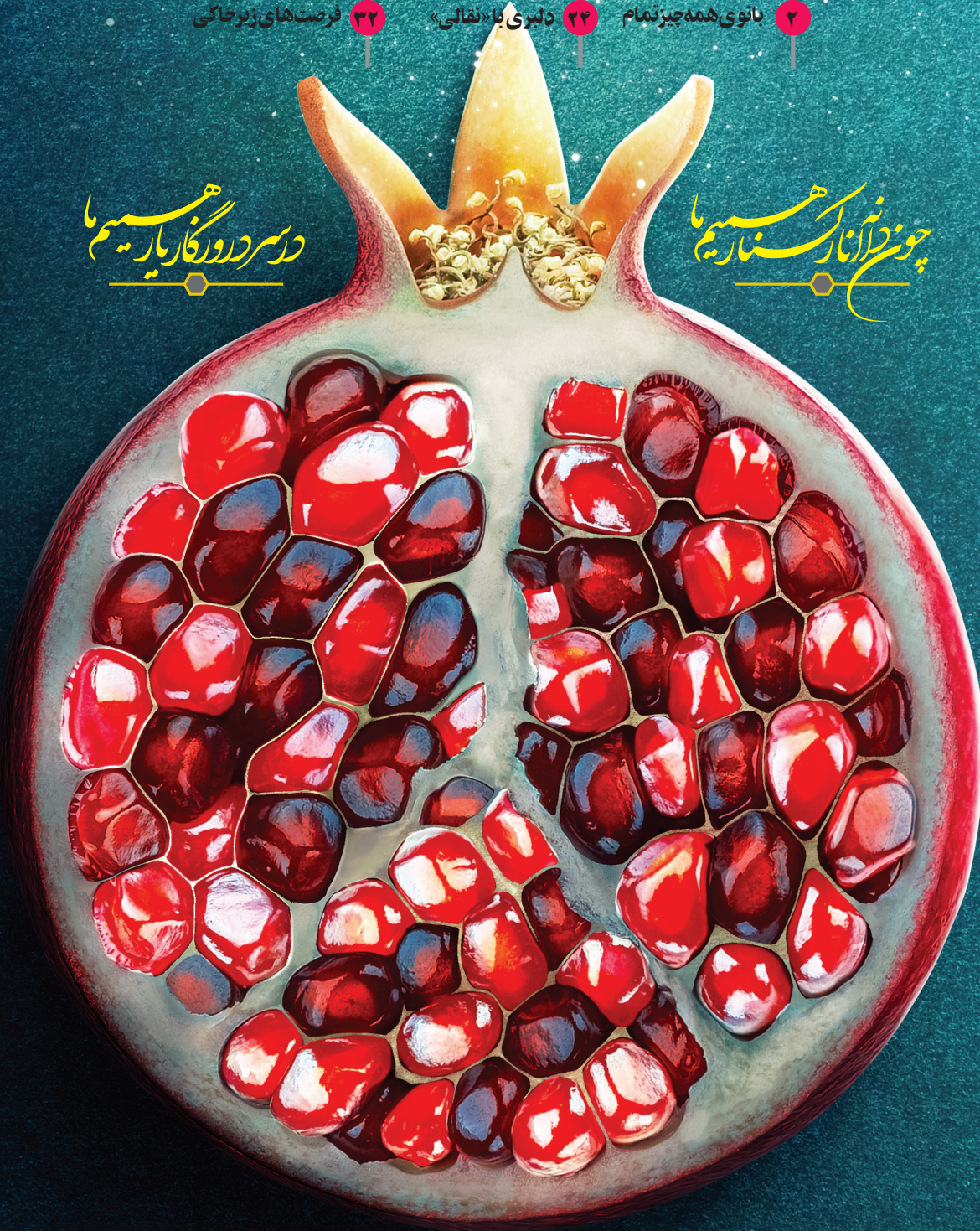
ماهنامه آموزشی و تربیتی
برای هنر جوان هنرستان
دوره چهارم / آذر ۱۴۰۲
شماره بی‌دری ۲۷
صفحه ۲۸

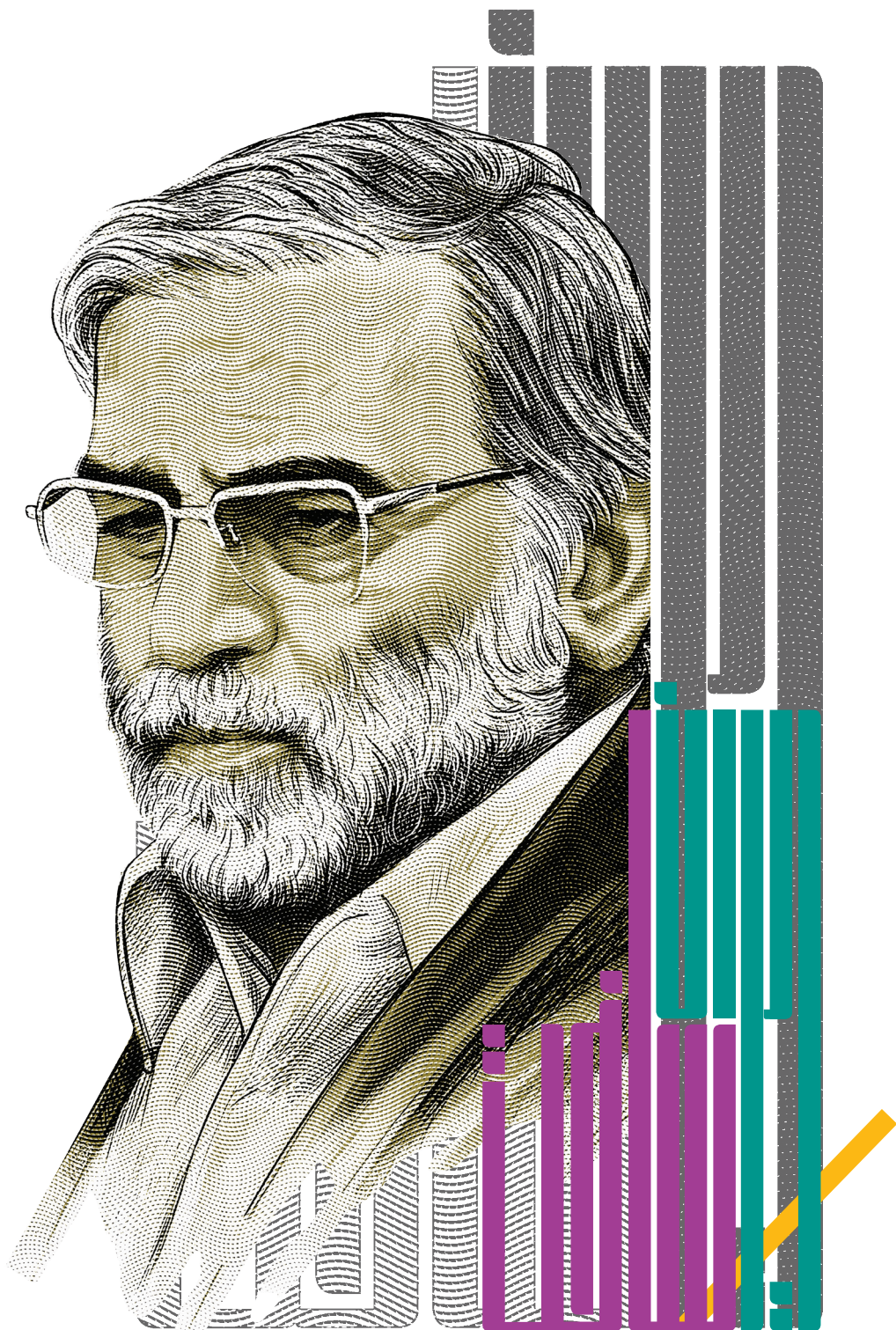
۳

۲ بانوی همه چیز تمام ۲۴ دلبری با «نقالی» ۳۲ فرصت‌های زیرخاکی

در سردر و کنار یار همسایه

چون در کنار همسایه



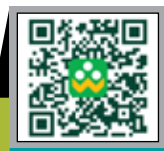


روز فناوری ایران ساخت
وشهادت شهید فخری زاده



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

مدیر مسئول / محمد صالح مدنی
سر دبیر / مهدی عبدالملکی
مدیر داخلی / ریحانه نعمت‌الهی
طراح گرافیک / جواد صفری
ویراستار / کبری محمودی
شورای برنامه‌ریزی / اسفندیار چهارپنده، عباس بیات، محسن بهرامی، حسن آقابابایی، احمدرضا دوراندیش، محبتی افچنگی، سجاد دهقان
مدیر هنری / کوروش پارس‌آزاد
دبیر عکس / اعظم لاریجانی
طرح روی جلد / محمد شکیبا
چند رسانه‌ای / علیرضا جعفری



آدرس رشد هنرجو در پیام‌رسان شاد



نظرسنجی رشد هنرجو

یادداشت سردبیر

نور است نشانه

وقتی هوا تاریک می‌شود شما چه کار می‌کنید؟ جایی که هیچ خبری از نور و روشنایی نباشد؟ معمولاً اولین واکنش آدم‌ها در تاریکی نگرانی و اضطراب است. چون جایی معلوم نیست و راه از چاه پیدا نیست. نمی‌داند چطور حرکت کند که به چیزی برخورد نکند! نمی‌داند روبه‌رویش چیست؟ مبدا خطرناک باشد!

در این مواقع باید به دنبال راهنما یا نشانه بگردید؛ نشانه‌ای که بتوانید بقیه اجسام و مسیر و شاید خطرات دور و بر را نسبت به آن درک کنید و بشناسید و محیط را برای شما روشن کند. مثلاً وارد یک انباری تاریک شده‌اید. می‌دانید تخته چوب‌ها را کنار جعبه‌ابزار گذاشته‌اید. می‌دانید زمین انباری کنار جعبه‌ابزار چاله دارد. همین که جعبه‌ابزار را پیدا کنید، خودبه‌خود تخته‌چوب‌ها و چاله کنار جعبه‌ابزار را هم درک خواهید کرد. این یک نشانه است. از طریق نشانه‌ها می‌شود مسیر را شناخت و راه را از بیراهه پیدا کرد.

به نظر تان فرقی می‌کند تاریکی از جنس نبودن نور باشد یا از جنس نداشتن علم و دانش؟ یا مثلاً بی‌قانونی و ظلم تاریکی نیستند؟ گرفتاری مردم تاریکی نیست؟ فرقی می‌کند این تاریکی در کدام نقطه از دنیا باشد؟ همه این‌ها نوعی تاریکی است که راه بیرون رفتن از آن همان است که اول گفتیم؛ راهنمایی گرفتن از نشانه‌ها. به کمک نشانه‌ها می‌توان بر تاریکی‌ها غلبه کرد. از نگرانی و اضطراب نجات یافت و قدم‌به‌قدم همراه آن‌ها راه درست را طی کرد. هر کس که علم و دانش یاد می‌گیرد و یاد می‌دهد، یا از آن بالاتر، از طریق علمش به مردمش خدمت می‌کند و برای کشورش اقتدار درست می‌کند، نشانه بزرگی است مثل شهید محسن فخری زاده. هر کس جلوی ظلم و بی‌قانونی مستکبران و اجنبی‌ها بایستد، نشانه است؛ مثل میرزا کوچک خان و شهید مدرس. هر کس به مردم خدمت کند و گرفتاری مردم را حل و فصل کند، نشانه است؛ مثل شهید تندگویان. آن‌هایی که در مقابل ظلم و جنایت صهیونیست‌ها می‌ایستند هم نشانه‌اند؛ مثل مجاهدان فلسطینی.

قدیمی‌ترها می‌گفتند شب و تاریکی وقتی به اوج می‌رسد و طولانی می‌شود، ناگهان صبح می‌شود و خورشید همه‌جا را روشن می‌کند. نور با نشانه‌اش - خورشید - بر تاریکی پیروزی می‌شود؛ همان مناسبتی که ما هر سال آن را جشن می‌گیریم، شب یلدا.

از من بپرسید، می‌گویم خود یلدا هم نشانه است؛ نشانه‌ای از طلوع خورشید موعود و پیروزی نور حق بر همه تاریکی‌ها.

من هم یگ سؤال بپرسم؟

من و شما هم می‌توانیم مثل این نشانه‌ها برای دیگران نشانه شویم؟

- ۱ نور است نشانه
- ۲ بانوی همه چیز تمام
- ۴ حسلب و کتاب با پاتون
- ۶ خطای طبق معمول!
- ۸ «وی ای آر وطنی»!
- ۱۰ کارآفرین خودکارساز
- ۱۲ جوراب بافی
- ۱۴ وزیر قهرمان
- ۱۶ اسم فامیل «اجتماعی»
- ۱۸ فرزند ناهموار!
- ۲۰ جدول با طعم آذرا!
- ۲۲ «چوب» حراج به «استویا»
- ۲۴ دلبری با «نقالی»
- ۲۶ «ب» رچک «ب» ای اعتمادی
- ۲۸ ده هوش هوارد
- ۳۰ تحلیل داده؛ از جمع‌آوری تا پاک‌سازی
- ۳۲ فرصت‌های زیرخاکی
- ۳۵ کیلان تمپیس!
- ۳۹ سریع‌تر از برق
- ۴۲ ۶۰۰ ثانیه طلایی
- ۴۴ آذر زرنکار
- ۴۶ یک «آسیه» به‌روز!

خانواده مجلات رشد
همه تلاش خود را کرده‌اند
تا این مجله در دسترس عموم
دانش‌آموزان قرار گیرد و همه
کودکان و نوجوانان میهن عزیز
اسلامی‌مان امکان تهیه آن را
داشته باشند.

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ ریال

نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵ / ۶۵۸۵
تلفن ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱-۰۲۱ (داخلی ۵۴۰)
نمابر: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۱۶
وبگاه: www.roshdmag.ir
پیام‌نگار: honar@roshdmag.ir
صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵ / ۳۳۳۱
تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۶۳۰۸
پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵
چاپ و توزیع: شرکت افست



دلم هم به چهره بانوی هم

زهرا صیاحی

ذهنمون نقش ببند.

❖ **ریحانه:** خیلی وقت‌ها با خودم فکر می‌کنم می‌بینم چقدر خوبه که برای تازه کارهایی مثل ما این الگوها و معیارها هستند که بتونیم از روی اون‌ها تمرین کنیم که استعداد خودمون درست و اصولی شکل بگیره، تا به روزی بالاخره ما هم حرفه‌ای بشیم.

❖ **فاطمه زهرا:** اتفاقاً من هم دلم می‌خواست کاش توی همه ابعاد زندگی به الگوی معیار درست داشتیم که می‌تونستیم رفتار هامون رو طبق اون الگو شکل بدیم و خودمون رو بسنجیم، ولی هر چی فکر کردم اون الگو رو پیدا نکردم.

❖ **ریحانه:** در وهله اول این الگویی که می‌گی، باید انسان باشه و چون ما دختریم، باید الگویی که انتخاب می‌کنیم، همجنس خودمون و خانم باشه. از طرف دیگه، با توجه به اینکه ما معیارهای دیگه‌ای از جمله مسلمون بودن و دغدغه داشتن تو ابعاد فردی،

فاطمه زهرا و ریحانه از یک مجله معتبر معماری یک طرح اولیه پیدا کرده بودند. آن‌ها تصمیم داشتند یک روز تعطیل برای تمرین، نمونه اولیه را طرح بزنند و طراحی کنند.

مشغول طراحی بودند که مادر فاطمه زهرا او را صدا زد تا وسایل پذیرایی را از آشپزخانه به اتاق ببرد و از مهمانش، ریحانه، پذیرایی کند.

❖ **ریحانه:** دستتون درد نکنه، زحمت کشیدید. فاطمه زهرا به نظرت چه مدت باید از روی الگو تمرین کنیم تا بتونیم خودمون از روی ایده‌های شخصی طراحی کنیم؟

❖ **فاطمه زهرا:** فکر کنم آن‌قدر باید مطالعه کنیم و از روی الگوها که در واقع معیاری برای طراحی اصولی هستند، تمرین کنیم که محدوده استانداردهای معماری در ناخودآگاه ذهن ما قرار بگیره و ایده‌های ذهنی ما طبق همین استانداردها شکل بگیره و تو

✦ خوشنویسی: خط ناث، مسعود نجفانی، کانون هنر شیمی

**خانم فاطمه زهرا (س)
در جایگاه دختری
آن قدر دلسوز و مراقب
پدر و مهربان بودند که
به «ام اییها»
یعنی «مادر پدرش»
معروف بودند**

می کنند به هر نحوی کمکی کنند و برای رفاه حالش، او را از بسیاری کارها منع می کنند. اما حضرت فاطمه زهرا (س) آن قدر تابع و پیرو امام زمان خود بودند که در حالی که باردار بودند، به همراه امیرالمؤمنین (ع) به در خانه های مهاجران و انصار می رفتند و فرمان غدیر را یادآوری می کردند. این کنشگری اجتماعی و سیاسی خانم فاطمه زهرا (س) در زمانه خود، آن هم از یک زن، بی نظیر بود.

حالا شما دخترهای اندیشمند در مسیر الگو قرار دادن خانم، باید ببینید در راه امام زمان (عج) از چه چیزهایی می توانید بگذرید.

**از جمله خصلت های بارز
حضرت زهرا (س)
پیروی کامل از امام
زمان خود، یعنی
امیرالمؤمنین (ع)، بود**

عین حال با حیاست. خانم فاطمه زهرا (س) در تمام نقش هاشون بهترین بودند؛ هم در نقش های خانوادگی، در جایگاه دختری، همسری و مادری، و هم در نقش های فردی و اجتماعی شون زبازد بودند.

در جایگاه دختری آن قدر دلسوز پدر و مهربان بودند که به «ام اییها» یعنی «مادر پدرش» معروف بودند. در جایگاه همسری هم آن قدر عاشق و مهربان و دلسوز بودند که حضرت علی (ع) می فرمودند هر گاه غمی دارم و به فاطمه می نگرم، تمام غم هایم برطرف می شود. از طرف دیگر، با انجام برخی کارها در منزل، از لحاظ صرفه جویی در مخارج اقتصادی، کمک حال همسر خود بودند. وقتی که بعد از رحلت پیامبر (ص) ارثی که از پدر به ایشان رسیده بود، یعنی همان زمین های زراعی فدک، غصب شد، خانم برای بازپس گیری حق خود، مثل شیرزنی شجاع، به تبیین و سخنرانی پرداخت و خطبه فدکیه را ایراد و حق خود را مطالبه کرد. شاید در آن اوضاع آشفته، بعد از رحلت پیامبر (ص) کمتر کسی جرئت داشت چنین کار جسورانه ای انجام دهد.

از جمله خصلت های بارز حضرت فاطمه زهرا (س) پیروی کامل از امام زمان خود، یعنی امیرالمؤمنین (ع)، بود. شاید در اطراف خود دیده باشید افراد در حین مواجهه با یک خانم باردار، بسیار مراقبش هستند و تلاش

اجتماعی و سیاسی داریم، باید دنبال الگوی بگردیم که بتونه تمام این حیطه ها رو پوشش بده. البته پیدا کردن چنین انسانی به نظرم سخته.

هر دوه فکر فرورفتند. هم زمان با طرح زدن، گویا در ذهن خود الگوی کامل انسانی خود را طرح می زدند و در حال جست و جو بودند. مادر فاطمه زهرا از بیرون اتاق او را صدا زد: «فاطمه زهرا جان، یادت رفته چای ببری. بیا این سینی رو هم ببر.»

با صدای مادر، گویی چراغ راهنمایی در ذهن ریحانه روشن شد. بلند گفت: «درسته! پیداش کردم!»

فاطمه زهرا که بر خاسته بود به آشپزخانه برود، به سمت ریحانه چرخید: «چی درسته؟»

📌 **ریحانه:** «صاحب اسم تو همون الگوی کاملیه که ما دنبالشیم! خانم فاطمه زهرا (س) همون خانم مسلمونیه که تو تمام حوزه ها فعال و تأثیرگذار بودن و می تونن بهترین الگو برای ما باشن. کاش بتونیم یکی رو که در مورد ایشان مطالعه داشته پیدا کنیم تا در موردشون بهمون توضیح بده!»

📌 **فاطمه زهرا:** «این مورد من پیدا کردم! بدو بیا بریم سراغ مامانم که منبع اطلاعاته!» هر دوه سمت مادر رفتند. مادر چنین توضیح داد: «بهترین الگو رو پیدا کردید. ایشان مصداق کامل یک خانم مسلمان فعال و در

حساب و کتاب با پایتون

Python programming

فاطمه حیدری‌هایی (هنرآموز)

فاطمه نیک‌بخش (هنرجو)



استفاده می‌شود، از نوع داده عدد صحیح (Int) قبل از دستور (Input) استفاده کردیم.

انجام محاسبات با پایتون

در اکثر برنامه‌هایی که می‌نویسیم، نیاز داریم از عملیات ریاضی برای انجام محاسبات استفاده کنیم. در پایتون نیز مانند سایر زبان‌های برنامه‌نویسی

چاپ شود و سپس از ما داده را دریافت کند. اینکار باعث خواناتر شدن کد نیز می‌شود. به همین دلیل، ابتدا دستور (Input) را نوشتیم و سپس داخل دستور با استفاده از علامت‌های "

یک پیغام نوشتیم برای چاپ شدن پیغام برای وارد کردن داده و سپس در خروجی بعد از چاپ شدن پیغام داده را از ما دریافت می‌کند. نوع دیگر نیز مانند تصویر ۲ است:

در این تصویر، ابتدا متغیرهای مورد نیاز را تعریف و سپس با استفاده از دستور (Input) یک پیغام چاپ می‌کنیم و منتظر دریافت داده از طرف کاربر می‌شویم. شما می‌توانید با استفاده از دستور (Input) مقدار متغیرها را در خروجی چاپ کنید. به همین ترتیب، می‌توانید برنامه‌هایی به این صورت را با تعریف متغیر و دستور (Input) دریافت و طراحی کنید.

نکته: این تابع ورودی‌های برنامه را به‌عنوان یک رشته دریافت می‌کند. اگر ورودی شما نوعی غیر از string باشد، لازم است از تابع‌های تبدیل استفاده کنید.

مثال ۱: می‌خواهیم برنامه‌ای بنویسیم که علاوه بر گرفتن نام و نام خانوادگی و نام مدرسه، شماره تلفن و معدل نیز گرفته شود. به تصویر ۳ دقت کنید: ابتدا باید متغیرهایی را که نیاز داریم تعریف کنیم. برای دریافت نام و نام خانوادگی و نام مدرسه از دستور (Input) استفاده کردیم. اما برای گرفتن معدل (Average) چون معمولاً اعشاری است، از نوع داده Float برای تبدیل نوع رشته به اعشاری، قبل از دستور (Input) استفاده کردیم. سپس پیغام را چاپ کردیم. برای دریافت شماره تلفن، چون از اعداد صحیح

با توجه به اینکه دنیا بیش از پیش به سوی فناوری‌های جدید پیش می‌رود، این نیاز احساس می‌شود که دانش‌آموزان و دانشجویان نیز بیش از گذشته با نحوه کار کردن این فناوری‌ها آشنا شوند. یکی از راه‌های این آشنایی، آموزش اصول برنامه‌نویسی است.

در این دوره در هشت شماره زبان پایتون را به صورت مقدماتی آموزش می‌دهیم. در شماره قبل با مفهوم داده، متغیر، مقداردهی آن و روش کار و کاربرد تابع‌های پرینت و تایپ آشنا شدیم. در این شماره با روش دریافت داده از کاربر و انواع عملگرهای ریاضی و نحوه استفاده از آن‌ها آشنا خواهیم شد.

دریافت مقدار توسط کاربر

تاکنون تمام برنامه‌هایی که نوشته‌ایم تنها انتساب متغیر و چاپ کردن آن در خروجی و تشخیص نوع آن بود. اما مقدار متغیرها همیشه ثابت نیست. در بعضی برنامه‌ها نیاز است کاربر مقداری را وارد کند. این کار با دستور (Input) انجام می‌شود. به این مثال دقت کنید:

می‌خواهیم برنامه‌ای بنویسیم که هر فرد نام و نام خانوادگی و نام مدرسه خود را وارد کند و این اطلاعات در خروجی هم چاپ شوند. می‌توانیم به صورت مستقیم با دستور (Input) یا با استفاده از متغیر این کار را انجام دهیم؛ به تصویرهای شماره‌های ۱ و ۲ که نحوه استفاده و به کارگیری دستور (Input) را نشان می‌دهند، دقت کنید: چون می‌خواهیم متن را از ورودی دریافت کنیم، پس به دستور (Input) نیاز داریم که مقدار را از ورودی بگیرد. برای زیباتر شدن برنامه بهتر است ابتدا پیغامی مبنی بر دریافت داده مورد نظر

```

1
Python 3.10.4 [tags/v9.10.4:6c7b64d, Aug 1 2022, 21:53:49] [AMD64] on win32
Type "help", "copyright", "credits" or "license()" for more information.
>>> print(input("please enter first name: "))
please enter first name: Fatemeh
Fatemeh
>>> print(input("please enter last name: "))
please enter last name: Ahmadi
Ahmadi
>>> print(input("please enter school name: "))
please enter school name: Farzaneh
Farzaneh
    
```

```

2
Python 3.10.4 [tags/v9.10.4:6c7b64d, Aug 1 2022, 21:53:49] [AMD64] on win32
Type "help", "copyright", "credits" or "license()" for more information.
>>> print(input("please enter first name: "))
please enter first name: Fatemeh
Fatemeh
>>> print(input("please enter last name: "))
please enter last name: Ahmadi
Ahmadi
>>> print(input("please enter school name: "))
please enter school name: Farzaneh
Farzaneh
    
```

```

3
Python 3.10.4 [tags/v9.10.4:6c7b64d, Aug 1 2022, 21:53:49] [AMD64] on win32
Type "help", "copyright", "credits" or "license()" for more information.
name=input("please enter name: ")
please enter name: Fatemeh
family=input("please enter family: ")
please enter family: Ahmadi
    
```


دیگر می‌توان محاسبات ریاضی را به سادگی انجام داد. به نمادهای ریاضی مانند + و - و / و * عملگر می‌گویند. به جدول عملگرها دقت کنید:

عملگر	مثال ریاضی	اولویت عملگر	ترجمه
+	$2 + 2$	۳	۲ به علاوه ۲
-	$1 - 2$	۳	۲ منهای ۱
*	$2 * 2$	۲	۲ ضربدر ۲
/	$2 / 2$	۲	۲ تقسیم بر ۲ (تقسیم اعشار)
**	$2 ** 2$	۱	دو به توان دو
//	$2 // 2$	۲	۲ تقسیم بر ۲ (تقسیم صحیح)
%	$2 \% 3$	۲	باقی‌مانده تقسیم ۳ بر ۲

دقت داشته باشید که در برنامه‌نویسی، به جای عملگر \div از / و به جای عملگر \times از * استفاده می‌شود.

همچنین از () نیز در محاسبات استفاده می‌شود. مانند:

$$12 + (2 - 16)$$

اولویت عملگرها در پایتون

ترتیب و توالی عملگرها در پایتون بسیار اهمیت دارد و دستورها با توجه به اولویت هر عملگر اجرا می‌شوند. برای مثال، اگر در محاسبات از () استفاده شده باشد، ابتدا عملیات داخل پرانتز محاسبه می‌شود و سپس باقی عملگرها. در غیراین صورت اولویت اجرای عملگرهای ضرب، تقسیم، جمع و تفریق از سمت چپ است. به این مثال‌ها توجه فرمایید:

$$\text{مثال ۱: } 2 - 3 + 5 * 5 = 24$$

$$\text{مثال ۲: } 26 = 5 * 5 + (3 - 2)$$

فرض کنید می‌خواهیم برای یک شرکت ساختمانی برنامه‌ای بنویسیم و نیاز است مساحت قسمت‌های گوناگون محاسبه شود. در این قسمت از برنامه، طول و عرض یک اتاق مستطیل شکل را دریافت و محیط و مساحت آن را محاسبه و چاپ کردیم (شکل ۴).

در این مثال ابتدا دو متغیر طول و عرض تعریف شده و مقدار آن از کاربر گرفته شده است. به دلیل اینکه مقدار طول و عرض یک عدد اعشاری است، قبل از تابع input نوع float نوشته شده است تا ورودی رشته‌ای را به نوع اعشاری تبدیل کند. سپس مقدار محیط و مساحت را محاسبه و چاپ می‌کند. اگر در ادامه برنامه به مقدار محیط و مساحت نیاز داریم، بهتر است ابتدا مقدار آن را در یک متغیر

جدا ذخیره و سپس آن را چاپ کنیم (شکل ۶).

مثال ۳: می‌خواهیم برنامه‌ای بنویسیم که تعداد ثانیه‌های مطالعه شمارا دریافت و مشخص کند چند ساعت و چند دقیقه و چند ثانیه مطالعه کرده‌اید (شکل‌های ۸ و ۹)

در این مثال، ابتدا تعداد ثانیه‌ها را از کاربر دریافت می‌کنیم. از آن جا که هر ساعت ۳۶۰۰ ثانیه است، ابتدا عدد وارد شده را بر ۳۶۰۰ تقسیم صحیح می‌کنیم تا تعداد ساعات مشخص شود. باقی‌مانده تقسیم را در متغیر a ذخیره می‌کنیم. حاصل تقسیم صحیح متغیر b بر عدد ۶۰ برابر تعداد دقیقه‌های مطالعه شده است و باقی‌مانده تقسیم برابر ثانیه‌های باقی‌مانده است. در آخر مقدارهای محاسبه شده در برنامه را با عبارت مناسب در خروجی چاپ کردیم.

تمرین: یک کارخانه تیرسازی برای طراحی نرم‌افزار مدیریت کارکنان به شما پیشنهاد کار داده است. در این برنامه از شما خواسته شده است مشخصات کارکنان را دریافت و ذخیره کنید و در پایان هر ماه، زمان کاری هر فرد را دریافت و میزان حقوق وی را طبق فرمول محاسبه و چاپ کنید:

(ساعت کاری روز کار * ۸۰۰۰۰) + (ساعت کاری شب کار * ۷۵۰۰۰) = حقوق یک ماه
برنامه را برای یک کارگر بنویسید و اجرا کنید.

۹

```

C:\Users\B-Rusein\AppData\Local\Programs\Python\Python11\1.py --
please enter height 110.2
please enter weight 43.5
area= 43.55999999999999
perimeter= 29.0
    
```

۱۰

```

Run Options Window Help
float(input("please enter height :"))
weight=float(input("please enter weight :"))
area=weight*height
perimeter= 2*(weight+height)
print("area is :",area)
print("perimeter is",perimeter)
    
```

۱۱

```

Run Options Window Help
ght=float(input("please enter height :"))
ght=float(input("please enter weight :"))
a=weight*height
imeter= 2*(weight+height)
t("area is :",area)
t("perimeter is",perimeter)
    
```

۱۲

```

Run Options Window Help
3.11.3 (tags/v3.11.3:13046b, Apr 4 2023, 23:19:39) [MC v.1324 64 bit]
AMD64) on win32
Type "help", "copyright", "credits" or "license()" for more information.
>>>
===== RESTART: C:/Users/B-Rusein/AppData/Local/Programs/Python/Python11/L.py =====
please enter height 111.2
please enter weight 42.3
area is 25.759999999999999
perimeter is 27.0
    
```

۴

```

Run Options Window Help
Python 3.10.6 (tags/v3.10.6:8c7b84d, Aug 1 2022, 22:53:49) [MC v.1322 64
AMD64) on win32
Type "help", "copyright", "credits" or "license()" for more information.
>>> name=input("please enter name: ")
please enter name: taha
please enter family: 1304
family=input("please enter family: ")
please enter family: 1304
    
```

۵

```

Run Options Window Help
Python 3.10.6 (tags/v3.10.6:8c7b84d, Aug 1 2022, 22:53:49) [MC v.1322 64 bit]
AMD64) on win32
Type "help", "copyright", "credits" or "license()" for more information.
>>> name=input("please enter name: ")
please enter name: taha
please enter family: 1304
school_name=input("please enter school name: ")
please enter school name: 1304
average=float(input("please enter average: "))
please enter average: 19.5
telephone=int(input("please enter phone number: "))
please enter phone number: 2233000000
    
```

۶

```

Run Options Window Help
Python 3.10.6 (tags/v3.10.6:8c7b84d, Aug 1 2022, 22:53:49) [MC v.1322 64 bit]
AMD64) on win32
Type "help", "copyright", "credits" or "license()" for more information.
>>> name=input("please enter name: ")
please enter name: taha
please enter family: 1304
school_name=input("please enter school name: ")
please enter school name: 1304
average=float(input("please enter average: "))
please enter average: 19.5
telephone=int(input("please enter phone number: "))
please enter phone number: 2233000000
    
```

۷

```

File Edit Format Run Options Window Help
height=float(input("please enter height :"))
weight=float(input("please enter weight :"))
print("area=",weight*height)
print("perimeter=",2*(weight+height))
    
```

۸

```

Run Options Window Help
height=float(input("please enter height :"))
weight=float(input("please enter weight :"))
print("area=",weight*height)
print("perimeter=",2*(weight+height))
    
```


انسان‌های نخستین تلاش زیادی کردند تا توانستند چرخ را اختراع کنند. شاید آن‌ها در ابتدا از چرخ‌های مربعی شکل شروع کرده باشند، ولی به مرور زمان دریافته‌اند که چرخ‌های دایره‌ای شکل عملکرد بهتری دارند. این تجربه انسان‌های نخستین کار ما را راحت کرده است. زیرا دیگر نیازی به اختراع مجدد چرخ نداریم. در زمینه بازاریابی کسب‌وکارها نیز انسان‌های متعددی چرخ‌های گوناگونی را اختراع کرده‌اند. کافی است ما نیز از چرخ‌هایی که آن‌ها اختراع کردند استفاده کنیم تا دیگر به اختراع آن چرخ نیاز نباشد. در واقع، کسب‌وکارهای زیادی برای کسب تجربه‌های متعدد هزینه‌های زیادی پرداخت کرده‌اند. استفاده از تجربه‌های این کسب‌وکارها در زمینه بازاریابی باعث خواهد شد بدون پرداخت هزینه مسیر صحیح بازاریابی را بشناسیم. در ادامه با چند نمونه از اشتباه‌های رایج در کسب‌وکارها آشنا خواهیم شد.

خطای «طبق معمول»

« پول خود را در سطل آشغال نیندازید! »

بنابراین، میزان خرید کالا ثابت باقی می‌ماند. بنابراین، شناخت محصولی که ارائه می‌کنید، بسیار اهمیت دارد. اگر کالای شما از کالاهای دسته اول (مانند کالاهای تزئینی) باشد، شما می‌توانید با کاهش قیمت محصول، فروش بیشتر و در کل سود بیشتری را نصیب خود کنید. اما اگر کالای شما از دسته دوم کالاها باشد، کاهش قیمت نمی‌تواند راه مناسبی باشد، چون خرید ثابت است و کاهش قیمت‌ها در کل فقط ضرر در پی دارد. ارتباط این نکته با بازاریابی چیست؟ با دانستن این نکته، شما می‌توانید بگویید آیا می‌شود با طرح‌های تخفیفی سود کل خود را افزایش داد یا خیر؟ برای مثال، اگر شما محصولی مانند گلدان تزئینی تولید می‌کنید که از دید خریداران حیاتی نیست، می‌توانید با کاهش قیمت (مثلاً از طریق توزیع برگه تخفیف یا طرح‌های تخفیفی مناسبی) و در نتیجه آن افزایش خریداران، در نهایت سود خود را بیشینه کنید. اما در مقابل فرض کنید کسب‌وکار شما تولید نان باگت باشد؛ محصولی که خریداران آن معمولاً ثابت هستند. بنابراین، در صورتی که شما از قیمت محصول خود بکاهید، با توجه به ثابت بودن فروش، حتی ممکن است با ضرر مالی نیز مواجه شوید.

آیا شما هم جزو آن دسته از افرادی هستید که معتقدند: «قیمت کمتر، فروش بیشتر، درآمد بیشتر»؟ معمولاً فروشگاه‌هایی که محصولات خود را حراج می‌کنند، این موضوع را باور دارند. آن‌ها به دنبال این هستند که با کاهش سود کسب‌شده در هر محصول، قیمت آن را پایین بیاورند و این کاهش در سود را با افزایش فروش جبران کنند تا در نهایت سود کلی بیشتری کسب کنند. اما آیا همه محصولات مانند هم هستند؟ مثلاً آیا فروشنده نورافشان (لوستر) می‌تواند رفتاری مشابه فروشنده محصولات پلاستیکی داشته باشد؟ واکنش به تغییر قیمت هر محصول متفاوت است. در برخی محصولات، خریداران به تغییرات قیمت واکنش‌های شدید نشان می‌دهند. مثلاً با کمی افزایش قیمت، خرید خود را از آن محصول به‌شدت کاهش می‌دهند. برای نمونه، کالاهای تجملی یا تزئینی از این دسته هستند. زیرا در صورت افزایش قیمت، خریداران به راحتی می‌توانند از خرید آن‌ها صرف نظر کنند. اما در مقابل، کالاهایی هستند که با تغییر قیمت آن‌ها خریداران نمی‌توانند واکنش شدید نشان دهند. یعنی با افزایش قیمت، مصرف خود را از آن کالا کاهش نمی‌دهند یا با کاهش قیمت، بیشتر به سمت شما هجوم نمی‌آورند!

« روی اعصاب مشتریان خود راه نروید! »

فهرست سیاه تلفن همراه خود قرار داده‌اید که نشان‌دهنده ناکار بودن این روش بازاریابی برای کسب‌وکار است. یا به‌عنوان مثالی دیگر، شما نیز گاهی از دست آگهی‌های تأسیساتی که بر در خانه می‌چسبانند ناراحت می‌شوید. در همین زمینه، برخی از کسب‌وکارها هنگام فرستادن پیامک، کد مربوط به ارسال نشدن آگهی را نیز برای دریافت‌کننده می‌فرستند. بنابراین دقت کنید، از آگهی‌ها یا پیامک‌ها حتماً به‌صورت بهینه استفاده کنید. یعنی مشتریان بالقوه خود را بشناسید و فقط برای آن‌ها تبلیغ بفرستید.

فرض کنید شما برای تبلیغ، آگهی یا پیامکی را به دست مشتریان بالقوه خود می‌رسانید. در این صورت معمولاً ممکن است دو اتفاق رخ دهد. مخاطبان این آگهی ممکن است به این آگهی واکنش مثبت نشان دهند و از شما خرید کنند، یا از شما خرید نکنند. اما ممکن است که اتفاق سومی نیز رخ دهد. در صورتی که شما با آگهی‌ها یا تبلیغات مکرر خود موجب عصبانیت مخاطب شوید، آن‌ها دیگر حتی در صورت نیاز نیز از شما خرید نخواهند کرد. برای نمونه، شما نیز در گذشته قطعاً چند شماره تبلیغاتی را در

نویسنده: محمد مهدی کمال

« قول الکی ندهید! »

آن را تعمیر کنید. اما مشتری شما این را دوست ندارد، زیرا اساساً به این دلیل با شما ارتباط برقرار کرده که در تبلیغات خود قول داده‌اید تعمیرات را در منزل انجام دهید. به همین خاطر، این بار آخرین باری خواهد بود که برای تعمیر آبگرم‌کن با شما تماس می‌گیرد. به همین دلیل، هیچ‌وقت قول الکی ندهید، زیرا به مرور زمان اعتماد مشتریان را از دست خواهید داد. در این متن سعی شد به چند مورد از اشتباه‌های رایج در زمینه بازاریابی کسب‌وکارها اشاره شود. هر چند ممکن است برخی از اقدامات در زمینه بازاریابی بسیار جذاب به نظر برسد، اما ممکن است در ادامه برای کسب‌وکار شما پیامدهای منفی داشته باشد. این را تجربه افراد باتجربه در این زمینه ثابت کرده است. به قول معروف، شما مو می‌بینید و افراد باتجربه پیچش مو.

فرض کنید کسب‌وکار شما در حوزه تعمیرات آبگرم‌کن‌های دیواری است. شما برای جلب‌توجه دیگران به کسب‌وکار خودتان در تبلیغات، تأکید می‌کنید که کلیه تعمیرات آبگرم‌کن در داخل منزل انجام می‌شود. این نکته برای مشتری بسیار جذاب است، زیرا او حوصله صبر کردن برای بردن آبگرم‌کن خراب به کارگاه و سپس برگرداندن آن را ندارد؛ به‌ویژه در زمستان که این موضوع فرد را چند روز از داشتن آب گرم محروم می‌کند. به همین دلیل، این کسب‌وکار در ابتدا با اقبال زیادی روبه‌رو می‌شود. اما ممکن است در یکی از تعمیرات خود با آبگرم‌کنی روبه‌رو شوید که مخزن آن سوراخ باشد و شما تجهیزات لازم برای جوشکاری آن در منزل مشتری را نداشته باشید. در این صورت، قطعاً باید آبگرم‌کن را به کارگاهی ببرید تا با استفاده از تجهیزات کارگاه،

هنر ساروج و بازسازی بناهای باستانی

آثار باستانی بخشی از تاریخ و اصالت ما و جزئی از هویتمان محسوب می‌شوند. حفظ و مراقبت از این آثار به دلیل بلایای طبیعی، جنگ‌ها، گذر زمان و فرسودگی بنا به آسانی میسر نیست. افرادی متخصص مانند شما هنرجویان رشتهٔ مرمت آثار باستانی، که برای محافظت از این گنجینه‌ها علم و علاقهٔ کافی دارند، برای حفظ و نگهداری از این آثار دست به کار شده و برای احیای بناهای قدیمی روش‌هایی نوین یافته‌اید. شما به‌خوبی می‌دانید، بازسازی و احیای بناهای کهن بسیار دشوار است و با هر ملات و موادی ممکن نیست. یکی از همکاران آیندهٔ شما، مصطفی شکور، که در حوزهٔ مرمت آثار باستانی تجربه‌هایی دارد، تصمیم گرفت با توجه به مصالح ساختمان‌سازی در قرن‌های پیش، با ملاتی قدیمی به نام «ساروج» که دیگر کسی از آن استفاده نمی‌کرد، ماده‌ای نو و تازه برای مرمت آثار باستانی ابداع کند. او «ساروج» را جایگزین سیمان کرد، اما نه با همان ماهیت و عیب‌های قدیمی‌اش. شکور با تغییراتی که در مواد اولیهٔ ساروج به وجود آورد، زمان

آماده‌سازی آن را که بین ۲۴ تا ۴۸ ساعت بود، به زمانی بسیار کوتاه‌تر تبدیل کرد. از دیگر مشکلات ساروج این بود که اگر به آن فشاری می‌آمد، خدشه‌دار می‌شد و کمی فرو می‌ریخت. اما با اصلاحاتی که این هنرمند جوان در مواد آن انجام داد، استحکام و قدرت استقرار ساروج نیز بالا رفت و قیمت آن نیز مقرون‌به‌صرفه شد. این ملات ساخته‌شده، در مقایسه با سیمان، زیباتر و ماندگارتر است. همچنین با توجه به مصالح باستانی کشور خودمان و برای نیاز بومی‌مان ساخته شده و طبیعی است که نمونهٔ خارجی ندارد. این اختراع یا بهتر است بگوییم احیای روش قدیمی با اعمال اصلاحاتی در آن، به بسیاری از شما هنرجویان که هم‌اکنون یا در آینده آثار باستانی را مرمت می‌کنید، کمک می‌کند هم در فرایند کارتان از مصالح ارزان‌تر و مقاوم‌تری استفاده کنید. هم خودتان به دنبال کشف و ابداع ملاتی بهتر و ناشناخته‌تر بروید. امیدواریم در سال‌های آینده نام شما را بین مبدعان روشی نوین برای احیای گنج‌های باستانی‌مان بخوانیم.

خدمات ویدئوچک

نرم‌افزار، دستگاهی با همان کارکرد ویدئوچک را برای مسابقه‌های فوتبال ایرانی اختراع کرد. این فناوری متر به متر زمین را رصد می‌کند و تمام حرکات بازیکنان را زیر نظر دارد. کارشناسان ورزشی، که در آینده ممکن است شما هنرجویان رشتهٔ تربیت‌بدنی هم جزو آن‌ها باشید، بازی را نه با چشم عادی و به‌طور مستقیم از زمین فوتبال، بلکه با این فناوری تماشا می‌کنند. در این دستگاه، زمانی که توپ از فاصله‌ای نادرست به دروازه پرتاب می‌شود، لیزری سبزرنگ محل خطا را به داور نشان می‌دهد و اندازه‌های درست و فاصلهٔ بازیکن با آن را مشخص می‌کند. زمانی هم که توپ به‌درستی گل شود، با رنگ قرمز معلوم می‌شود. این فناوری تنها یک مشکل دارد؛ آن هم تأخیر چندثانیه‌ای در پخش بازی به‌صورت تجزیه و تحلیل (آنالیز) شده برای کارشناسان است. امیدواریم شما که هنرجوی رشته‌های ورزشی هستید، در آینده به همراه متخصصان نرم‌افزار، برای حل این مشکل و دیگر مشکلات ورزشمان دست به کار شوید.

اوایل دههٔ نود که شما هنوز هنرستانی نبودید و شاید آن دوران را به خوبی به یاد نداشته باشید، نوعی فناوری در جهان رونق گرفت که به داوران مسابقه‌های ورزشی کمک می‌کرد خطاهای بازیکنان در زمین را با دقت بیشتری تشخیص بدهند. نام این فناوری «ویدئوچک با وی‌ای آر» بود. این فناوری را سال‌ها قبل در بعضی مسابقه‌های جهانی مثل والیبال‌هایی که تیم ملی ایران و یک تیم خارجی روبه‌روی هم بازی می‌کردند مشاهده کردیم، اما به دلایل گوناگون، مانند بالا بودن قیمت، ویدئوچک به ورزش ایران و مسابقه‌های داخلی وارد نشد. شما هنرجویان رشتهٔ تربیت‌بدنی و دیگر ورزش‌دوستان قطعاً به‌خوبی می‌دانید، داشتن این فناوری چه کمک بزرگی به داوران می‌کند و تا چه اندازه در نتیجهٔ نهایی مسابقه‌ها تأثیرگذار است. اما خوشبختانه این مشکل در یکی دو سال اخیر تا حد زیادی برطرف شده است. در اواخر دههٔ نود جوانی به نام سیروس پالادی، با کمک تیمی متشکل از داوران فوتبال، ورزشکاران، تحلیل‌گر (آنالیزور)های بازی‌ها و مهندسان

«وی‌آی آر» ریحانه نعسان‌الهی



کشاورزی آبیاری فیتله‌ای

اگر هنرجوی رشته ماشین‌های کشاورزی و کشاورزی هستید، احتمالاً باید با انواع ماشین‌ها و ابزارهای آبیاری و روش‌های ساخت آن‌ها آشنا شده باشید. می‌دانید هر کدام از این ماشین‌ها چقدر می‌توانند در کیفیت آبیاری و صرفه‌جویی آب مؤثر باشند. مشکل این است که برای راه‌اندازی روش‌ها و ساخت ابزارهای آبیاری مقرون‌به‌صرفه امکانات کافی وجود ندارد. کشاورزانی هم که با روش‌های سنتی مشغول کاشت و برداشت هستند، نمی‌توانند زمین‌هایشان را به روش‌های آبیاری قطره‌ای یا فیتله‌ای مجهز کنند. در این شرایط، جوانی بوشهری به نام سبحان زارع‌زاده، وسیله‌ای اختراع کرد تا کشاورزان بتوانند با استفاده از آن زمین‌شان را آبیاری فیتله‌ای کنند. این روش آبیاری برای مناطقی مناسب است که دچار کم‌آبی هستند و به دلیل کمبود آب نمی‌توانند در همه زمین‌های قابل کشت کشاورزی کنند. با کمک این دستگاه، آب به‌طور مستقیم وارد قطعه‌ای از ریشه گیاه می‌شود که برای رشد به آن نیاز دارد و قسمت‌های

دیگر گیاه که غرق آب‌بودنش به پرورش محصول کمکی نمی‌کند، خشک می‌مانند. با کمک این دستگاه مقدار بسیار زیادی آب و هزینه صرفه‌جویی می‌شوند. به‌طوری‌که در روش سنتی، هر فضای سبز شهری در یک روز بیست تا سی لیتر آب نیاز دارد، اما با استفاده از فناوری بومی آبیاری فیتله‌ای، آب مصرفی به روزی نیم‌لیتر کاهش می‌یابد. نمونه خارجی این دستگاه، تولید کشور هلند است و خرید آن به علت قیمت بسیار بالا، برای کشاورزان ناممکن است. اختراع سبحان زارع‌زاده به کشورهای حاشیه خلیج فارس و برخی از کشورهای اروپایی نیز صادر شده است. امیدواریم شما هنرجویان رشته‌های ماشین‌های کشاورزی و تعمیر آن‌ها نیز با بررسی این دستگاه و دستگاه‌های دیگری که انواع آبیاری و کاشت و برداشت را میسر می‌کنند، با توجه به اقلیم کم‌آب کشورمان، ماشین‌ها و ابزارهایی برای آبیاری زمین اختراع و به رونق گرفتن کشاورزی کم‌هزینه کمک کنید.



صنعت نمک‌زدایی و تصفیه پساب شور

تصفیه آب صنعتی را که تا پیش از این در کشورمان نمونه‌ای نداشت، به وجود آوردند. در این فرایند، ابتدا رنگ‌های سمی با مقدار حداکثری از آب حذف می‌شود و سپس نمک‌های آن از بین می‌روند. در مرحله بعد، یون‌های خازنی حذف می‌شوند (جداکردن اجزای باردار آب با استفاده از اختلاف پتانسیل الکتریکی آن‌ها بین الکترودها). بعد از آن اکسایش (اکسیداسیون) پیشرفته روی آب اعمال می‌شوند. کل این فرایند ۹۰ دقیقه زمان می‌برد و تاکنون بهترین روش شیمیایی ابداع‌شده به دست جوانان ایرانی برای پاک‌سازی آب صنایع نساجی بوده است. فعالان و هنرجویان صنایع نساجی و صنایع شیمیایی که علاوه بر مطالعه و کار کردن در شاخه تخصصی خود، به موضوعات محیط‌زیست و سلامت نیز اهمیت می‌دهند، می‌توانند با الگوبرگشتن از این پروژه ملی، به دیگر مشکلاتی که صنایع نساجی برای محیط‌زیست ایجاد می‌کنند، توجه کنند و برای حل آن‌ها پروژه‌ها و اختراعات جدیدی را کلید بزنند.

یکی از چالش‌های مهم دوران ما موضوع کمبود آب و آلودگی آب‌ها در جهان است. همه ما در مقابل این بحران زیست‌محیطی مسئول هستیم. شاید تصور کنید برطرف کردن این بحران‌ها صرفاً بر عهده فعالان محیط‌زیست و جنگلبانان است و از دست شما هنرجویان رشته‌هایی همچون نساجی و شیمی‌کاری ساخته نیست، اما این تصور اشتباه است. چندماه پیش، مهندسان شیمی و نساجی دانشگاه امیرکبیر پروژه‌ای را با نام «اصلاح الکترود به‌منظور بررسی کاربرد هم‌زمان فرایندهای یون‌زدایی خازنی و اکسایش (اکسیداسیون) با یووی ۲، به‌منظور نمک‌زدایی و تصفیه پساب شور» آغاز کردند. هدف از این پروژه جداکردن رنگ‌های سمی و نمک‌ها از آب استفاده‌شده در صنایع نساجی بود، زیرا همان‌طور که شما هنرجویان رشته‌های شیمی و نساجی می‌دانید، این مواد سمی با تصفیه عادی آب در شهرداری‌ها از بین نمی‌روند و تحت حالت خاصی نابود می‌شوند. مهندسان دانشگاه امیرکبیر برای حل این مشکل دو فناوری نوین آزمایشگاهی



پی‌نوشت‌ها

1. VIR
2. UV



کارآفرین

خودکارسازی

تنظیم کننده: محمد حسین کاظمی

با پیشرفت روزافزون علم و فناوری، آنچه افزایش کیفیت و کمیت تولید کارخانه‌ها را محقق می‌کند، چیزی نیست جز هوشمندسازی و خودکارسازی خط‌های تولید؛ موضوعی که در دنیای امروز یکی از به‌روزترین فناوری‌هاست و بسیاری از کشورها در این زمینه به کشورهای اروپایی مثل آلمان، هلند و ایتالیا متکی هستند. در این شماره با آقای مرتضی نوروزی کاخکی صحبت می‌کنیم؛ هنرجوی قدیمی هنرستان که با همت بلندش، اکنون مدرس دانشگاه و بنیان‌گذار تنها شرکت دانش‌بنیان ایران در زمینه خودکارسازی و هوشمندسازی خط تولید کارخانه‌هاست؛ شرکتی که توانسته است خودکارسازی خط تولید بسیاری از صنایع حساس ایران، مثل پالایشگاهی، فولادی و کارخانه‌های داخلی، را با اتکا به تخصص جوانان بومی ایران زمین با کیفیت و سرعتی بالاتر از رقیبان خارجی محقق کند.



تماشاکن

در مورد خودتان، تحصیلاتان، شرکتتان و زمینه فعالیتتان برایمان بگویید؟

بنده مرتضی نوروزی کاخکی هستم؛ متولد شهر کاخک شهرستان گناباد. در مورد تحصیلات تا دوره اول دبیرستان را در شهر خودم درس خواندم، اما برای ادامه، با توجه به علاقه زیاد به مباحث فنی، با وجود مخالفت‌های والدین و معلمانم که رشته ریاضی را به من پیشنهاد می‌دادند، رشته الکترونیک و هنرستان را انتخاب کردم. پس از پایان دوره دیپلم در هنرستان شهید عباسپور گناباد، در دانشکده فنی شهید منتظری و دانشگاه خراسان تا دوره کارشناسی الکترونیک ادامه تحصیل دادم. در مورد شرکت باید بگویم، شرکت ما یک شرکت دانش‌بنیان است که در زمینه تخصصی خودکارسازی خط تولید کارخانه‌ها فعالیت می‌کند. کارکنان شرکت تقریباً ۵۰ نفرند که اکثراً متخصصان حوزه‌های برق، کنترل، الکترونیک و رایانه از دانشگاه‌های خوب ایران هستند. از این بین، بیش از ۵۰ درصد بچه‌های شرکت هنرستانی بوده‌اند که توانایی آن‌ها برای ما ثابت شده است.

هنرستان از دید من بیشتر از اینکه محل تحصیل باشد، محل شکل گرفتن یک فرهنگ است؛ فرهنگ کار کردن، تلاش کردن، نتیجه‌گرایی و کار گروهی

لطفاً درباره فضای هنرستان و از تجربه‌هایتان بگویید.

● بهترین دوران زندگی من بدون شک دوران هنرستان بوده است؛ هم از لحاظ علمی و هم از لحاظ دوران زندگی. آن دوره دوساله در زندگی من بسیار برجسته است. آن زمان ما با انواع چالش‌ها و کمبود امکانات مواجه بودیم؛ دوری از خانواده، کمبود امکانات خوابگاه به‌نوعی که غذاخوری خویش‌یار (سلف سرویس)، سرویس بهداشتی مناسب، آب گرم و بسیاری از امکاناتی که برای دانش‌آموزان امروزی بسیار عادی به نظر می‌رسند. با همه این‌ها دورانی بود که با شتاب بسیار فوق‌العاده‌ای بر دانش و علم ما افزوده می‌شد. من به تجربه و بر اساس مصاحبه‌های کاری متعدد که در هنگام استخدام نیروهای شرکت انجام داده‌ام، عرض می‌کنم که سطح یک دیپلمه هنرستان، از سطح کسی که در دانشگاه نظری تاحد کاردانی تحصیل کرده است، بیشتر است.

محیط هنرستان و آموخته‌های هنرستانی در آنجا چقدر در ادامه کار در حوزه کارآفرینی به شما کمک کرد؟

● هنرستان از دید من بیشتر از این که محل تحصیل باشد، محل شکل‌گرفتن یک فرهنگ است؛ فرهنگ کارکردن، تلاش کردن، نتیجه‌گرایی و کار گروهی. در ریاضی، زمانی که شما با یک مسئله روبه‌رو هستید، در نهایت و بعد از حل مسئله، به یک عدد می‌رسید و تمام. اما در هنرستان این‌گونه نیست. به‌فرض

اگر یک مدار را بر پایه علم نظری آن طراحی کنید، باید در کارگاه آن را پیاده کنید و از آن خروجی عملی بگیرید؛ این یعنی نتیجه‌گرایی. یکی از اصلی‌ترین مزیت‌های هنرستان برای من همین بود که نتیجه‌گرایی را در من نهادینه کرد.

پیش از آغاز جدی کسب‌وکارتان چه فعالیت‌ها و اقداماتی انجام دادید که در موفقیت شما تأثیرگذار بود؟

● یکی از مهم‌ترین نقاط مثبت در زندگی من این است که هیچ‌وقت زمان خودم را به بطالت نگذرانده‌ام. البته این موضوع شاید غیرارادی بوده است، اما الان که به گذشته‌ام نگاه می‌کنم، می‌بینم خدا را شکر این‌گونه بوده است. مثلاً سال سوم راهنمایی با اصرار و با وجود مخالفت اولیه پدرم، رفتم و شاگرد نجاری شدم که از دوستان پدرم بود. در زمان هنرستان هم تابستان‌ها در یک مرکز خدمات رایانه‌ای تعمیرات ساده رایانه و نصب نرم‌افزار انجام می‌دادم. در ادامه، در دانشگاه هم به همین ترتیب بود. نیمسال اول دانشگاه تقریباً سه روز در هفته بیکار بودیم. برای استفاده مفید از این زمان، با وجود اینکه تازه به مشهد رفته بودم و شهر برابرم ناشناخته بود، رفتم شهرک صنعتی طوس و با پای پیاده تقریباً همه کارخانه‌ها را گشتم، به امید پیدا کردن فرصت کارآموزی. اما نگهبانان کارخانه‌ها مرا بیرون می‌انداختند. خلاصه بعد از دو سه ماه دنبال فرصت کارآموزی گشتن در روزنامه‌ها

و کارخانه‌ها، به‌صورت اتفاقی، در اتوبوس با آقای مهندسی آشنا شدم که مرا به یک شرکت ماشین‌سازی معرفی کرد. این دفعه چون معرف داشتم، شرکت مرا پذیرفت. تا پایان دوره کاردانی در آن شرکت مشغول بودم. اصلی‌ترین مواردی که تا به اینجای راه به کمک من آمده، همین تجربه‌های متعدد کارآموزی بوده است.



برای برخورد با برنامه‌های بزرگ، کلی تجربه لازم است. این تجربه‌ها را همان شکست‌های کوچک برای ما می‌سازند

فکر می‌کنید اولین نفری که جوراب پوشید، چه کسی بود؟

از چپ‌وقتی به ذهن مردم رسید که می‌توانند تن‌پوشی را هم تن‌پاهایشان کنند؟ پیدایش جوراب برمی‌گردد به مردم یونان و دوره مصر باستان که اولین بار کارگران و برده‌هایشان نوعی جوراب پوشیدند. زنان هم در روم باستان نوعی جوراب می‌پوشیدند.



اولین نفری که جوراب جدید را وارد ایران کرد، چه کسی بود؟

ایشان، یعنی ناصرالدین شاه، از سفرش به انگلیس، به‌عنوان سوغات، برای همسرانش جوراب آورد.



انواع نخ‌های جوراب‌بافی

این‌ها انواع نخ‌های جوراب‌بافی هستند که ماده اولیه کار محسوب می‌شوند؛ انواع نخی و پلاستیکی. بعضی نخ‌ها پرز دارند یا ضخیم‌ترند که برای جوراب‌های پرزدار و گرم‌تر مناسب هستند. پلاستیکی‌ها هم انواع و رنگ‌های متفاوت دارند.



کارآفرین باشند. تعدادی باید فن‌ورز (تکنسین) باشند، تعدادی کارشناس و تعدادی کارگر. در واقع، انتخاب بین کارآفرینی و کارمندی یک مرحله بعد از تخصص است. در هر کاری که می‌خواهیم انجام دهیم، اول باید متخصص شویم. به زبان عامیانه، یعنی باید کار بلد باشیم. زمانی که متخصص شدیم، آن وقت کارمند بودن یا کارآفرین بودن، حتی از لحاظ میزان درآمد، فرق چندانی نمی‌کند. همین اواخر، ما در پروژه‌ای به مشکلی برخوردیم. بعد از پرس‌وجو در کشور تنها یک نفر را یافتیم که می‌توانست مشکل را حل کند. زمانی که با او تماس گرفتیم، برای یک کار پنج‌شش روزه حدود ۴۵۰ میلیون تومان درخواست کرد. ما نه تنها قبول کردیم، بلکه گفتیم در صورت حل مشکل، علاوه بر دستمزد، پاداش نیز خواهیم پرداخت. در ایران و همه جای دنیا همین است، تخصص حرف اول را می‌زند.

مهم‌ترین رکن‌ها یا رازهای موفقیت یک کارآفرین را چه می‌دانید؟

● پشتکار و تخصص در کنار هم. متخصص باشیم و پشتکار داشته باشیم و البته در کنار آن از این شاخه به آن شاخه نپریم. یک اشکال عمومی این است که بعضی‌ها وقتی کاری را شروع می‌کنند و در آن شکست می‌خورند، می‌پرند روی یک شاخه دیگر که این اشتباه است. ترکیب این سه، یعنی تخصص، پشتکار و تمرکز روی یک کار خیلی هم سخت نیست. البته انتظار کوتاه‌مدت در حد شش ماه، یک سال، دو سال نباید داشته باشیم. هر کارآفرین موفق که شما می‌بینید، حداقل ۱۵ تا ۲۰ سال زحمت کشیده است.

مخاطبان اصلی رشد هنر جو، هنرجویان هنرستان هستند. برای آن‌ها چه توصیه‌هایی دارید؟

● اگر هنرجوی هنرستان جدیت به خرج دهد و درش را به‌درستی بخواند، به‌گونه‌ای که مفاهیم اصلی را درک کند، کارگاه‌ها را جدی بگیرد، به‌گونه‌ای که کوچک‌ترین و ساده‌ترین کار عملی را با دقت بالا انجام دهد و در کنار این‌ها به‌جای تلف کردن وقتش در شبکه‌های مجازی، در زمینه‌های گوناگون کارآموزی کند، من قول می‌دهم قبل از اینکه دانشگاهش تمام شود، یا جذب بازار کار شود یا خودش کارآفرین شود.

پی‌نوشت

I.PCL:

پی‌سی‌ال در واقع اصلی‌ترین قطعه در هوشمندسازی و خودکارسازی خط تولید است.

درآمدها به هزینه‌ها نمی‌رسیدند. هم‌زمان من ازدواج هم کردم و دیگر نمی‌شد با آن روش که درآمد درستی نداشتیم، ادامه دهیم. در آن زمان، یکی از شرکت‌هایی که از آن‌ها قطعه می‌خریدیم، به من پیشنهاد داد با توجه به تجربه‌ام، مدیر پروژه شرکت آن‌ها شوم. آن زمان من حدود ۲۲ سال داشتم. چون موقعیت خوبی بود، قبول کردم. حدود شش سال با آن‌ها همکاری داشتم تا اینکه در سال ۱۳۹۴ دوباره و بعد از افزایش تجربه، تصمیم گرفتم با دو نفر از دوستان همین شرکت را تأسیس کنم؛ سرمایه چندانی هم نداشتیم. تقریباً نفری چهار تا پنج میلیون تومان داشتیم که همان زمان هم رقمی نبود. از سال ۱۳۹۵ هم به‌صورت جدی کار شرکت را شروع کردیم و تا الان خط تولید بیش از ۱۵۰ کارخانه بزرگ کشور را به‌طور کامل طراحی و اجرا کرده‌ایم.

دو گروه عمده از راه‌اندازی کسب‌وکار و ارزش‌آفرینی فراری هستند؛ گروهی از ترس شکست و گروهی به علت نداشتن سرمایه اولیه. برای این دو دسته چه توصیه یا پاسخی دارید؟

● شکست که همیشه هست، املائی ننوشته غلط ندارد. شکست قطعاً هست، ولی شکست به معنای پیشرفت‌نکردن نیست. به‌فرض شما یک قطعه می‌سازید، جواب نمی‌دهد. حداقل کار این است که در تلاش بعدی اشتباهتان رو دوباره تکرار نمی‌کنید. اصلاً تفاوت کسی که کارآفرین است با افراد دیگر همین است که از شکست خسته نمی‌شود. آن قدر باید شکست بخوری تا آبدیده شوی. البته لقمه را هم باید اندازه دهان گرفت. یعنی کاری را که می‌خواهیم انجام دهیم، در توانمان باشد. مثلاً این‌طور نباشد که همان اول راه، قبل از پایان تحصیل و در کمال بی‌تجربگی، بخواهیم خانه پدری خود را بفروشیم که شرکت بزنیم. خب قطعاً این شکست عاقبت سختی خواهد داشت. برای برخورد با برنامه‌های بزرگ، کلی تجربه لازم است. این تجربه‌ها را همان شکست‌های کوچک برای ما می‌سازند.

در مورد سرمایه، نظر من این است که هیچ کسب‌وکاری از ابتدا سرمایه مالی نمی‌خواهد. آنچه از دید من سرمایه واقعی است پشتکار است. هر شخصی در هر کاری که دارد پشتکار داشته باشد و سختی‌ها و شکست‌ها را به جان بخرد، موفق خواهد شد.

از بین کارمندی و کارآفرینی کدامیک را پیشنهاد می‌دهید؟

● از نظر من، اگر جمعیت کل جامعه را برای مثال ۵۰۰ نفر در نظر بگیریم، عین ۵۰۰ نفر که نمی‌توانند

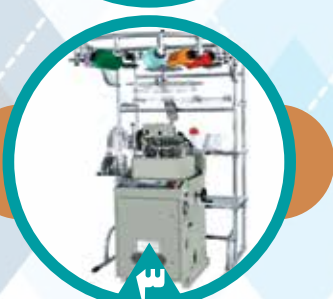
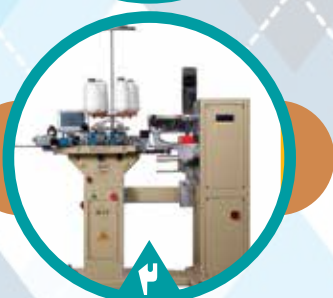
امروزه جوراب جزو پوشاک اصلی همه مردم دنیاست و به صورت رسمی، روزانه و ورزشی، برای زنان، مردان و کودکان تولید و از آن استفاده می‌شود.

محمد امین قربانی

جوراب

نحوه تولید جوراب

- ۱ اولین و اصلی‌ترین مرحله تولید جوراب بافی، طراحی جوراب است؛ با این نرم‌افزار، در این صفحه شطرنجی ریز، هر خانه یک گره از بافت جوراب به حساب می‌آید. شما باید نقشه و رنگ‌ها را طبق این معیار طراحی کنید. رایانه را به دستگاه بافت جوراب، وصل می‌کنید. نخ‌های دلخواه و رنگ‌هایی را که در نقشه در نظر گرفته‌اید، روی دستگاه می‌گذارید. دستگاه هم جوراب را از داخل خرطوم بلندش تحویل‌تان می‌دهد!
- ۲ دو طرف جوراب‌ها باست. با این دستگاه باید پنجه‌ها را بدوزید.
- ۳ حالا وقت آنوکردن است. بله اتوی این شکلی هم داریم که قالب‌های مردانه و زنانه و بچگانه‌اش با هم فرق می‌کنند.



برای شروع، به جز هزینه محل کارگاه، حدود ۳۰۰ میلیون تومان برای تهیه دو دستگاه و تأمین سرمایه در گردش نیاز دارید. میزان فروشش هم به عیدها، مدرسه و زمستان بستگی دارد که بازارش متفاوت است. پیشرفتتان در گرو زیادکردن دستگاه‌ها و پیدا کردن بازار جدید است.

وزیر قہر

تصویر گر: فرازبزازادگان

کمک کنید. ہمہ بچہا رو از محوطہ تخلیہ کنید. دو تا ہواپیمای عراقی دارن بالایشگاہ رو میزنن.



شکوہیان
اکنون ایرانی‌ها نہ وزیر نفت دارند و نہ نفت!!!



در ۲۶ شهریور سال ۱۳۵۹ صدام با لغو عہدنامہ ۱۹۷۵ الجزایر رسماً بہ ایران اعلام جنگ داد.

اخبار عاجلہ
اعتقلت القوات العراقية وزير النفط الإيراني

۸ آبان ۱۳۵۹



نیروی هوایی عراق بہ شدت مناطق نفتی ایران را بمباران کرد تا مانع تولید و صادرات نفت ایران شود. محمد جواد یک ماہ از انتخابش بہ عنوان وزیر نفت در کابینہ نخست وزیر رجائی می گذشت. فشار زیادی روی او بود. او بہ سرعت بہ سامان دہی و حفاظت از تأسیسات نفتی در خوزستان پرداخت.

۹ آبان ۱۳۵۹، جادہ ماکشہر محمد جواد با ہمراہان در حال بازگشت بہ آبادان بود.

نزدیک آبادان بودند کہ...

می دونم بالایشگاہ آسیب دیدہ اما بہ مهندس غلامی بگو ظرف دو ہفتہ باید بہ چرخہ تولید برگردہ.

بلہ حتماً

خونسرد باشید. نباید بہ ما شگ کنند

عراقی‌ها جادہ رو بستن

زود از ماشین پیادہ بشین.

ما نظامی نیستیم. ما اسلحہ نداریم.



محمد جواد به سرعت به سمت افسر عراقی می‌رود و یقه او را می‌گیرد.

با اینها کاری نداشته باشین. من هدف شما هستم
محمد جواد تندگویان
وزیر نفت ایران

فکر کردین ما احمق هستیم. از قبل می‌دانستیم شخص مهمی از این منطقه عبور می‌کنه.

ناگهان ...

پس از دستگیری توسط گارد بعثی عراق تحت الحفظ به بغداد منتقل شدند.

روزها از پی هم می‌آیند و محمد جواد زیر شدیدترین شکنجه‌ها بود.

حرف بزن. ما درمورد صادرات نفت ایران اطلاعات می‌خوایم. آخرین فرصتیه که می‌تونن به خودت کمک کنی.

محمد جواد
به شماره
۱۵۷۸۹۵۴۰۱

مثل اینکه دیگه نمی‌خوای زن و بچه‌هات رو ببینی.

محمد جواد تندگویان در سال ۱۳۶۸ در زندان بعثی‌ها به شهادت رسید

پیکر شهید تندگویان در سال ۱۳۷۰ به ایران بازگشت و در تاریخ ۹ آذر ماه در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

برنامه‌ریزی

نظم‌کننده: محمدحسین کاظمی

در مقاله شماره قبل پا به پای هم درباره هدف فیزیکی صحبت کردیم. گفتیم، برای پیشرفت به نام اجتماعی نیاز داریم. چشم‌هایمان را بستیم و تصور کردیم ۳۲ ساله‌ایم....

همه ما در زندگی اجتماعی مان نقش‌هایی را می‌گیریم. دلمان می‌خواهد علاوه بر اینکه نقش‌ها اعتبار اجتماعی خوبی داشته باشد، آدم هم حسابمان کنند! یعنی از ایده‌های سرشار و خلاقیت‌های روزافزونمان کمال استفاده را ببرند و به قول خودمان «حیف نشویم!» اما مسئله این است که یک‌شبه نمی‌شود به این جایگاه رسید! ابتدا باید برنامه‌ریزی اجتماعی داشته باشیم.

-یا خودِ خدا! یعنی برای این هم باید برنامه‌ریزی کنیم؟! مگه فقط درس خوندن برنامه‌ریزی نداشت!

با اجازه بزرگ‌ترها بله! این هم برنامه‌ریزی می‌خواهد: فقط از نوع اجتماعی‌اش. مرحله اول این برنامه‌ریزی اجتماعی هم مشخص کردن «نام اجتماعی» است که باید از نوجوانی شروع شود تا در بزرگسالی با چسب ۱-۲-۳ به ما چسبیده باشد و قابل کنده‌شدن نباشد (دقت کنید چسب ۱-۲-۳ نه چسبی که زود کنده شود!) این نام اجتماعی، حتی انتخاب رشته تحصیلی و رشته دانشگاهی‌مان را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد! (یعنی تشعشعات آن به کل دامن زندگی‌مان را رها نمی‌کند و همه‌چیز باید بر مبنای آن چیده شود!)

برنامه‌ریزی اجتماعی و حرکت در مسیر آن سبب می‌شود پله‌های ترقی را سریع‌تر طی کنیم (این طی به معنای آن طی نیست‌ها! به معنای پیمودن است).

- این نام اجتماعی که مدام می‌گی یعنی چی؟ + یعنی ما هر جلسه باید به این داستان دندان و جگر برسیم؟! اما خوش حال باش. این بار نرسیدیم، چون الان می‌خوام برات بگم نام اجتماعی یعنی چی.

سلامی دوباره به شما که پرتوان و تلاشگرید. وقتی می‌گوییم تلاش، یعنی به دنبال راه‌حلی باشیم برای گذر از تاریکی به سمت نور و روشنایی. آن قدر برویم و برویم تا به هدفمان برسیم.

تلاش می‌شود مصداق جمله پرتکرار «رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود/ رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود». باید حواسمان را خوب جمع کنیم، دوربرگردان اشتباهی را نرویم. گاهی نیاز است دوربرگردان درستی را برگردیم. چقدر بیج‌دریج شد! لب کلام این است که اول خودت را باور کن، بعد هدف‌ت را مشخص کن و در مرحله نهایی حرکتت. حواست را جمع کن که به جاده خاکی نزنی.

نام اجتماعی یعنی همه بدانند که: «نوعی هستی؟» «چه نقشی را به عهده می‌گیری؟» «کجا باید سوانت را بگیرند و از تجربه‌هاست استفاده کنند»

نام اجتماعی یعنی همه بدانند که:

- ♦ تو چه کسی هستی؟
- ♦ چه نقشی را به عهده می‌گیری؟
- ♦ کجا باید سرعت را بگیرند و از تجربه‌ها استفاده کنند.

برای خودت چه فایده‌ای دارد؟

اعتماد به نفست را به‌طور اساسی بالا می‌برد. اینکه همه تو را با آن نام اجتماعی می‌شناسند و به تو مراجعه می‌کنند، کمک می‌کند به خودت و مهارتت ایمان پیدا کنی. پس حالا دیگر خودت را قبول داری و برای خودت ارزش قائلی. همه این‌ها سبب بالارفتن اعتماد به نفس و افزایش حس ارزشمندی می‌شوند. حس ارزشمندی برنامه‌ریزی و هدفمندی را در انسان نهادینه می‌کند. رهاورد این حس تلاش است؛ تلاش در مسیری که ترسیم کرده‌ای و نتیجه‌اش را دیده‌ای.

عجب نقشه راه جالبی! از اولی به آخری می‌رسی و از آخری دوباره به سمت اولی می‌روی تا سوخت لازم را برای طی مسیر داشته باشی. حالا نام اجتماعی را با ذکر مثال توضیح می‌دهیم. در من ۳۲ ساله شغلت چه بود؟ جواهرساز؟ طراح دوخت؟ ...

از این شغل باید برای معرفی نام اجتماعی‌ات استفاده کنی.

مثلاً: علیرضا بهمنی، متخصص جواهرسازی. بعد از این باید خودت را رتبه‌بندی کنی. مثلاً درجه کار بنده در سطح عالی است. من هنوز در حال یادگیری هستم ...

این‌ها می‌شود تعریف نام اجتماعی من. نامی اجتماعی که بیان‌کننده مهارت شماسنت و وضعیت حضورتان را در اجتماع نشان می‌دهد.

- پس نام اجتماعی من می‌شه زهرا سمیعی، متخصص کتاب‌خواندن، آرایشگری، نقاشی و گلدوزی در حد بالای صد در صد. آها، به کمی هم آشپزی و گل‌آرایی بلدم. سرعت ظرف‌شستنم عالی.

+ آگه خواستی بگو به تریلی بیارم نام و نشان تو رو بار بزنه! چیزی مونده که نگفته باشی؟ - آره، آره. به جلسه‌ام کلاس خطاطی رفتم. اینکه صرف داشتن مهارت در چیزی یا گذراندن دوره‌ای، آن را به عنوان نام اجتماعی مان معرفی کنیم، صحیح نیست. باید یکی از این موارد را که در آن علاوه بر علاقه وافر، مهارت چشمگیری هم داریم، به عنوان نام اجتماعی مان انتخاب کنیم (دقت کنید، علاقه وافر یعنی حاضریم برای انجام‌دادنش از خیلی چیزها بزنیم).

- پس بقیه استعدادها چی می‌شه؟ تو کلاً در حال خشک‌کردن استعدادهای منی.

آن‌ها اسم‌های هنری‌ات می‌شوند. یعنی توانایی‌های دیگری که داری. دقت کن، اسم‌های هنری شاخه‌های فرعی هستند و شاخه اصلی نام اجتماعی است.

- تمام حرف‌هایی که زدی قبول، ولی اینکه من رو به چیزی این طوری گیر بدم، خسته‌ام نمی‌کنه؟ گیر دادن اگر به معنی درستش یعنی تلاش خستگی‌ناپذیر برای رسیدن باشد، به شما هدف می‌دهد. شاخه اصلی می‌شود شغل‌تان و باقی موارد می‌شود کارهای فرعی‌تان؛ مثل معلمی که در ساعت‌های غیر اداری‌اش نجاری می‌کند. به یک نکته طلایی دقت کنید (هر چند تمام این مقاله سرشار از نکات طلایی است!). باید بتوانید آن مهارت را باور داشته باشید تا با چسب ۱-۲-۳ به عنوان نام اجتماعی به شما بچسبد. - چطور این نام اجتماعی را پیدا کنیم که به ما بچسبد؟!

+ برویم سراغ تمرین این جلسه - پس چرا جواب سؤال منو نمی‌دید؟ چطوری پیداش کنیم که به ما بچسبه؟ + توی تمرین یاد می‌گیری، دندان و جگر رو برای همین وقت‌ها گذاشتن!

تمرین:

یکی از روش‌های فهمیدن این نام و مهارت آن است که روی کاغذ بنویسید چه مهارت‌هایی دارید.

مرحله بعد، اولویت‌بندی از نظر خودمان است. به نظر خودت کدام بالاترین اولویت را دارد و کدام کمترین اولویت را. کتاب‌خواندن را بیشتر دوست داری یا گل‌آرایی را؟ در معلمی توانایی و استعدادت بیشتر است یا نجاری؟

مرحله سوم سؤال پرسیدن از اطرافیان است. خانواده، دوستان، فامیل. از آن‌ها بپرسید شما را با چه مهارتی می‌شناسند؟ (قطعاً از شنیدن پاسخ این سؤال شوکه می‌شوید!)

مرحله آخر تطبیق دادن است. نتیجه مرحله‌های دوم و سوم را کنار هم بگذارید؛ استعدادها و علاقه‌هایی را که از هر دو مرحله امتیاز خوبی کسب کرده‌اند، یعنی در حال تبدیل شدن به نام اجتماعی هستند. ولی اگر چیزی که فکر می‌کردید، با شنیده‌هایتان

درباره خودتان تطبیق نداشت، لطفاً افسرده و دل‌زده نشوید. خوش حال باشید شما جلوی یک فاجعه انسانی را گرفته‌اید. اگر دیرتر می‌فهمیدید و دیگر هیچ کاری نمی‌شد برایش کرد چه؟

یک یاعلی بگوئید و برای ساختن نامی اجتماعی که دوست دارید، قدم بردارید. مراحل گفته شده،

از برنامه‌ریزی و تلاش را انجام دهید تا نام دلخواهتان را در ذهن‌ها حک کنید. فقط یادتان باشد، برنامه‌ریزی و تلاش شما را به چیزی که دوست دارید تبدیل می‌کند، نه تبلی و رؤیابافی!

جالب بود، موافق نیستید؟ + پس بلند شو و ببین می‌تونی نام اجتماعی‌ات رو پیدا کنی؟

فقط قبل از اینکه بلند شوی، یک تقلب درباره شماره بعد به تو برسانم. می‌خواهیم درباره توانایی‌ها و توانمندی‌هایمان با هم صحبت کنیم.

نام اجتماعی
بیان‌کننده مهارت
شماسنت و وضعیت
حضورتان را در اجتماع
نشان می‌دهد. اسم‌های
هنری شاخه‌های فرعی
هستند و شاخه اصلی
نام اجتماعی است



« دیدیم که در صفحه ادبیات جای حکایت‌های پرمغز فارسی که بسیاری از نکات اخلاقی ما در آن نهفته‌اند، خالی بود. زین سبب بر آن شدیم حکایتی مختصر از شیخ اجل سعدی را با هم بخوانیم.

فرزند ناهم-وار!

محمد حسین مددی

وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ
فقیره درویشی حامله بود. مدت حمل به سر آورده و مر این درویش را همه عمر فرزند نیامده بود. گفت: «اگر خدای عزوجل مرا پسری دهد، جز این خرقه که پوشیده دارم، هر چه در ملک من است، اینار درویشان کنم.»
اتفاقاً پسر آورد و سفره درویشان به موجب شرط بنهاد.

پس از چند سالی که از سفر شام باز آمدم، به محلت آن دوست برگزیدم و از چگونگی حالش خبر پرسیدم. گفتند به زندان شحنة در است. سبب پرسیدم. کسی گفت: «پسرش خمر خورده است و عربده کرده است و خون کسی ریخته و خود از میان گریخته. پدر را به علت او سلسله در نای است و بند گران بر پای.»

گفتم: «این بلارا به حاجت از خدای عزوجل خواسته است!»

زنان باردار ای مرد هشیار
اگر وقت ولادت مار زاینند
از آن بهتر به نزدیک خردمند
که فرزندان ناهموار زاینند

گاهی انسان چیزی را می‌خواهد که در آن
برایش خیری نیست.





« در بزرگداشت شهید مدرس

بده ساقی آن لعل گون جام را
 در او باده تلخ ایام را
 مگر باز گویم از آن شب، سخن
 شبی شعله افکنده در جان من
 حکایتگر رنج مردان مرد
 روایتگر آتش و داغ و درد
 شبی اهرمن ساز و مردم گداز
 به محراب نیرنگ برده نماز
 در این پهنه، پیکی، پیامی نماند
 ز دین نبی غیر نامی نماند
 مگر رادمردی در این گیرودار
 به پاخاست ز آل نبی یادگار
 یکی آهنین عزم دشمن شکن
 به آزادی آراسته جان و تن
 «حسن» خلق و خوی حسینی در او
 علی گونه شور خمینی (ره) در او
 ز بانش یکی تیغ دشمن شکار
 زهفته در او جوهر ذوالفقار
 ز شب خیمه برچید و آورد روز
 جهان تاب گردید و عالم فروز
 چو خورشید «مجلس» بر افروخته
 رخ از سوز پنهان و خود سوخته
 به روشن دلی گر «مدرس» نبود
 شب تیره را «ماه مجلس» نبود
 اگر چه ز کرباس تن پوش داشت
 ردایی چو خورشید بر دوش داشت
 توای خفته در خاکدان سالها
 دگرگون پس از خود نگر حالها
 ز جا خیز و بنشین در این گفت و گوی
 که آن آب رفته درآمد به جوی
 تو را تا شهید از ستم ساختند
 ستم پیشگان برد را باختند
 تویی آن شهید خدایی که داد
 شب آسفتگان را پناه تو «داد»
 نمیری که مرگ تو آن زندگی است
 که سرچشمه مهر و تابندگی است

« اوحدی مراغه‌ای

رکن‌الدین اوحدی مراغه‌ای در سال ۶۷۳ هجری قمری در دوره حکومت ایلخانیان در ایران در شهر مراغه چشم به جهان گشود.
 پدر رکن‌الدین از اهالی شهر اصفهان بود. خودش نیز مدتی در این شهر اقامت داشته. به همین سبب به اوحدی اصفهانی نیز مشهور است.
 این شاعر پارسی گوی در سال ۷۳۸ در شهر مراغه چشم بر جهان بست و هم‌اکنون مقبره و آرامگاه اوحدی به موزه‌ای دائمی تبدیل شده است.
 شعری با مطلع «بلدا» به مناسبت شب بلدا از این شاعر انتخاب شده است که با هم مطالعه می‌کنیم.

شب هجرانت ای دلبر، شب یلداست پنداری
 رخت نوروز و دیدار تو عید ماست پنداری
 قدم بالای چون سرو تو خم کردست و این مشکل
 که بالای تو گر گوید نکردم، راست پنداری
 دمی نزدیک مهجوران نیایی هیچ و نشینی
 طریق دل نوازی از جهان برخاست پنداری
 دلت سخت است و مزگان تیر، در کار من مسکین
 بدان نسبت که مزگان خار و دل برجاست پنداری
 خطا زلفت کند، آخر دلم را در گنه آری
 جنایت خود کنی و آنگاه جرم از ماست پنداری
 ز هجر عنبر زلف و فراق درد دندان
 دو چشم اوحدی هر شب یکی دریاست پنداری

پی‌نوشت‌ها

۱. سوره مبارکه بقره، آیه ۲۱۶
۲. دیوان اشعار، غزل شماره ۷۹۲



مشفق کاشانی

جدول

باطم

جدول افقی

۱- مناسبت ۱۲ آذر؛ ۲- خارج نیست - از نوازندگان عصر ساسانی - رنگ آسمان؛ ۳- میوه‌ای بهاری - فرایند فیزیکی تبدیل اتم‌ها یا مولکول‌ها به یون؛ ۴- بوی خوشی مرکب از مشک و عنبر و عود - کشور فلاسفه - جوشی است که با خارش پوست بدن را سیاه کند؛ ۵- سواره خبر از آن ندارد - غسل شکسته - نظر؛ ۶- فلزی سبک - همکاری برای دزدی؛ ۷- شیفته و عاشق - نام میدانی معروف در تهران - واحد سنجش توان الکتریکی - شهری مقدس در نزدیکی تهران؛ ۸- سرسلسله اعداد - دوستی - محلی برای رشد گل؛ ۹- طبقات دوزخ - لقب - از خودروهای داخلی؛ ۱۰- گردش - گردنه‌ای در حدفاصل سمنان و دامغان؛ ۱۱- نامی دخترانه، البته بدون حرف اول - کنایه از دیواری محکم - دست عرب؛ ۱۲- نشانه - نام پسرانه به معنای نادر و بی‌همتا - جای پا - گل سرخ؛ ۱۳- حرف انتخاب - از اقوام ایرانی - سنگریزه - نام دخترانه ایرانی به معنای جاودان؛ ۱۴- مقابل قشلاق - روز ولادت حضرت زینب (س)؛ ۱۵- روز دانشجو - آزاد

عمودی

۱- مناسبت هفتم آذر؛ ۲- کاربرد - وسیله‌ای برای راه رفتن سالمندان - دعا و ستایش؛ ۳- از رنگ‌ها - دستگاهی که نیروی حاصل از فعل و انفعالات شیمیایی را به صورت الکتریسیته جاری درمی‌آورد - لباس - نه به زبان عربی؛ ۴- هجران - سمینار - معدن؛ ۵- نوعی نان - ضلع روبه‌روی زاویه قائمه مثلث - مرتب کنید سرخ می‌شود؛ ۶- رودی مرزی - بی‌رونق شدن؛ ۷- بوی ماندگی - ناسزا گفتن - مخفف راه؛ ۸- طرف راست - نوعی زغال سنگ - آواز نحس؛ ۹- متون ناتمام - یک دور بازی تنیس - کشوری در غرب آفریقا؛ ۱۰- نزاع بی‌پایان؛ وزیر اعظم دوره مظفرالدین شاه قاجار - از آن طرف ضمیر اشاره است - پز بی‌سواد؛ ۱۱- نام استانی در روسیه - از خودگذشتن با حرفی تکراری در آخر؛ ۱۲- آخرین حرف الفبای انگلیسی - نجم - پرنس بدون سر؛ ۱۳- بدون حرف آخر شهری است در پاکستان - سرباز نیروی دریایی - نماز یک رکعتی؛ ۱۴- رودی در روسیه - لقب امام پنجم (ع) - بنیان‌گذار حکومت افشاریه؛ ۱۵- سلاح زنبور - ایتم - معروف‌ترین لقب حضرت فاطمه (س).

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
														۱
														۲
														۳
														۴
														۵
														۶
														۷
														۸
														۹
														۱۰
														۱۱
														۱۲
														۱۳
														۱۴
														۱۵

سلام به هنرجویان رشته تصویرسازی رایانه‌ای (گرافیک) و علاقه‌مندان به امور گرافیکی. از این شماره به بعد در این ستون، فیلمی یک دقیقه‌ای از ابزار و تجهیزات مناسب رشته‌های هنرستان بارگذاری می‌شود. در این شماره به سراغ هنرجویان رشته گرافیک رفتیم و قرار است ویژگی‌های رایانه کیفی و رایانه رو میزی مطلوب رشته گرافیک با بودجه‌های متفاوت را برای شما عزیزان بررسی کنیم. خب بیشتر از این مزاحم نباشم! خودتان ببینید.



بفرمایید ببینید



م آذر!

چیستان

حرف‌های واژه‌های پایین را به گونه‌ای مرتب کنید که نام کشوری به دست آید.

نیات دل	هنر فسا
سیل آراتا	ته سالن
جان ستارم	مريوان
آن زانتیا	ریه جین
ستون دهان	زنان دیو

کشف واژه

آیا می‌توانید از بین حرف‌های درهم ریخته داخل جدول، واژه مورد نظر را پیدا کنید؟
راهنمایی: نام شخصیتی ادبی است.

ا	ت	ا
و	ی	ر
م	ی	ن
ع	پ	ص

کشف رمز

ابتدا به سؤالات زیر پاسخ دهید. سپس حرف‌های اول پاسخ‌ها را از شماره‌های ۱ تا ۱۲ به ترتیب بنویسید تا رمز به دست آید.

	۱. مادر کوروش دوم:
	۲. کامپیوتر:
	۳. پایتخت اتیوپی:
	۴. کشوری با مرکزیت نیکوزیا:
	۵. از رهبران مشروطه‌خواه تبریز:
	۶. پایتخت مادها:
	۷. اسطوره فوتبال آرژانتین:
	۸. نقش مهران احمدی در مجموعه تلویزیونی پایتخت:
	۹. نام فلزی پر کاربرد:
	۱۰. شهر دانیال نبی (ع):
	۱۱. نام مدینه قبل از ورود پیامبر (ص):
	۱۲. جزیره تبعید پهلوی اول توسط انگلیسی‌ها:

--	--	--	--	--	--	--	--	--	--

معمای عددی

به جای علامت سؤال چه عددی باید گذاشت؟

۲۱	۱۸۹	۶۳	۵۶۷	۱۸۹	؟
----	-----	----	-----	-----	---



معرفی چهار حرفه سودآور

«چوب» حراج به «است» «ویا»

نویسنده: رضا توکلی

خدمات
برگزاری انواع مراسم

صنعت
کارگاه تولیدی چوب

امروزه برگزاری انواع مراسم به کاری تخصصی و با مشتریان زیاد تبدیل شده است. این مراسم شامل یک مهمانی خصوصی تا هم‌اندیشی، همایش و نمایشگاه بین‌المللی می‌شود. هر چقدر حجم و بزرگی مراسم بیشتر باشد، نیاز به وجود شرکت‌ها و مجموعه‌هایی که بتوانند مراسم را به صورت تخصصی اجرا کنند، بیشتر احساس خواهد شد. در بعد یک نمایشگاه از غرفه‌بندی‌ها تا طراحی فضا تا تزئینات و تجهیزات غرفه‌ها و خدمات نور و صدا و تصویر گرفته تا طراحی درست خدمات رفاهی بازدیدکنندگان بر عهده مجری نمایشگاه است. یا مثلاً در یک هم‌اندیشی از خدمات مدعوین و کارهای اجرایی تا اجرای آرایه (دکور) و تزئینات و تشریفات همایش بر عهده مجری مراسم است. تقریباً همه مراسم‌های بزرگی که برگزار می‌شوند، یک مجری برگزاری دارند که همین مجموعه‌های خدماتی است.

برای این کار بعد از اخذ مجوزها به یک دفتر برای ملاقات و مراجعه مشتریان نیاز دارید. از نظر نیروی انسانی نیز باید بخش‌های گوناگون یک مراسم را در نظر بگیرید و برای همه آن‌ها نیروی تخصصی در دست و بالتان داشته باشید مثل مسئول صوت و تصویر. هر چقدر بتوانید ابزار اجرای مراسم را برای شرکت خودتان بخرید، درآمد بیشتری خواهید داشت. مثلاً دستگاه صوتی و بلندگو را به همراه باندهای صوتی داشته باشید با انواع چراغ‌های نورپردازی را تهیه کنید.

تعرفه‌ها و درآمدها متنوع هستند، اما اگر مراقب وسایل باشید، حاشیه سود بالایی خواهید داشت.

چوب یک ماده زیبا، کاربردی و همیشه محبوب برای تولید محصولات بوده است. بسیاری از مردم به محصولات چوبی علاقه‌مند شده‌اند و هزینه بسیاری هم برای آن‌ها می‌پردازند. صنعت تولید محصولات چوبی یک صنعت میلیارد دلاری در حال توسعه است. اشیای چوبی از اساسی‌ترین لوازم زندگی روزمره افراد هستند که شامل محصولات بسیار متنوعی نیز می‌شوند؛ محصولاتی مانند میز، صندلی، مبل، تخت‌خواب، کابینت، میلمان.

هزینه افتتاح یک کارگاه تولیدی چوب در مجموع حدود ۲۰۰ میلیون تومان خرج است؛ به این شرح: ۶۰ میلیون تومان برای تهیه چوب و مواد دیگر؛ ۴۵ میلیون تومان برای ابزار و تجهیزات؛ ۳۰ میلیون تومان برای رایانه؛ ۳۰ میلیون تومان برای هزینه‌های متفرقه؛ ۲۴ میلیون برای راه‌اندازی یک وبگاه و دوربین؛ ۶ میلیون تومان برای تبلیغات و چاپ کارت ویزیت. این هزینه‌ها شامل هزینه اجاره فضای مغازه یا ویترین نمی‌شود. همچنین، باید بتوانید هزینه‌های سرباری مثل آب و برق و هزینه‌هایی جزئی مثل میخ را در هزینه کلی سرشکن کنید.

این کارگاه می‌تواند دوره‌های آموزشی برگزار کند و از آن کسب درآمد نیز بکند، اما در واقع صنعت تولید لوازم چوبی تجارت بسیار پرسودی است. اگر بتوانید بعد از مدتی امکان تولید صفحه‌های ام‌دی‌اف را نیز به کارتان اضافه کنید، کسب‌وکارتان بیش از پیش پرسود خواهد شد.



تماشا کن



هنر تولید انواع محتوای تصویری و صوتی



تولید محتوای یکی از بازوهای اصلی در بازاریابی دیجیتال است. محتوایی که در فضای مجازی منتشر می‌شود، انواع متفاوتی دارد: محتوای متنی (مقاله و گزارش)، محتوای تصویری (عکس، اطلاع‌نگاری، فیلم و پویانمایی)؛ محتوای صوتی (وب‌آوا یا همان پادکست، فایل صوتی آموزشی). شما با توجه به مهارتی که دارید، می‌توانید به تولید هر کدام از انواع محتوا بپردازید. برای تولید انواع محتوای تصویری و صوتی باید کار با نرم‌افزارهای تخصصی متعددی را یاد بگیرید، اما برای تولید محتوای متنی فقط کافی است چند نکته ساده را رعایت کنید و از قلم خوبی برای نوشتن برخوردار باشید. با توجه به گسترش روزافزون کسب‌وکارهای اینترنتی و گسترش وبگاه‌ها و فضای مجازی، مدیریت این فضاها به کسانی نیاز دارد که بتوانند مطالب جذاب و به‌روز برایشان تولید کنند. تعرفه‌های این کار بسیار متفاوت است و هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی می‌تواند محدوده وسیعی از درآمد و تعرفه را برای شما به ارمغان بیاورد.

کشور پرورش استویا

استویا یک گیاه بومی آمریکای جنوبی است. میزان شیرینی این گیاه ۱۰۰ تا ۴۰۰ برابر از شکر بیشتر است و هیچ‌کدام از عوارض شکر را ندارد! یعنی افراد عادی و دیابتی با خوردن استویا بیمار نمی‌شوند. استویا هیچ کالری و کربوهیدراتی ندارد و خوردن آن افراد را چاق نمی‌کند. امروزه در کشور ما آمار چاقی و دیابت به شدت در حال افزایش است.

شما با پرورش استویا بازار بزرگ و مناسبی در اختیار خواهید داشت. قیمت هر نهال استویا حدود ۱۰۰۰ تومان است و برای کاشت آن باید بین ۳۰ تا ۴۰ سانت فاصله با نهال دیگر قائل شوید. میزان آبیاری هم هر روز یا یک روز در میان باشد. با یک‌بار کاشت استویا، معمولاً تا پنج‌بار می‌توان برداشت انجام داد. در سال اول یک تا دو بار می‌توان برداشت انجام داد و از هر هکتار یک تا دو تن. از سال دوم بین دو تا سه برداشت و تا سه تن. قیمت هر کیلو برگ خشک استویا از ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان است و در زمستان که کمیاب است تا ۲۰۰ هزار تومان نیز می‌رسد.



نویسنده: مهیار قنبری

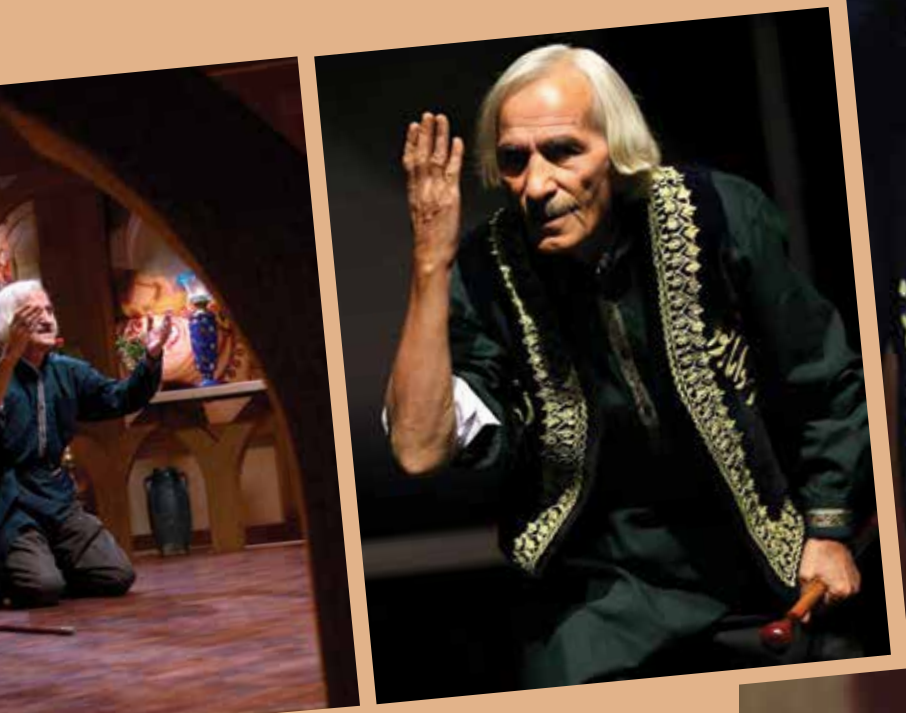
دلبری با تقوی

به نظر شما یک نفر با چوب و تکه‌ای پارچه چکار می‌تواند بکند؟ چقدر امکان دارد در کار خود موفق شود؟ چقدر امکان دارد بتواند مشتری جذب کند و جنسی بفروشد؟ چقدر می‌تواند محصول خوبی ارائه بدهد؟ شاید در نگاه اول این پرسش چندان دشوار به نظر نیاید! الان امکانات کم در حد تکه‌ای چوب ۵۰ سانتی متری و حدود ۷ تا ۸ مترمربع پارچه، نمی‌تواند کار خاصی انجام دهد، چه برسد به اینکه مشتری را راضی نگه دارد، محصول خوب ارائه کند و در فروش هم موفق شود!

اگر به برخی صحنه‌های نمایشی سری بزنید، متوجه می‌شوید هنر ایرانی با همین دو قلم ابزار ساده چه دلبری‌هایی از مشتریان می‌کند! چقدر همه را به وجد می‌آورد، و چه محصول جذابی ارائه می‌دهد. وقتی مرشد بالای صحنه می‌رود، پرده‌تقالی را باز می‌کنند و او با صدای گرم و گیرایش مجلس را گرم می‌کند.



مرحوم استاد ولی‌الله تازی (نقال شاهنامه)





است. به ظاهر ساده اما هم‌زمان چندین نقش را بازی می‌کند. گاهی به شمشیر و نیزه تبدیل می‌شود و گاه به گرز یا اشاره‌گر روی پرده. مرشد از همین چوب ساده بیشترین استفاده را می‌برد و شما را چنان مجذوب می‌کند که فراموش کنید این شمشیر آخته یا گرز سنگین در دست مرشد فقط یک چوب ساده است؛ بهترین استفاده از ساده‌ترین وسایل و امکانات موجود.

و اما مهم‌ترین بخش این هنر خود تقال است. تقال‌هایی که سال‌ها در این هنر موی سپید کرده‌اند را مرشد می‌گویند. مرشد کسی است که از امکاناتش بیشترین بهره را می‌برد. از همان چوب و پارچه. در واقع این مرشد یک مدیر تمام‌عیار است. با صدای گیرا و گرمش و با لحن پهلوانانه و حماسی‌اش، مخاطب را مجذوب این کار می‌کند. چنان شعرهای زیادی را که حفظ است می‌خواند و به قصه سنجاق می‌کند که شما خودتان را کنار همان تصویرهای تودرتوی پرده حس کنید. او می‌داند چطور مشتریانش را راضی نگه دارد. وقتی قصه می‌گوید، حواسش جمع است تا ارتباط شنوندگانش با قصه قطع نشود. با چشم با آن‌ها سخن می‌گوید. با حرکت دستش و با تصویرسازی‌های خیالی‌اش از میدان جنگ، داستان را در ذهن و جان مخاطب می‌نشانند. در واقع هنر اوست که شما چوب را شمشیر و نیزه تصور می‌کنید و نقش‌های روی پرده را زنده. او باید از همه امکاناتش برای این کیمیاگری بهره‌برد. باید به همه جزئیات توجه کند. صدا و لحن، حرکت‌های دست، حرکت کردن در صحنه نمایش و تصویرسازی میدان، کلمات درست و اشعار دقیق و حتی لباس مناسب.

وقتی به صحنه نمایش پرده‌خوانی می‌روید، می‌بینید که چقدر همه از این محصول فرهنگی راضی هستند. چقدر مرشد یا مدیر موفق عمل کرده است. به این دلیل که به همه جزئیات توجه کرده و از همه امکاناتش بیشترین استفاده را برده و هیچ چیز را هدر نداده است. بهره‌وری مرشد در هنر پرده‌خوانی خیلی بالاست. از کمترین ورودی‌ها (چوب و پارچه) بیشترین خروجی‌ها (رضایت مشتری، کیفیت بالای نمایش و محصول فرهنگی، جذب کردن افراد به کار و...) را می‌گیرد. این کار برای هر کسب‌وکاری شدنی است. یعنی اجازه هدر رفتن هیچ ظرفیتی را ندهید. به جزئیات توجه کنید و برای آن فکر و برنامه داشته باشید. دقیق باشید، با فکر هزینه کنید و نگذارید چیزی اسراف شود. بهترین خودتان را ارائه دهید.

هنر نقالی از قدیمی‌ترین هنرهای نمایشی ایرانی است که مثل آن را در هیچ کجای دنیا پیدا نمی‌کنید. این همه زیبایی و کیفیت و ظرافت فقط نزد ایرانیان است و بس.

هنر نقالی در واقع میراث هنر اصیل ایرانی است. صحنه نمایش پرده‌خوانی یا همان نقالی پر از ظرافت‌هایی است که کم‌بودن ابزار و امکانات در آن اصلاً به چشم نمی‌آید. اما چطور ممکن است؟ آیا می‌توانیم از این هنر برای بهتر کردن اوضاع کسب‌وکار خودمان بهره ببریم؟ پرده نقالی تکه‌پارچه‌ای بیشتر از جنس متقال است با عرض یک و نیم تا دو متر و طول حدود چهار متر. روی آن نقش‌هایی از روایت قصه به صورت تودرتو و با استفاده از همه قسمت‌های پارچه دیده می‌شود. مثل نگارگری ایرانی، باز هم از همه‌جای پارچه استفاده شده و در آن هیچ قسمت خالی وجود ندارد. از همه ظرفیت‌های پارچه، بدون اینکه قسمتی از آن هدر برود، استفاده شده است. وقتی تقال شروع به روایت قصه می‌کند، هر بار به قسمتی از این پارچه اشاره می‌کند که نقاشی‌های مربوط به آن قسمت داستان در آن کشیده شده‌اند. حتی اگر به جنس پارچه هم دقت کنید، می‌بینید در انتخاب متقال کاملاً فکر شده است. از هر پرده نقالی بارها و بارها استفاده قرار می‌شود و با چوب دست تقال روی آن کشیده می‌شود. حتی ممکن است بارها آب و گرما بخورد، و باز و بسته شود. پس باید جنس محکمی داشته باشد. اینکه تقال یا مرشدی بگوید می‌خواهم پرده نقالی‌ام را از جنس ابریشم بزنم، نه تنها فایده‌ای ندارد، بلکه بعد از چند بار استفاده از بین خواهد رفت.

چوب نقالی یا مطرق یک چوب‌دستی است که عصای دست تقال

**صدا و لحن،
حرکت‌های دست،
حرکت کردن در صحنه
نمایش و تصویرسازی
میدان، بیان کلمات
درست و اشعار دقیق و
لباس مناسب، جملگی
ابزارهای تاثیرگذار
نقالان پر مشغول‌تری
هستند**



رقیه ارسلانی

«ب» رجب

«ب» ی اعتمادی

زهرایا این سؤال همه را در سکوتی ناراحت‌کننده فرو برد و باقی گذاشت.

هر کس چیزی زیر لب زمزمه‌ای می‌کرد. زهرایا که مهارت معلمی خوبی داشت، سعی کرد ناراحتی‌اش را از این حرف‌ها نشان ندهد و بلند گفت: «خوش حال می‌شم نظرهایتون رو بلند اعلام کنید تا درباره‌اش حرف بزنیم.»

یکی گفت وقت نداریم و این کار خیلی وقت‌گیر است. دیگری گفت قالب جلسات ما کسل‌کننده و بی‌روح است و...

همه اما می‌دانستند هیچ‌کدام از این‌ها دلیل قانع‌کننده‌ای نیست و به توجیه‌کردن شباهت بیشتری دارد.

زهرایا به سمت تخته رفت و گفت: «یادتون باشه، تنها راه اعتمادآفرینی غلبه‌کردن بر نیاز ما به مصونیت و آسیب‌پذیری است.»

جلوی عبارت نبود اعتماد هم این عبارت را اضافه کرد: «آسیب‌ناپذیری.»

زهرایا از افراد جلسه خواست هر کس در پنج دقیقه و بدون شکسته‌نفسی و نگرانی، مهم‌ترین نقاط ضعف و قوت شخصی خودش را که بر کار شرکت اثر می‌گذارد، بیان کند.

چراغ اول را خودش روشن کرد:

- بگذارید خودم پیش قدم شم. من مهم‌ترین توانایی خودم رو تو این می‌بینم که می‌تونم از داخل گرد و غبار عبور و لب مطلب رو پیدا کنم. یعنی راحت

علاوه بر شنیده‌ها، به نظر من مشکل بی‌اعتمادی در این شرکت علت مشخصی دارد و آن نبود بحث و گفت‌وگو در جلسات و سایر مواردی است که لازم است در آن‌ها تعامل وجود داشته باشد. فعلاً نمی‌خواهم مفصل به این موضوع بپردازم. جلوتر آن را مطرح می‌کنم.»

مهران، مدیر عملیات شرکت، ول‌کن معامله نبود: «اما نبود بحث همیشه به معنای نبود اعتماد نیست، هست؟» حرف مهران تقریباً چیزی شبیه بیانیه بود. همه حاضران مشتاق شنیدن پاسخ زهرایا بودند. - به نظر من هم نبود بحث لزوماً با نبود اعتماد مساوی نیست.


مهران از اینکه نظرش درست بود، ذوق‌زده شده بود، اما طولی نکشید که بر جکش پایین آمد؛ با ادامه توضیحات زهرایا: «اگر همه هم‌جهت باشند و پشت سر هم و بدون گیجی و سردرگمی به طرف هدف مشترک حرکت کنند، نبود بحث خبر خوبی است.» خنده‌های زیرجلکی شروع شدند. آن‌ها مسلماً مشمول این تعریف نمی‌شدند!

زهرایا بحث را به سمت مهران برد: «باید این نکته رو بگم که در همه تیم‌های لایقی که من دیدم، حدی از بحث و مناظره بین افراد وجود داشته. حتی در تیم‌هایی که اعضای اون‌ها خیلی به هم اعتماد دارند، این مجادله و کشمکش‌ها بیشتر هم هست. به نظر شما چرا تو این گروه و تو جلسات ما بحث گرم و گیرایی شکل نمی‌گیره؟»

اخم معنی‌دار همه برای زهرایا صحنه آشنایی بود. برای همین حرفش را با تسلط ادامه داد: «پایه کار تیمی اعتماد است. بنابراین، اولین آسیب تیم آن است که اعضا نتوانند همدیگر را درک کنند و به‌راحتی با هم حرف بزنند. تیم‌ها صندوقچه اسرار نیستند که هر کس همه‌چیز را پیش خودش نگه دارد و به دیگری اعتماد نکند! اعضای تیم‌های موفق نمی‌ترسند عیب و نقص آن‌ها رو شود. آن‌ها بدون ترس از انتقام‌جویی و تلافی‌کردن بقیه، لغزش‌ها، ضعف‌ها و دلوپسی‌های خودشان را قبول می‌کنند.

رضا نظری، مدیر مالی، دستش را بلند کرد و خواست سؤالی بپرسد. بحث هنوز گرمایی و گیرایی لازم را نداشت، برای همین این کار رضا برای زهرایا اتفاق مثبتی تلقی می‌شد. این بود که گفت: «درسته که من زمانی معلم بودم، اما لازم نیست برای صحبت کردن دست بلند کنید!»

یخ جلسه با این شوخی به آب‌شدن می‌رفت. رضا گفت: «نمی‌خوام مخالف‌خوانی کنم، اما چرا فکر می‌کنی ما نسبت به هم اعتماد لازم را نداریم؟ به این خاطر نیست که شاید ما را خوب نشناخته‌ای؟» زهرایا کمی تأمل کرد. می‌خواست سؤال را خوب بسنجد و پاسخش با فکر همراه باشد. بعد گفت: «ارزبایی من از وجود این آسیب بر اساس آمار و اطلاعات است؛ شواهدی که از هیئت‌مدیره، کارکنان و حتی خیلی از شما جمع‌آوری کرده‌ام. اما



می‌تونم حاشیه‌ها رو کنار بزنم و به اصل مطلب برسم و به اون بپردازم. همین موضوع باعث می‌شه تو وقت خودم و شرکت صرفه‌جویی کنم و بهره‌وری خوبی داشته باشم. اما نقطه‌ضعف اصلی من اینه که توانایی سخن‌گویی خوبی ندارم. نمی‌تونم سنجیده و سسته‌ورفته صحبت کنم؛ به‌خصوص وقتی مقابل جمع یا دوربین‌های تلویزیون هستم. برای موفقیت شرکت باید تو این زمینه به من کمک کنی.»

همه به جز یکی دو نفر از صحبت‌های زهرا یادداشت برمی‌داشتند. - خب چراغ بعدی رو کی روشن می‌کنه؟ کمی سکوت بر جلسه حکم‌فرما شد، اما طولی نکشید که رضا نظری و محسن نکونام از خودشان گفتند و جلسه، از نظر زهرا، به سمت مطلوبی رفت. با این کار می‌خواست احساس مصونیت‌داشتن را در افراد بشکند و اعتمادها را بیشتر کند. در ظاهر موفق هم شده بود.

ادامه دارد...



ده‌هوش وارد

سید مرتضی حسینی

۲ دیداری فضایی

این افراد عاشق تجسم کردن و ساختن شکل‌های ذهنی و پیاده‌سازی آن‌ها هستند. این افراد در تفسیر تصویرها و به‌خاطر سپردن آن‌ها بسیار توانمندند و جالب است بدانید بسیار احساسی هستند و توانایی بالایی در درک احساسات و عواطف خود و دیگران و بروز آن‌ها دارند. این افراد می‌توانند دریاورد، مجسمه‌ساز، کاشف، مخترع، معمار، طراح داخلی، مکانیک، منجم، خلبان، طراح وب، آرایشگر، نقاش، طراح صنعتی، گرافیک، عکاس یا طراح لباس باشند.

۱ کلامی

این افراد، به جز اینکه در صحبت کردن و قانع کردن دیگران توانایی خوبی دارند، شنوندگان خوبی هم هستند و می‌توانند به‌خوبی حرف دیگران را بشنوند و بفهمند. افرادی که هوش کلامی بالایی دارند، به‌شعر و داستان علاقه دارند و معمولاً پر حرف هستند. این افراد می‌توانند به‌عنوان شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار، معلم، وکیل، سیاستمدار، مترجم، سخنران انگیزشی، مدیر فروش، بازاریاب، مدیر روابط عمومی، بازیگر، مجری، مشاور، روان‌شناس یا مدیر رستوران موفق باشند.

۴ درون‌فردی

اگر این توانایی را داشته باشید، یعنی به‌سرعت می‌توانید چند نقطه قوت و چند نقطه ضعف خود را بگویید. این افراد به فکر کردن بسیار علاقه‌مندند و مدام خود را ارزیابی می‌کنند و از احساسات خود و دیگران آگاه هستند. این هوش می‌تواند به پژوهشگران، نظریه‌پردازان، فیلسوفان، نویسندگان، مشاوران، روان‌شناسان و صاحبان همه‌مشاغلی که به فکر کردن و تحلیل نیاز دارند کمک کند.

۳ منطقی ریاضی

این افراد می‌توانند مسائل ریاضی و عددی را به‌خوبی محاسبه کنند. چارچوب ذهنی و استدلال قوی دارند و نسبت به دنیای اطراف خود کنجکاوند. این افراد خوب است دانشمند، مهندس، برنامه‌نویس رایانه، پژوهشگر، حسابدار، ریاضی‌دان، منجم، هواشناس، قاضی، استاد دانشگاه یا طراح صنعتی شوند.

بین استعدادهای انسان، توانایی‌های ذهنی او بسیار مهم هستند؛ به‌خصوص وقتی می‌خواهیم برای انتخاب شغل استعدادیابی کنیم، نقش توانایی‌های ذهنی بسیار اهمیت پیدا می‌کند. وراثت، رفتار خانوادگی، محیط اجتماعی و تمرین‌هایی که در دوره‌های کودکی و نوجوانی انجام می‌دهیم، سطح توانایی‌های ذهنی ما را مشخص می‌کنند. همه ما به‌خصوص در کودکی می‌توانیم به اندازه محدودی در اثر سبک زندگی خانواده یا آموزش و تمرین، بعضی از توانایی‌هایمان را ارتقا بدهیم یا باعث ضعیف شدن آن استعداد شویم. هوارد گاردنر این توانایی‌های ذهنی را در قالب ده نوع هوش نام‌گذاری کرده است.

اگر این توانایی‌ها را بشناسیم، می‌توانیم آن‌ها را در خودمان ارتقا بدهیم و مواظب باشیم از دستشان ندهیم. شناخت توانایی‌های ذهنی به ما کمک می‌کند استعداد خودمان را درست بشناسیم و در مسیر استفاده از آن، با اعتماد به نفس حرکت کنیم. همین‌طور به ما کمک می‌کند افرادی را که استعداد متفاوتی دارند بی‌استعداد نبینیم.

۵ موسیقایی

این افراد چه صدای خوبی داشته باشند و چه نداشته باشند، احتمالاً موقع حمام کردن، رانندگی و حتی اجرای کنسرت باعث آزار و اذیت دیگران می‌شوند. نت‌های موسیقی را خوب تشخیص می‌دهند و از کودکی ریتم موسیقی یا قافیه‌های شعرها را به خوبی حفظ می‌کنند. این افراد معمولاً در نواختن آلات موسیقی توانایی خوبی خواهند داشت. این افراد می‌توانند موسیقی‌دان، خواننده، آهنگساز، رهبر ارکستر و نوازنده شوند.

۶ طبیعت‌گرایی

کسانی که این توانایی را دارند، به طبیعت و کار کردن با گیاهان و حیوانات و احتمالاً به کوهنوردی علاقه‌مندند. طبیعت‌گرایی باعث می‌شود فرد به مشاغل مثل کشاورزی، باغبانی، گیاه و جانورشناسی، حفاظت از محیط‌زیست، نقاشی و عکاسی از طبیعت، جنگل‌بانی، دامداری، زنبورداری، دامپزشکی، منجمی، زمین‌شناسی، راهنمای گردشگری و هر شغل دیگری که به طبیعت ارتباط داشته باشد، علاقه‌مند و در آن‌ها مستعد باشد.

۷ جنبشی حرکتی

این افراد به خوبی می‌توانند در انجام کارها و عکس‌العمل‌های بدنی موفق باشند. این افراد می‌توانند موقع حرف زدن از دست‌ها، پاها، شکل چهره، زاویه بدن و در کل زبان بدن استفاده کنند. این توانایی کمک می‌کند در تقلید از حرکات دیگران موفق باشیم و موقع حرکات بدنی تعادل خود را به خوبی حفظ کنیم. ورزشکاران، معلمان تربیت‌بدنی، هنرپیشه‌ها، آتش‌نشانان، صنعتگران، کسانی که کار فنی انجام می‌دهند، آرایشگران، خیاطان، نجاران، آهنگران و کشاورزان می‌توانند از این استعداد بهره ببرند.

۸ اخلاقی

کسانی که این ویژگی را دارند، اصول اخلاقی در زندگی آن‌ها نسبت به ثروت و قدرت و تمایل نفسانی اولویت دارد. این افراد بر رفتار خود تسلط دارند و معمولاً زود عصبی نمی‌شوند، دروغ نمی‌گویند، تهمت نمی‌زنند و نسبت به حقوق مردم پایبند هستند. این افراد نسبت به بی‌احترامی‌ها و ناملایمتهای رفتار سنجیده‌ای دارند و سعی می‌کنند مسائل را در آرامش حل کنند. این افراد می‌توانند در شغل‌هایی مثل مشاوره، روان‌شناسی، تبلیغ دینی، تدریس و قضاوت موفق باشند.

۹ اجتماعی

این افراد به جز توانایی کلامی می‌توانند در کار گروهی موفق باشند، دیگران را خوب درک کنند، به احساسات دیگران پاسخ دهند و چون بین دیگران مقبولیت دارند، می‌توانند کارها و نقرات را به خوبی سازمان‌دهی کنند. مشاوران، فروشنندگان، سیاستمداران، تاجران، مجری‌ها، سخنرانان، معلمان و مدیران فروش از این هوش بهره خواهند برد.

۱۰ هستی‌گرایی

این افراد بسیار تفکر می‌کنند، به یافتن فلسفه کارها علاقه دارند، نسبت به خلقت تدبیر می‌کنند و حتی به ستاره‌شناسی و آسمان علاقه‌مندند. این افراد می‌توانند فیلسوف، ستاره‌شناس، روحانی، رهبر، دانشمند، منجم یا مربی رشد فردی باشند.

شاید با خواندن این مطالب بتوانید تشخیص دهید هوش و توانایی غالب شما کدام است؟ اما راه دقیق‌تر تشخیص هوش غالب یا همان هوشی که در شما از بقیه انواع هوش و استعداد پرنرنگ‌تر است، استفاده از پرسش‌نامه‌های استاندارد است که روان‌شناسان مطابق نظر گاردنر طراحی کرده‌اند.

سعی کنید سه توانایی غالب خود را پیدا کنید و برای انتخاب شغل آینده خود، آن‌ها را با شخصیت‌شناسی، طبع، علاقه و اصول ارزشی‌تان که در شماره‌های بعد درباره آن‌ها صحبت خواهیم کرد تطبیق دهید.

تحلیل داده؛ از جمع آوری تا پاک‌سازی

نویسنده: محمد عزیزی

حدیثی از پیامبر بزرگوار اسلام هست که می‌فرماید: «حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا»: یعنی به حساب خودتان برسید، قبل از اینکه به حساب شما برسند. این یعنی در کار و عمل خودتان فکر کنید و دقیق شوید تا بفهمید چه کارهایی انجام داده‌اید و چه کارهایی را فراموش کرده‌اید. کدامش خوب بوده و کدامش بد. بدهایش را دیگر تکرار نکنید و خوب‌هایش را بیشتر انجام دهید. با این عمل، در واقع شما دارید اطلاعات فردی خودتان را تحلیل می‌کنید. مدام از خودتان اطلاعات روزانه می‌گیرید و سعی می‌کنید آن‌ها را به خاطر بسپارید یا یادداشت کنید. بعد از آن روی آن‌ها فکر می‌کنید و تحلیل می‌کنید. این همان روند کلی تحلیل داده است.

در شماره‌های قبل از اهمیت تحلیل داده گفتیم و از موفق‌ترین مجموعه‌های تحلیل داده در جهان و رقابت بزرگی که روی این گنج بزرگ در حال انجام است. باید دقت کنید، در این مسئله مفاهیمی وجود دارند که باید با آن‌ها آشنا باشید تا بتوانید علم تحلیل داده را یاد بگیرید و از آن استفاده کنید.

اولین مسئله ورودی‌های تحلیل است. یعنی اطلاعات ورودی. این را که چه اطلاعاتی جمع کنید، مسئول تحلیل داده مشخص می‌کند. اساساً جمع‌آوری داده کار سخت و گاه پرهزینه‌ای است. بنابراین، نباید انرژی و پول را صرف جمع‌آوری اطلاعاتی کنید که به کار شما نمی‌آیند و قرار نیست به شما سودی برسانند. در این مورد واحد آزمایشی تعریف می‌شود که همان جمعیتی است که بناسط اطلاعات از آن‌ها جمع‌آوری شوند؛ می‌تواند یک فرد باشد یا تعداد بیشتری از افراد.

مفهوم بعدی جمع‌آوری اطلاعات است. داده‌هایی را که به‌منظور تحلیل مورد استفاده قرار می‌گیرند، می‌توان از منابع جمع‌آوری کرد. فهرستی از

اولین مسئله در تحلیل داده‌ها جمع‌آوری اطلاعات از منابع گوناگون از قبیل منابع داده‌ای در سامانه‌ها و اینترنت، حسگرهای موجود در محیط است

منابع داده‌ای در سامانه‌ها و اینترنت وجود دارد که می‌توان برای مطالعه و تحقیق از آن‌ها استفاده کرد. تحلیل گران، ملزومات داده‌ای و مواردی را که نیاز دارند به مسئولان داده‌ها، مثلاً کارکنان فناوری اطلاعات در سازمان، ابلاغ می‌کنند.

داده‌ها ممکن است از حسگرهای موجود در محیط، از جمله دوربین‌های ترافیکی، ماهواره‌ها، دستگاه‌های ضبط و غیره جمع‌آوری شوند. همچنین، ممکن است از طریق مصاحبه، بارگیری از منابع اینترنتی یا مطالعه اسناد موجود به دست آیند. نوع دیگری از داده‌های دیجیتال حتی از نوع گشت‌وگذار کاربران در اینترنت و فضای مجازی قابل جمع‌آوری است. گاهی حتی تعداد تلیک‌های مخاطبان روی یک خبر در اینترنت یا عمق نوردیدن (اسکرول یا همان بالا و پایین کردن صفحات وبگاه‌ها در اینترنت) در یک صفحه از وب، می‌تواند اطلاعات مورد جمع‌آوری یک شرکت یا سازمان باشد.

مفهوم بعدی، یعنی پردازش داده‌ها، یعنی چه؟ به‌منظور تحلیل داده، لازم است داده‌های به‌دست‌آمده را ابتدا سازمان‌دهی کنیم. اطلاعات به‌دست‌آمده از منابعی که تا اینجا گفته شد، ممکن است نامرتب و نامفهوم باشند. در نتیجه، تأمل روی آن‌ها بی‌فایده است. تا زمانی که داده‌ها سازمان‌دهی نشده باشند، امکان تحلیل داده وجود ندارد. برای نمونه، این کار را می‌توان با قراردادن داده‌ها در سطرها و ستون‌ها در قالب یک جدول، که با نام داده‌های ساختاریافته معروف است انجام داد. استفاده از «صفحه‌گسترده» یا نرم‌افزارهای آماری نیز معمولاً برای تحلیل رایج است.

مفهوم و مرحله بعدی، پاک‌سازی داده‌هاست. آیا باید این همه اطلاعاتی را که با زحمت به‌دست‌آمده است پاک کنیم؟! همه‌اش رانه، اما آن بخشی را که خطا دارد حتماً باید پاک کرد. برای تحلیلگران داده، حجم زیاد داده‌ها ملاک نیست، بلکه سودمند بودن آن‌ها ملاک است. پس از پردازش و سازمان‌دهی، ممکن است داده‌ها ناقص، حاوی موارد تکراری یا خطا باشند. مثلاً در حین جمع‌آوری اطلاعاتی در مورد میزان درآمدهای مشتریان، اطلاعاتی درباره رژیم غذایی آن‌ها نیز به دست بیاید. خب طبیعی است این اطلاعات اضافی هیچ کمکی در زمینه میزان درآمد آن‌ها به ما نمی‌کند و ورود آن‌ها به بخش تحلیل فقط در تحلیل خطا ایجاد می‌کند؛ به جز آنکه بر هزینه و زمان تحلیل نیز می‌افزاید. نیاز به پاک‌سازی داده‌ها گاهی از نحوه ورود و ذخیره آن‌ها ناشی می‌شود و پاک‌سازی داده‌ها فرایندی است که برای جلوگیری و اصلاح این خطاها صورت می‌گیرد. از کارهایی که معمولاً در این زمینه انجام می‌شوند، تطبیق ثبت داده‌ها به‌طور تصادفی است. یعنی اطلاعات ثبت‌شده را با داده اصلی تطبیق می‌دهند تا متوجه شوند خطایی صورت گرفته یا نه. همچنین، شناسایی نادرستی داده‌ها، کیفیت کلی داده‌های موجود، حذف داده‌های تکراری و تقسیم‌بندی ستون‌ها. مشکلات داده‌ای این‌چنینی را می‌توان با استفاده از انواع فن‌های آماری

برای تحلیلگران داده، حجم زیاد داده‌ها ملاک نیست، بلکه سودمند بودن آن‌ها ملاک است

و تحلیلی نیز تشخیص داد. به‌طور مثال، در مورد اطلاعات مالی و داده‌های خاص به‌دست‌آمده ممکن است با اعداد منتشرشده جداگانه‌ای (که قابل اعتماد هستند) مقایسه شوند. این یعنی بخشی از اطلاعات به‌دست‌آمده را که امکان بررسی دارد، با اطلاعات رسمی موجود در مراجع تطبیق می‌دهیم و اگر درست باشند این‌طور نتیجه می‌گیریم که بقیه داده‌های به‌دست‌آمده و ثبت‌شده نیز درست و باکیفیت هستند.

مقدارهای غیرمعمول، ممکن است بالاتر یا پایین‌تر از آستانه‌های از پیش تعیین‌شده نیز بررسی شوند. مثلاً در یک جمع‌آوری اطلاعات، شما انتظار داشتید داده‌ها از حدی بیشتر یا کمتر نباشند. بعد از جمع‌آوری متوجه می‌شوید بعضی از آن‌ها به شکل غیرطبیعی زیادتر یا کمتر از حدس شما بوده‌اند. راه منطقی این است که این داده‌ها را دوباره بررسی کنید تا مطمئن شوید خطایی وجود نداشته

است. انواع متفاوتی از پاک‌سازی داده، بسته به نوع داده‌های موجود، وجود دارد. این داده‌ها می‌توانند شماره تلفن، نشانی رایانامه، اطلاعات مربوط به کارفرمایان، یا موارد دیگر باشند.

استفاده از روش‌های داده «کمی» برای تشخیص موارد پرت و همچنین خلاص شدن از شر داده‌هایی که به‌نظر می‌رسد احتمالاً به اشتباه وارد شده‌اند، ممکن است مفید واقع شود. می‌توان از «تصحیح‌کننده املا» در رابطه با داده‌های متنی استفاده کرد تا از این طریق از تعداد کلماتی که اشتباه حروف‌نگاری (تایپی) دارند بکاهیم. با این حال، تشخیص اینکه خود کلمات صحیح هستند یا خیر، می‌تواند دشوار باشد. تا الان با چند مفهوم و مراحل اولیه تحلیل داده آشنا شده‌ایم. در شماره‌های بعد درباره نحوه تحلیل‌ها بیشتر صحبت می‌کنیم.

ادامه دارد

منبع

وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، جلد ۱۶، ص ۹۹

به‌منظور تحلیل داده، لازم است ابتدا داده‌های به‌دست‌آمده را سازمان‌دهی کنیم. به این سازمان‌دهی پردازش داده گفته می‌شود

نویسنده: علی اشرفزاده

همیشه از قدیم می‌گفتند ایران کشوری چهار فصل است؛ با گونه‌های آب و هوایی متنوع. در حالی که در تابستان بخشی از کشور با گرمای ۴۰ درجه سروکار دارد، در آن نقاطی پیدا می‌شوند که دمای زیر ۱۵ درجه را تجربه می‌کنند. بله، ایران، کشور عزیزمان، بهشت آب و هوایی متنوع است. اگر این گزاره من را قبول ندارید، پیشنهاد می‌کنم مستند «ایران گرد» با اجرای ایران گرد معروف، جواد قارایی را تماشا کنید. اما آیا بین کشاورزی و بازار کار ارتباطی وجود دارد؟ اجازه دهید اندکی از مفاهیم شروع کنیم.

اگر کسب‌وکار را به تنه یک درخت تشبیه کنیم، سه شاخه تنومند برای این درخت قابل تصور است: کشاورزی، صنعت و خدمات. برای شما هنرجویان عزیز، شاخه‌های کشاورزی و صنعت ملموس‌تر است؛ هرچند که اطلاع از شاخه خدمات و فرصت‌های شغلی آن می‌تواند فرصت‌های فراوانی را پیش روی شما قرار دهد. در این شماره قصد دارم شاخه بزرگ کشاورزی و فرصت‌های شغلی آن را معرفی کنم. در شاخه کشاورزی ۹ زیرشاخه مهم شغلی وجود دارد که به مشاغل کشاورزی تنوع بخشیده‌اند. شاید تاکنون بین راه سفر به روستا یا اطراف شهرها برای گشت‌وگذار، سازه‌های فلزی تونلی یا قله‌ای شکل با پوشش پلاستیکی یا شیشه‌ای توجه شما را جلب کرده باشند. بله، درست حدس زدید. منظورم گلخانه‌هاست؛ تنها سازه‌ای که امکان بر خورداری از تولیدات کشاورزی (زیرشاخه اول) در همه فصل‌های سال را فراهم می‌کند. کشاورزان، عمده تولیدات کشاورزی را از مزرعه و زمین کشاورزی و باغ‌ها و برخی دیگر را نیز از طریق گلخانه‌ها

اگر کسب‌وکار را به تنه یک درخت تشبیه کنیم، سه شاخه تنومند برای این درخت قابل تصور است: کشاورزی، صنعت و خدمات

وبگاه «کشمون» به یک مؤسسه تولید اطلاعات در زمینه تولیدات کشاورزی مربوط است. ترکیبی از فناوری اطلاعات، کشاورزی و شبکه‌سازی افراد در سرتاسر کشور، توانسته است کشمون را به یک شرکت نوآفرین (استارت‌آپ) یا کسب‌وکار کم‌نظیر تبدیل کند

تأمین می‌کنند. به‌طور کلی، تولیدات کشاورزی، چه به‌صورت گلخانه‌ای و چه غیرگلخانه‌ای، حتی شامل پرورش انواع گل و گیاه زینتی، گیاهان دارویی و محصولات خاص مثل «آلونه‌ورا»، از مهم‌ترین فرصت‌های شغلی در حیطه کشاورزی هستند. فقط کافی است سری به داروخانه‌ها بزنید و داروهایی را که با پایه گیاهان دارویی ساخته می‌شوند، رصد کنید.

حتی همه ما بین پدربزرگ‌ها یا بزرگ‌ترهای فامیل، قطعاً کسانی را می‌شناسیم که کشاورزند و به‌صورت سنتی یا نوین (مکانیزه) به تهیه تولیدات کشاورزی در مزرعه و گلخانه اقدام می‌کنند. یادم هست، سال‌های نه‌چندان دور، در کتاب حرفه‌وفن دوره متوسطه (کار و فناوری امروزی) من و دوستانم ترغیب شدیم در زیرزمین خانه قارچ پرورش دهیم. شاید اولین تجربه کسب‌وکار ما همین پرورش قارچ بود؛ یک کسب‌وکار رایج که جزو تولیدات کشاورزی بود و اکنون نیز به دو صورت خانگی و صنعتی وجود دارد.

جالب است بدانید، خیلی‌ها به کشاورزی علاقه دارند، ولی دقیقاً نمی‌دانند از کجا شروع کنند. اما کشاورزی خوب، زمین، آب و طرحی مطالعاتی برای تولید محصول و بعد بازار فروش می‌خواهد. همین الان کسانی هستند که در کنار شغل اصلی خود، در شهرستان‌ها یا اطراف تهران، به کشاورزی مشغول هستند. برای مثال، باغ زرشک و زمین زعفران به‌عنوان دو محصول پرطرفدار، می‌توانند هم زمینه نیاز خانگی و هم فروش بازاری و صنعتی را فراهم کنند. تا یادم نرفته است همین‌جا اضافه کنم، وبگاه «کشمون» که مخصوص یک مؤسسه تولید اطلاعات در زمینه تولیدات کشاورزی است، شمارا به‌طور مستقیم به کشاورزها وصل می‌کند و ضمن حمایت از کشاورزان، محصولات آن‌ها را در آزمایشگاه‌های کنترل کیفی بررسی می‌کند و اطلاعات خوبی در خصوص مرغوبیت محصولات آن‌ها به شما می‌دهد. داستان کشمون خیلی زیباست. حتماً به وبگاهش سری بزنید. کشمون نمونه‌ای از کسب‌وکار حوزه کشاورزی است که نقش خدماتی و اطلاعاتی دارد و در حوزه خدمات کشاورزی فعالیت می‌کند. به عبارت دیگر، ترکیبی از فناوری اطلاعات، کشاورزی و شبکه‌سازی افراد در سرتاسر کشور، توانسته است کشمون را به یک شرکت نوآفرین (استارت‌آپ) یا کسب‌وکار کم‌نظیر تبدیل کند.

در ادامه، به دومین زیرشاخه مهم کشاورزی، یعنی خدمات کشاورزی می‌پردازیم. فرصت‌های شغلی خدماتی بسیاری در بخش کشاورزی وجود دارند که کمتر مورد توجه قرار

می‌گیرند. فرض کنید در حیطه حفظ گیاهان و مهار آفات، مشاغل آزمایشگاهی و تشخیص بیماری، تولید هورمون گیاهی، تولید آفت‌کش و کود شیمیایی و شبکه توزیع آن‌ها، انبوهی از فرصت‌های شغلی پنهان در بخش کشاورزی برای شما فراهم است. منظور از پنهان، در واقع همان ظرفیتی است که این مشاغل دارند و می‌تواند از طریق ترکیب‌شدن با فناوری اطلاعات و سایر فناوری‌های نوین، جلوه‌ای زیبا از اقتصاد دانش‌بنیان (اقتصاد متکی بر دانش) شکل دهد. به همین ترتیب، مجموعه واحدهای تولیدی بذر و نهال، و کارگزاری‌های توزیع و فروش نهاده کشاورزی، نمایندگی‌های فروش انواع بذر و ... گروه دیگری از زیرشاخه خدمات کشاورزی هستند. همین‌جا می‌خواهم این سرنخ را به شما بدهم که واردات بذر و تحقیق روی بومی‌سازی آن می‌تواند شما را به نفر اول تولیدکننده آن محصول در کشور تبدیل کند. به شرطی که انتخاب بذر با سلیقه مردم و ترجیحات آن‌ها متناسب باشد. یعنی خوب درک کنید چه سلیقه‌ای بیشترین بازار فروش را دارد. برای مثال، من روی دو بذر نارنجیلا و کوکونا کار کردم. دو بذر فوق از محصولات استوایی هستند که پیشنهاد می‌دهم اگر به اول‌شدن در حیطه تولیدات کشاورزی علاقه دارید، همین الان در اینترنت جست‌وجو و شروع به مطالعه کنید. آواکادو یک‌زمانی همین طوری در کشور ما وارد شد و جایگاه خودش را باز کرد. پاپایا نیز که در سیستان و بلوچستان و خوزستان کشت بومی می‌شود، از همین خانواده است.

تولید و توزیع مثل دو تا بال هستند که باید با هم حرکت کنند تا عملکرد خوبی داشته باشند. اگر کشاورز تولیدات کشاورزی داشته باشد ولی شبکه توزیع محصولات کشاورز به‌خوبی عمل نکند، شما با کمبود یا مازاد در جاهای

وبگاه

تولید و توزیع مثل دو تا بال هستند که باید با هم حرکت کنند تا عملکرد خوبی داشته باشند. اگر کشاورز تولیدات کشاورزی داشته باشد ولی شبکه توزیع محصولات کشاورز به‌خوبی عمل نکند، شما با کمبود یا مازاد مواجه خواهید شد



و با خرید زردآلوی ارزان قیمت یا گوجه‌فرنگی آخر فصل، سعی می‌کنند برکه زردآلو و رب گوجه خانگی درست کنند. این عمل مادرها به نوعی صنایع تبدیلی و دادن ارزش افزوده به آن محصولات می‌شود. حتی برای فروش، قیمت بالاتری هم روی آن‌ها گذاشته می‌شود. چنین صنایعی در حوزه دام، فرآورده‌های دامی مثل پشم، چرم، روده، موم عسل، کرک و پودر استخوان نیز تنوع زیادی دارد. صنعت نهاده دامی مثل خوراک دام و طیور و همچنین علوفه و مراکز عرضه و توزیع آن‌ها نیز می‌توانند گروه دیگری از صنایع تکمیلی و تبدیلی محسوب شوند.

کشاورزی نوین و بزرگ (زیرشاخه ۶) فناوری‌های نوین و بخش کشاورزی را ترکیب می‌کند؛ برای مثال، تنوعی از محصولات نانوفناور که در بخش کشاورزی کاربرد دارد و می‌تواند موجب رشد کمی و کیفی محصولات کشاورزی شود. در این زمینه، نگاه به درخت نانوکشاورزی می‌تواند افق جدیدی از محصولات نانویی حیطة کشاورزی را پیش روی شما باز کند. به عبارت دیگر، در بیشتر فرصت‌های شغلی‌ای که نام بردیم، علم نانو می‌تواند با آن‌ها ترکیب شود و محصولی فناورانه و دانش‌بنیان تولید کند. خوب، فکر می‌کنم کمی ذهنتان درگیر علم نانو شد. اگر این‌طور است، بهتر است بگویم که ستاد توسعه فناوری نانو یک وبگاه آموزشی خیلی خوب با بازدید میلیونی برای آموزش نانو تدارک دیده است. پیشنهاد می‌کنم برای چشیدن طعم شیرین علم نانو به این وبگاه سری بزنید.

اما منابع طبیعی، محیط‌زیست و توسعه کشاورزی نیز سه زیرشاخه آخر این بخش هستند که در آنجا هم تنوعی از کسب‌وکارها را می‌توان ملاحظه کرد. مثلاً در زیرشاخه توسعه کشاورزی، بحث اتحادیه و شرکت تعاونی روستایی و کشاورزی را داریم که به نوعی جمع‌شدن کشاورزان برای یک هدف مشترک است. همچنین، مهارت‌آموزی، مراکز پژوهشی و مراکز انتقال فناوری یا مشاوره نیز برای بهتر شدن اقتصاد کشاورزی و رونق گرفتن این بخش اهمیت دارند.

در پایان شاید یک نقطه مبهم در ذهن شما باشد و نیاز داشته باشید با فعالان کسب‌وکارها در شاخه کشاورزی ارتباط بگیرید. به عبارت دیگر، از تجربه‌هایشان استفاده کنید یا سختی‌ها و فراز و فرودهای شغلی را از آن‌ها بی‌رسید.

در این زمینه، بانک اطلاعات شغلی درگاه ملی مجوزها به کمک شما می‌آید. در این بخش شما می‌توانید اطلاعات تمام ۶۰۲ هزار مجوزی را که تاکنون (مرداد ۱۴۰۲) صادر شده است، مشاهده کنید و با صاحبان مجوزها ارتباط بگیرید. در واقع، این بانک اطلاعات شغلی می‌تواند به راحتی شما را با انبوهی از تجربه و آدم‌های حرفه‌ای پیوند دهد و باعث شود با آگاهی و اطمینان بیشتری به جلو گام بردارید.

مختلف مواجه خواهید شد. یک جا کمبود و در جای دیگر مازاد. چون شبکه توزیع باید مثل دستگاه گردش خون در بدن، به‌طور یکنواخت و دقیق محصولات را در همه‌جا توزیع کند.

اما کشاورزی همواره بخشی از فرایند مزرعه‌داری به حساب می‌آید. لذا ناچار باید به تولیدات دامی (زیرشاخه ۳) و خدمات دامی (زیرشاخه ۴) نیز بپردازیم. انواع دام سبک و سنگین و پرورش صنعتی و نیمه‌صنعتی آن‌ها و حتی پرورش خانگی می‌تواند زمینه‌ساز مشاغل جدیدی باشد. طیور و شیلات نیز جزو گروه‌های دیگر دام هستند و می‌توانند شامل موارد دیگر مثل پرورش زنبور عسل، تولید خانگی کرم

ابریشم، پرورش حشرات، انواع ماهی و حیوانات اهلی و غیر اهلی نیز شوند. حتماً بیشتر شما در تعداد محدود، کبک و بلدرچین در خانه پرورش داده‌اید. اگر این‌طور است، باید بگویم شما در زمینه تولیدات طیور فعالیت کرده‌اید.

صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی (زیرشاخه ۵) گروه دیگری از مشاغل را شامل می‌شود که در کشور ما جای کار زیادی دارد. اصولاً صنایع تبدیلی و تکمیلی به صنایعی گفته می‌شود که عمل فرآوری محصولات کشاورزی، دامی و شیلات را بر عهده دارند و علاوه بر ایجاد ارزش افزوده، از هدر

رفت زحمت تولیدکنندگان جلوگیری می‌کند. در واقع این صنعت محصولات خام کشاورزی، دامی و شیلات را به مواد مختلف و قابل مصرف تبدیل می‌کند. تعریف دیگری که می‌توان از صنایع تبدیلی و تکمیلی ارائه داد، این است: «صنایعی که فرآورده‌های کشاورزی، دامی و شیلات را به مواد و کالای نیمه‌ساخته یا آماده مصرف تبدیل می‌کند.» صنایع تبدیلی تکمیلی یکی از زیرشاخه‌های مهم رشته کشاورزی به حساب می‌آید. زمانی که مصرف یا صادرات این محصولات با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود، قیمت آن‌ها دچار نوسان می‌شود و این تولیدات با مشکلاتی مانند نبود خریدار یا ممانعت در صادرات مواجه می‌شوند. به همین دلیل تولیدکنندگان مجبور می‌شوند محصولاتشان را از بین ببرند. از این رو، استفاده از صنایع تبدیلی می‌تواند راهی برای حل کردن این معضل و حتی ایجاد ارزش افزوده در این محصولات باشد؛ چیزی که اگر چه در دنیا به دید یک فرصت اقتصادی به آن نگاه می‌شود، اما در ایران هنوز آن‌گونه که باید در اقتصاد داخلی و نیز صادرات جایگاه خود را پیدا نکرده است. مثلاً در تابستان خیلی از دست‌فروش‌ها و مغازه‌دارها و حتی فروشندگان سیار کنار خیابان (وانت‌فروش‌ها) میوه و صیفی خود را در پایان فصل به قیمت ارزان‌تری می‌فروشند تا جلوی ضرر و زیانشان را بگیرند. اینجا مادرها به کمک می‌آیند

صنایع تبدیلی و تکمیلی به صنایعی گفته می‌شود که عمل فرآوری محصولات کشاورزی، دامی و شیلات را بر عهده دارند و علاوه بر ایجاد ارزش افزوده، از هدر رفت زحمت تولیدکنندگان جلوگیری می‌کند

گیلان تمیسی!

مهدی اعظم نبوی

شالیزارهای استان را به نمایش گذاشته و با پس زمینه موسیقی محلی، حال و هوای کلاس را شادتر کرده است. همزمان با دیدن زیبایی‌های گیلان، سرگروه توضیح می‌دهد که فعالیت‌های کشاورزی استان به چند دسته تقسیم می‌شوند: دسته نخست شیلات است که با بهره‌گیری از ظرفیت منابع آب‌های داخلی استان شامل مزرعه‌های پرورشی، آب‌بندان، دریاچه پشت سد، خلیج و تالاب انزلی می‌توان برای تولید ماهیان گرم‌آبی، سردآبی و خاویاری برنامه‌ریزی کرد. همچنین، در دسته کشاورزی دریایی، با تأکید بر کشت گیاهان دریایی (جلبک) و ایجاد مزرعه‌های ماهی، دانش‌آموختگان رشته‌های تکثیر و پرورش ماهیان گرم‌آبی و سردآبی، فراوری آبزیان و تولید کنسرو و تولید فراورده‌های گوشتی، آینده‌کاری

نخستین روز آذرماه از راه رسیده و صدای دل‌انگیز باران صبحگاهی با کلاس درس جغرافیا همراه شده است. دو ماه از سال تحصیلی گذشته است و ما تاکنون با بخش اندکی از جغرافیای طبیعی و انسانی ایران و نیز استانمان، یعنی گیلان، آشنا شده‌ایم. از یک ماه پیش قرار بر این شد که بچه‌های کلاس، به‌عنوان یک کار گروهی، توانمندی‌های استان را به شکل یک روزنامه الکترونیکی ارائه دهند. معلم جغرافیا دانش‌آموزان را به چهار گروه پنج‌نفره تقسیم کرده و از هر گروه خواسته است یک نفر را به‌عنوان سرگروه معرفی و برای گروه یک نام هم انتخاب کنند. گروه «تمیسی» نخستین گروهی است که به معرفی قلمرو کشاورزی در استان گیلان می‌پردازد. صفحه نخست روزنامه این گروه، چند تصویر از مزرعه‌ها، باغ‌ها و



تماشا کن

در دسته کشاورزی دریایی، با تأکید بر کشت گیاهان دریایی (جلبک) و ایجاد مزرعه‌های ماهی، دانش‌آموختگان رشته‌های تکثیر و پرورش ماهیان گرم‌آبی و سردآبی، فراوری آبزیان و تولید کنسرو و تولید فراورده‌های گوشتی، آینده‌کاری مناسبی خواهند داشت



▲ آبشار لاتون



▼ برنج



▼ مزرعه چای

صنعتی قابلیت بالایی دارد. همچنین، از آنجا که ۲۵ درصد دامداری‌ها در استان گیلان صنعتی و بقیه همچنان سنتی هستند، صنعتی شدن دامداری استان گیلان می‌تواند در بهبود کیفیت و کمیت تولید محصولات دامی نقش بسزایی داشته باشد. بنابراین، تحصیل در رشته‌هایی همچون امور دامی، تولید صنعتی فرآورده‌های لبنی، مرغداری صنعتی، پرورش ماکیان، پرورش زنبور عسل و پرورش صنعتی دام‌های سبک و سنگین در شاخه‌ی کاردانش، زمینه‌های مناسبی برای فعالیت و اشتغال خواهند بود.

گروه «وارنا» دیگر گروهی است که گزارش خود را درباره‌ی قلمرو صنعت و معدن در استان گیلان ارائه می‌دهد. هم‌زمان با پخش تصویرهایی از شهرک صنعتی سفیدرود، به‌عنوان یکی از شهرک‌های صنعتی شاخص در استان گیلان، سرگروه وارنا این‌گونه ادامه می‌دهد که:

«گیلان در ساخت انواع قطعات خودرو، تولید سیمان، کاشی و سرامیک و تولید شمش فولاد جزو رتبه‌های برتر کشور است. در شهرک صنعتی سفیدرود و دیگر شهرک‌ها و ناحیه‌های صنعتی استان همچون آستانه‌ی اشرفیه، انزلی، آستارا، خمیران، خرطوم و لشت نشا نیز واحدهای صنعتی فراوانی همچون بازیافت ضایعات و خرده‌های فلزی،

ساخت محصولات سرامیکی نسوز، ساخت دستگاه‌های توزیع و کنترل نیروی برق، ساخت مبلمان، ساخت مصنوعات نجاری، قفسه‌بندی و در و پنجره‌سازی ساختمان، تبدیل ضایعات محصولات کشاورزی برنج، روغن‌کشی از دانه‌های روغنی و مانند این‌ها وجود دارند و دانش‌آموختگان کاردانش فنی و حرفه‌ای می‌توانند در رشته‌هایی مانند برق ساختمان، الکترونیک، جوشکاری، تراشکاری، تعمیر یا مکانیک موتورهای دریایی، صنایع چوب و مبلمان، الکتروتکنیک و صنایع نساجی در این بخش به‌عنوان کارگر یا کارفرما مشغول به کار شوند و کسب درآمد کنند.

بخش دوم از روزنامه‌ی الکترونیکی گروه وارنا به معادن استان

مناسبی، به‌ویژه در شهرستان‌های شفت، لنگرود، آستارا، بندرانزلی و آستانه‌ی اشرفیه خواهند داشت.

دومین صفحه‌ی روزنامه‌ی گروه تمیس دسته‌ی زراعت و باغداری در استان گیلان را به نمایش می‌گذارد که با پخش گزیده‌هایی از یک مستند درباره‌ی یک کارآفرین برتر در حوزه‌ی گیاهان دارویی آغاز می‌شود. در ادامه و بر اساس یافته‌های این گروه، استان گیلان در کشت انواع برنج و چای، زیتون، قارچ، گردو، بادام‌زمینی، فندق، ابریشم، کیوی، مرکبات، و انواع کشت‌های گلخانه‌ای و زراعت چوب، به‌ویژه در شهرهایی همچون رضوانشهر، ماسال، رشت، لاهیجان، رودسر، لنگرود، سیاهکل و املش، ظرفیت‌های فراوانی دارد. افرادی که در رشته‌های امور باغی و زراعی، ماشین‌های کشاورزی، زراعت غلات و حبوبات، پرورش دانه‌های

هسته‌دار، کشت و کار ماشینی (مکانیزه)، پرورش کرم ابریشم، زراعت گیاهان علوفه‌ای، کشت گیاهان دارویی، پرورش گیاهان جالیزی و سبزی، پرورش میوه‌های هسته‌دار و پرورش درخت و درختچه‌های زینتی در شاخه‌ی کاردانش یا فنی و حرفه‌ای ادامه‌ی تحصیل بدهند، می‌توانند در شغل‌های مرتبط به فعالیت مشغول شوند.

گروه تمیس در صفحه‌ی پایانی روزنامه‌ی خود به دسته‌ی دامداری توجه کرده است.

یافته‌های این گروه نشان می‌دهد، استان گیلان در زمینه‌ی تولید طیور و دام سبک و سنگین نیز فرصت‌های خوبی دارد. اعضای این گروه برای کسب آگاهی بیشتر در این زمینه، به یکی از دامداری‌های صنعتی استان نیز سر زده و گزارش تصویری آن را به کلاس ارائه می‌دهند. استان گیلان به دلیل برخورداری از اراضی حاصل‌خیز، بارش زیاد سالانه، تنوع بوم‌سازگان مرتعی (مرتعی‌های جنگلی، بیلاقی و جلگه‌ای)، امکان کشت گیاهان علوفه‌ای و استفاده از مزرعه‌های پس‌چرا و مزرعه‌های غلات، برای برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در امور دامداری‌های سنتی و ایجاد و توسعه‌ی دامداری‌های صنعتی و توجه به طیور بومی و

**ثبت جهانی هنر
چادر شب‌بافی در
روستای قاسم‌آباد، فرصت
تازه‌ای برای میزبانی از
تورهای گردشگری
فراهم آورده است**

▼ نارنج



▼ توت فرنگی



▼ گل گاو زبان



▼ زیتون



۴۷ معدن شامل سنگ لاشه، سرب و روی و خاک‌نسوز در گیلان وجود دارند. صنایع معدنی فراوانی در زمینه فراوری مواد معدنی و ایجاد ارزش افزوده در گیلان فعالیت می‌کنند

گیلان اختصاص دارد. بر اساس جدول‌ها و نمودارهای اعضای این گروه، ۴۷ معدن شامل سنگ لاشه، سرب و روی و خاک‌نسوز در گیلان وجود دارند و صنایع معدنی فراوانی در زمینه فراوری مواد معدنی و ایجاد ارزش افزوده فعالیت می‌کنند. همچنین، با برنامه‌ریزی هوشمندانه می‌توان مانع خام‌فروشی در معدن‌هایی همچون سنگ‌آهک و دیگر سنگ‌های معدنی و قیمتی و حتی طلا شد. تحصیل در رشته‌هایی همچون ساخت مصنوعات فلزی، آبکاری فلزات، طراحی طلا و جواهر، طلا و جواهرسازی، معرفی کاشی، تراش و تزیین شیشه و بلوره، تراش سنگ‌های قیمتی و کاشی‌سازی هفت‌رنگ نیز با اشتغال و کارآفرینی در این حوزه پیوند مستقیم دارد.

سومین گروه نام «لاوان» را برای خود برگزیده و قلمرو گردشگری و مشاغل مرتبط با آن را در استان گیلان بررسی کرده است. این گروه، نخستین صفحه از روزنامه خود را به روستای قاسم‌آباد (روستای جهانی چادرشب‌بافی) و مصاحبه با یکی از کارآفرینان برتر کشوری در حوزه گردشگری روستایی اختصاص داده است. در میان نمایی از تاروپودهای رنگ‌به‌رنگ و پر نقش‌ونگار چادرشب‌ها، صدای بانوی کارآفرینی را می‌شنویم که می‌گوید، ثبت جهانی هنر چادرشب‌بافی در روستای قاسم‌آباد، فرصت تازه‌ای برای میزبانی از گشت(تور)های گردشگری فراهم آورده است. مردم محلی در این روستا علاوه بر چادرشب، با



▲ ماهیگیری



▲ آرامگاه شیخ زاهد گیلانی

▼ دژ قلعه رودخان



▲ مروار بافی



▲ چموش دوزی

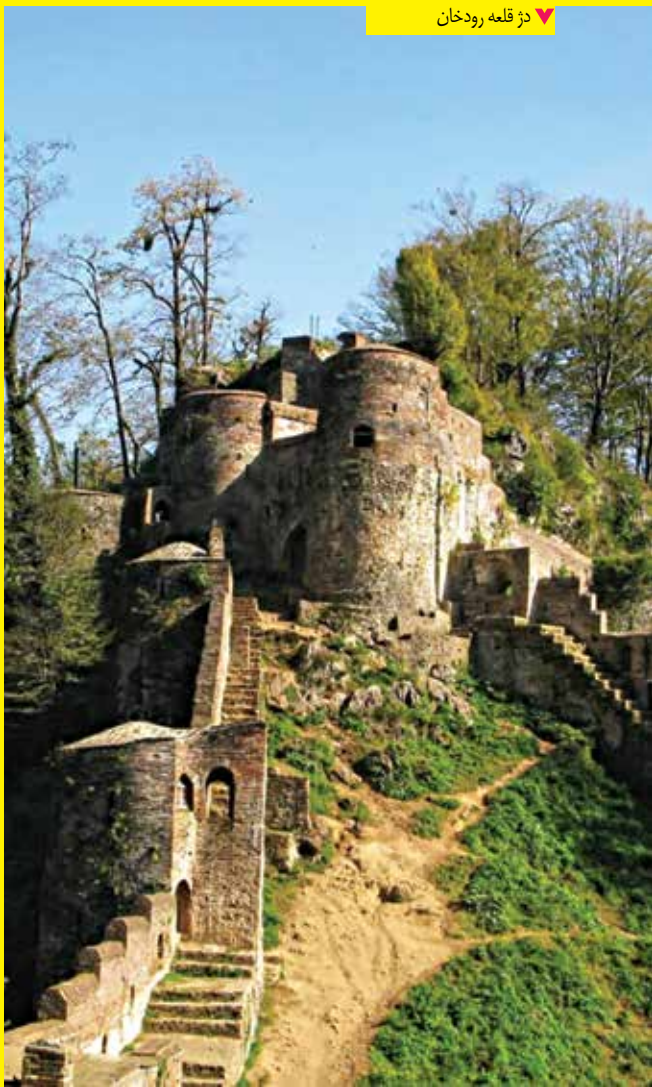


▲ لباس قاسم‌آبادی



▲ چادر شب بافی روستای قاسم آباد

▼ موزه روستایی گیلان



همان ابریشم و با همان ترکیب رنگ و نقش، محصولات گوناگونی می‌یافتند؛ محصولاتی مانند رومیزی، کوسن، روتختی، کیف و کفش. محصولات را هم با ترکیب حصیر، چوب و چرم می‌سازند. بانوی کارآفرین ادامه می‌دهد، بیش از ۶۰۰ هنرمند در این روستا به فعالیت مشغول هستند و صنعتی شدن کارگاه‌ها، کاربردی شدن محصولات، آموزش‌های یکپارچه، توجه به نهان‌سازی تجاری و بسته‌بندی، توسعه صادرات و حفظ محیط‌زیست طبیعی از نکاتی هستند که با تقویت و اهمیت‌دادن به آن‌ها می‌توان آینده روشن‌تری برای روستای قاسم‌آباد ترسیم کرد. بسیاری از هنرمندان جوان این روستا در رشته‌هایی همچون خیاطی، طراحی لباس، طراحی دوخت و صنایع دستی در هنرستان‌ها تحصیل کرده‌اند.

گروه لاوان در صفحه دوم روزنامه خود فیلم کوتاهی را از اقامتگاه‌های برتر بوم‌گردی در گیلان به نمایش درآورده است. وجود ۱۵۶ اقامتگاه بوم‌گردی فعال در استان، نشان از علاقه زیاد گردشگران داخلی و خارجی به آن‌ها و اهمیت مهارت‌آموزی در این زمینه دارد. به گفته مسئولان حوزه گردشگری، در حال حاضر بیش از ۱۳ هزار نفر در فعالیتهای مرتبط با گردشگری استان گیلان ایفای نقش می‌کنند. بنابراین، تحصیل در رشته‌هایی همچون مدیریت، راهنمای گردشگری و هتلداری می‌تواند زمینه اشتغال در خدمات گردشگری را فراهم کند.

گروه لاوان در بخش پایانی کار خود به سراغ یکی از شاغلان در اسکلۀ تفریحی گردشگری مارینا کاسپین در مجتمع بندری انزلی رفته است. به گفته این فعال گردشگری، هر کدام از بندرهای انزلی، آستارا، کاسپین و چمخاله ظرفیتهای خاص خود را در بخش گردشگری دارند که این ظرفیت در حال رونق است. اساساً گردشگری دریایی یکی دیگر از عرصه‌های مهارت‌آموزی و اشتغال در استان گیلان به حساب می‌آید. برای نمونه، رستوران‌های دریایی در شهرهای آستارا و رودسر، ساخت بزرگ‌ترین و مجهزترین ورزشگاه ساحلی کشور در بندر انزلی، ایجاد نخستین مرکز تفریحات دریایی،

شناورهای تفریحی، ارائه خدمات ورزش‌های آبی، ساحلی و دریایی، این امکان را به جوانان گیلانی می‌دهد که از ظرفیتهای کسب‌وکار گردشگری دریامحور به خوبی بهره‌مند شوند.

مطالعه توانمندی‌های قلمرو حمل‌ونقل و بازرگانی در استان گیلان و شناسایی فرصت‌های شغلی در آن بر عهده گروه «گیشار» است. بر اساس نمودارهای ارائه‌شده در روزنامه گروه گیشار، گمرک‌های فعال استان گیلان شامل آستارا، انزلی، منطقه آزاد حسن‌رود، منطقه ویژه آستارا، پایانه ریلی آستارا، منطقه آزاد کاسپین و راه‌آهن رشت می‌شوند. تحصیل در گروه بازرگانی و امور اداری، الکترونیک و مخابرات

دریایی و کسب شایستگی‌های فنی و عمومی لازم، بستر مناسب برای اشتغال در این بخش را فراهم می‌آورد. توسعه حمل‌ونقل هوایی، ریلی، جاده‌ای و دریایی و نیز سرمایه‌گذاری قابل توجه در این بخش، آینده شغلی مناسبی را برای هنرجویان و مهارت‌آموزان رشته‌های ناوبری، الکترونیک، مخابرات دریایی، حمل‌ونقل، مکانیک خودرو و مکانیک موتورهای دریایی به ارمان خواهد آورد. این گروه یافته‌های خود را در این قلمرو با مطالب

کتاب معرفی رشته‌های فنی‌وحرفه‌ای ترکیب و مشاغل قابل احراز هر رشته را به صورت جداگانه در قالب جدول‌هایی ارائه کردند که مورد توجه فراوان معلم و دانش‌آموزان قرار گرفت.

با پایان یافتن صدای دل‌انگیز باران، کلاس ما هم به پایان می‌رسد. من و دیگر هم‌کلاسی‌هایم حالا بیشتر از همیشه به این دیار پربرکت می‌بالیم و مصمم هستیم از هر فرصتی برای سازندگی و آبادانی وطنمان استفاده کنیم.

**توای گیل ایران فر و جاودان
توای سبزپوش بلندآسمان
سراسر طرب‌آفرین دیدمت
نشاط‌آور و دل‌نشین دیدمت**

**گردشگری دریایی
یکی از مهم‌ترین
عرصه‌های مهارت‌آموزی
و گزینه‌های اشتغال در
استان گیلان به حساب
می‌آید**



شهر بندر انزلی

تالاب بندر انزلی



مامان و آجی سمیه برای کمک رفته بودند خانه عمه زهرا. عمه هر سال موقع عید غدیر نذری دارد؛ یک بار آش رشته، یک بار عدس پلو و یک بار ساندویچ. امسال هم می خواست سالاد ماکارونی با سیب زمینی سرخ کرده درست کند. برای همین مامان و آجی رفتند که هم دست تنها نباشد و هم در ثوابش شریک باشند. بابا که روز تعطیلش بود و مشغول استراحت و نظافت و کارهای شخصی. البته از شرکت مدام به گوشه اش زنگ می زدند، ولی گوشه را گذاشته بود روی بی صدا و می گفت جمعه برای خودم و خانواده است. نمی شود که یک روز تعطیل هم همه اش بخوایم تلفنی حرف بزنم و کار کنم!

من هم پاهایم را روی هم انداخته بودم و در حالت درازکش روی مبل پذیرایی لم داده بودم و با تمرکز بالایی مشغول مراحل پایانی بازی جدیدی بودم که دیشب روی گوشی ام نصب کرده بودم. همین طور مشغول بودم که ناگهان با صدای زنگ در به خودم آمدم. در باز کن (افاف) را برداشتم. دیدم که بله آقا یاسین آمد. در را باز کردم، دیدم با عجله و نفس نفس زنان آمد بالا و کلی عذرخواهی که: «بخشید دیر کردم. تاکسی گیرم نبودم. مجبور شدم از میدون قائم تا اینجا رو بدم.»

گفتم، زود آمدی که! مگر دیر کردی؟! گفت: «کجایی سهیل؟! ساعت ۱۰ رو هم رد کرده! بیشتر از یک ساعت از قرارمان گذشته‌ها!»

آن قدر غرق گوشی بودم که اصلاً متوجه گذر زمان نشده بودم. نگاهی به ساعت انداختم و گفتم، مرد حسابی، کجایی پس تو؟ کلی کار داشتیم ها! گفت: «تو که تو هیروت بودی. الکی حالت (ژست) طلبکارا رو به خودت نکیر. بریم اتاقت این وسایل رو از من بگیر، خسته شدم!»

رفتیم داخل اتاق. برد را گذاشتیم روی میز. یک کم به طرح مدار در کتاب نگاه کردیم و یک کم به تجهیزاتی که داشتیم و کمی هم به همدیگر! گفتم، حله. کار دو دقیقه است. هیچ نگران نباش. خودم ردیفش می کنم.

هویه را به برق زدم که صدای اعلان گوشی ام آمد. نگاه کردم، دیدم سجاد پیام داده. پیامش را باز کردم، زدم زیر خنده. نگاه پر تعجب یاسین را که دیدم، گفتم بیا ببین سجاد چه جوکی فرستاده؟! جوک را خواند و با هم زدیم زیر خنده و مسخره بازی در مورد آن. یک کم با سجاد پیام بازی کردیم. بعد یک قطعه فیلم (کلیپ) برای ما فرستاد که خیلی باحال بود. رفتیم داخل صفحه اش، پر از مطلب طنز و خنده دار بود. یکی یکی جوک ها را با هم خواندیم و فیلم ها را نگاه کردیم که یک پیامک حال گیری آمد. مشترک گرامی شما تا ساعت ۴۳:۱۵:۱۱ تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۷ هشتاد و پنج درصد حجم بسته اینترنت... با دیدن این پیام اعصابم خرد شد. گفتم آخه الان چه وقتش بود خروس بی محل؟!

در همین لحظه، بابا از پذیرایی صدایم کرد. رفتیم ببینم چه کار دارد؟

- سهیل جان، از دوستت پذیرایی کن. برات شربت و بیسکویت ببر.

- باشه بابا جون. هر وقت آماده شد، بگیرم می آم می برم.

- بله بله؟! همین الان خودت زحمت می کشی، درست می کنی می بری. آب لیمو تو یخچاله، شکر هم تو کمد. آب رو هم امیدوارم خودت بدونی کجاست!

با تبلی و اکراه گفتم: «چشم، الان درست می کنم.»

شربت و بیسکویت را بردم داخل اتاق، دیدم یاسین خان دسته ایکس باکس را گرفته است دستش و با وسوسه و حسرت خاصی نگاهش می کند.

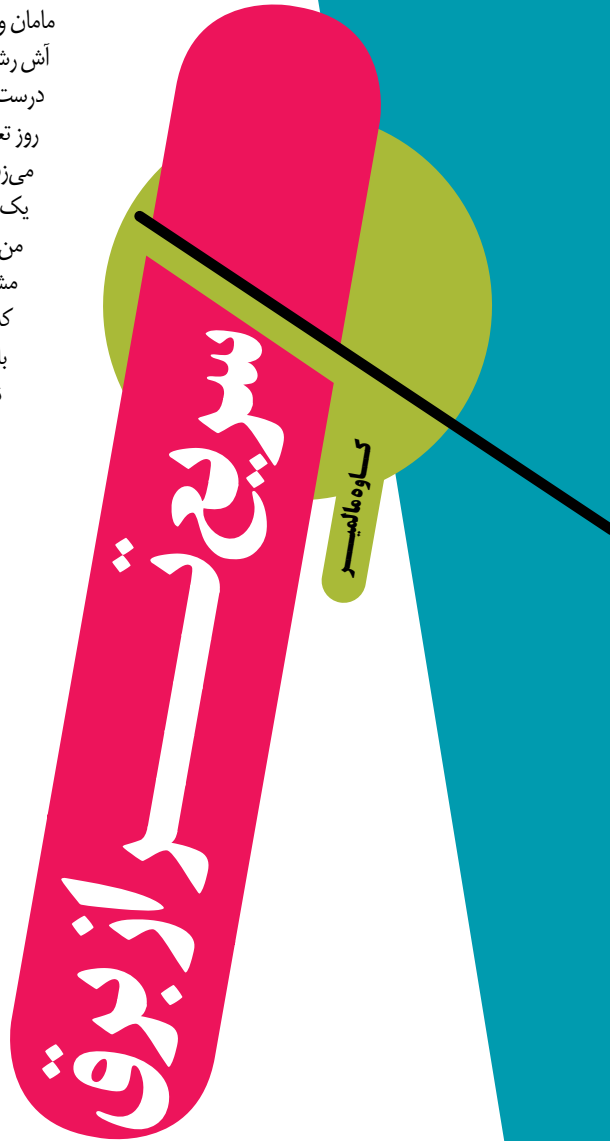
گفتم: «چی اونجوری زل زدی بهش؟»

یک لوح فشرده (سی دی) بازی برداشت و پرسید: «سهیل! این بازی رو از کجا آوردی؟ این هنوز تو بازار هم نیومده، از کجا تو سی دی های تو سر در آورده؟!»

- بالاخره ما اینیم دیگه! فکر کردی کم الکیه؟ البته هنوز بازیش نکرده ام. یعنی وقت نشده‌ها! از دیشب مشغول پروژه بازی گوشیم بودم!

- خدایش بیا به دقیقه اینو بذار ببینیم چطوریه؟ آخه خیلی تعریفش رو شنیدم. تو مجله بازی هم کلی در موردش مطلب نوشته بودن. دمت گرم، واقعاً تو خیلی به روزی.

- باشه. حالا به تست بزیم ببینیم چطوریه، بعد کار رو شروع می کنیم. کار زیادی نداره. خودم سریع انجامش می دم.



آقای فرهادی، معلم درس «طراحی و ساخت مدار چاپی»، از همه کلاس ها یک امتحان سخت گرفت که نمره اصلی میانسال را تشکیل می داد. خب، من هم شب امتحان میانسال تا دیروقت مهمان خاله جان بودم و هیچی نخونده بودم. البته اینکه قبلاً سینما بودم و قبل از آن مسابقه فوتسال داشتم هم بی تأثیر نبود. حالا کاری با اینکه نباید شب امتحانی باشم ندارم، ولی خب کلاً روز قبل از امتحان از صبح درگیر بودم.

آقای فرهادی به کسانی که نمره میانسالشان خوب نشده بود، یک فرصت دوباره داده بود که در گروه های دونفره پروژه مدار الکترونیکی چراغ های راهنمایی ترافیک را بسازند. من و یاسین هم با هم قرار گذاشتیم یک پروژه بیست و عالی بسازیم. چون آن ها آخر هفته مهمان داشتند، قرار شد تجهیزات را خودش بخرد و جمعه ساعت ۹ صبح بیاید خانه ما تا در اتاق من کار را شروع کنیم. البته هزینه تجهیزات را دانگی حساب می کنیم؛ بالاخره حساب حساب است و کاکا برادر.

دستگاه را روشن کردم و لوح فشرده را گذاشتم داخل آن. شروع کردیم به بازی. اولش کمی طول کشید تا دستمان بیاید چی به چی هست، ولی کمی که راه افتادیم و به دهنمان مزه کرد، دیدیم کیف دارد. حدود بیست دقیقه‌ای بازی کردیم که دوباره صدای زنگ در آمد. رفتیم در را باز کردیم، دیدم رضاست. آن قدر سرگرم شده بودم که کلاً فراموش کرده بودم رضایم قرار داده ساعت ۱۱:۳۰ بیاید کمک ما. چون درسش خوب بود، در فعالیت‌های پروژه‌ای و کارگاهی هم خیلی حرفه‌ای و کاربلد بود. تا رسید جلوی در واحد، مثل یاسین شروع کرد به عذرخواهی! -بخشید دیر رسیدم. خونه یک کاری پیش اومد که باید حتماً به مامانم کمک می‌کردم تا تموم شه.

+دیر که نکردی، قرار بود ۱۱ و نیم بیای دیدگه.

-عزیزم، حواست کجاست! الان ساعت یک ظهره‌ها!

+نه! چی می‌گی؟ محاله!

با ترس نیم‌نگاهی به ساعت روی دیوار پذیرایی انداختم. انگار یکهو یک سطل آب سرد ریختند روی تنم! سست شدم.

+وای! آخه چطور ممکنه؟! ما که فقط بیست دقیقه بازی کردیم! چطوری

از یک ساعت و نیم هم بیشتر گذشته!؟

خندید و گفت: «عجب! انگار شما هم خیلی منتظر من نبودید! حالا اشکال ندارم. نگران نباش. بریم با هم یه کاریش می‌کنیم. من سعی می‌کنم

نیم‌ساعته نکات اصلی رو بگم، بقیه‌اش رو خودتون می‌تونید انجام بدید.

-تونستن چیه بابا! دودقیقه‌ای تمامش می‌کنیم! من دستم خیلی تیز و فرزه.

-نه بابا، راست می‌گی؟ این طور یام نیست آقا سهیل. کار داره این پروژه!

رفتیم داخل اتاق و در را بستیم. گفتیم: «یاسین، پاشو اون دستگاه لامصب

رو خاموش کن، گاومون بچه‌دار شده! ساعت یک ظهره! یاسین هم

هاج و واج دکمه خاموش رازد که در اتاق زده شد و بابا وارد اتاق شد:

-خب‌خب‌خب، بچه‌های سخت کوش، آفرین، پروژه‌تون تموم شد؟



روشن کنید ببینم!

سهنفیری یک نگاه به هم و یک نگاه به تجهیزات ولو شده روی میز و بعد یک نگاه به بابام انداختیم. بابا که سریع متوجه شد قضیه از چه قرار است، سری تکان داد و گفت: «آگه با همین فرمون پیش برید، صبح تا ظهر جمعه که هیچ، کل جوونی و زندگی تون هم می‌گذره و آخرش نمی‌فهمید چی شد و چه کردید؟! همین طور که بیرون می‌رفت، گفت: «مامان اینا کارشون بیشتر طول می‌کشه. تا عصر نمی‌آن. کمتر از یک ساعت دیگه ناهار می‌خوریم. دست بجنبونید، زودتر جمع و جور کنید کارتتون رو.»

اول من شروع کردم. همین طوری هوپه را برداشتم و شروع کردم به لچیم کاری. رضا که داشت از تعجب شاخ در می‌آورد، با چشم‌های گرد و ابروهای کاملاً بالاداده گفت: «داری چی کار می‌کنی؟ الان وقت بازی نیست‌ها! اصلاً بلدی چی به چیه؟» نخواستم کم بیارم. گفتم، آره بابا، حله. این سیم رو اینجا لچیم می‌کنم، بعد این یکی و بعد هم اون یکی. یاسین که من را بهتر می‌شناخت، گفت: «سهیل این قدر بلدم بلدن نکن. وقت نداریم. ده تا از این سیما هم الکی لچیم کنی، مدار راه نمی‌افته. رضا، جان خودت بگو ببینم باید چه کار کنیم؟» چپ‌چپ به یاسین نگاه کردم. دهنم را پر از باد کردم و با یک پوف دادم بیرون. هوپه را گذاشتم کنار و نشستیم روی صندلی تا ببینم آقا رضا چه دستوری می‌دهد؟ رضا هم با لذت خاصی، مثل معلم‌ها، شروع کرد به توضیح دادن. اول مبانی مدارها را گفت و اهمیت دقت در این کار و کاربردش در صنعت را. بعد هم اینکه اگر دقت نکنی، کار خراب می‌شود و خسارت می‌زنی و این حرف‌ها. بعد شروع کرد مرحله به مرحله پروژه را تعریف کردن، که در قدم اول باید تجهیزات را بررسی کنی، دیود این طور باید باشد، ترانزیستور آن طور و... بعد هم نقشه مدار را مطالعه کرد و توضیح داد. همین طور پله‌پله می‌گفت و می‌رفت جلو. یک جاهایی به من می‌گفت، تو فلان کار را انجام بده و یک جاهایی هم به یاسین می‌گفت. همین طور چهل دقیقه‌ای طول کشید. تقریباً تا آخر پروژه پیش رفتیم

و موارد اصلی را انجام دادیم. یک مجموعه جزئیات و کارهای تکراری ماند که خودمان انجام بدهیم. رضا می‌خواست برود. گفتیم: «به دقیقه صبر کن ببینم. مگه ما سه تا سر یه کلاس نیستیم؟!» - خب، بله!

- پس تو اینا رو چطور یاد گرفتی؟ سر کلاس، آقای فرهادی که درست درس نمی‌ده! نصف وقتش برای ساکت کردن کلاس می‌گذره. اون نصف دیگه هم که درس می‌ده، این قدر بچه‌ها حرف می‌زنن که نمی‌ذارن چیزی متوجه بشیم.

- اول اینکه آقای فرهادی خیلی تمیز و مختصر و کاربردی درس می‌ده. من بیشتر چیزایی رو که گفتم، سر کلاس یاد گرفتم. دوم اینکه اون بچه‌هایی که حرف می‌زنن و نمی‌ذارن آقا درس بده. دهنفونشون شما دو تا هستید! دیگه شما که نباید معترض باشید. همین خودتون. چند بار پشت سر من به قدری حرف زدید که من به جاهایی رو اصلاً نتونستم تمرکز کنم و متوجه نشدم. سوم اینکه همه چیز که کلاس نیست! آدم باید خودش دنبال یادگیری باشه. به ما می‌گن دانش آموز. باید دنبال دانش باشیم دیگه. من خیلی وقتاً از کتابخونه کتاب می‌گیرم می‌خورم؛ هم مرتبط با درس و هم غیر درسی. بعضی وقتا هم با گوشی بابام تو صفحه‌های آموزشی فیلمای برق کشی و مدارهای الکترونیک و آشنایی با ابزار و تعمیر وسایل خونه رو نگاه می‌کنم، بعد خودم همونا رو تمرین می‌کنم.

یاسین گفت: «خسته نمی‌شی این قدر درس می‌خونی و کار می‌کنی؟ منظم و مفید بودن حدی داره بابا جان!» - من که خسته نمی‌شم، چون واقعاً به رشته‌ام علاقه دارم. آدم عاشق به کاری که باشه، هر قدرم برایش وقت بگذاره، متوجه گذر زمان نمی‌شه و احساس خستگی نمی‌کنه. اصلاً وقت گذاشتن تو اون کار برایش می‌شه تفریح و از لذت می‌بره. تازه، من این جور نیستم که صبح تا شب مشغول این کار باشم، استراحت هم می‌کنم. گفتم، لابد اوج استراحتت غذا خوردن و دستشویی رفتن! یاسین با خنده ادامه داد: «تازه، اونم فقط ناهار. شام نمی‌خوره که نکنه وقتش تلف شه!»

- نه بابا جان. من کم تفریح نمی‌کنم! فقط یه دونه ساعت می‌ذارم جلوم، که مثل شما یک ساعت و نیم رو تو بیست دقیقه تموم نکنم! مثلاً روزی یک ساعت بازی رایانه‌ای می‌کنم، یک ساعت مطالب روز و فناوری رو از مجله یا

صفحه‌های گوشی بابام می‌خورم. بعضی وقتا با چند تا از بچه‌ها صبح‌ها می‌ریم پیاده‌روی یا کوه‌نوردی. دفاع شخصی هم که می‌رم. سه ماهه دیگه می‌خوام امتحان کمر بند مشکی بدم. پنجشنبه‌ها هم یه کلاس قرآن باحال می‌رم. اونجا هم کلی چیزای جالب یاد می‌گیرم و با دوستای خوب آشنا می‌شم.

من که دهنم از این همه فعال بودن این بشر باز مانده بود، خودم را جمع و جور کردم و گفتم، می‌بینم همیشه سرحال و میزونی، ولی فکر نمی‌کردم این قدر آدم حسابی باشی! بابا دمت گرم، بالاخره ما هم یه رفیق درست و حسابی باید داشته باشیم دیگه!

یاسین که روی تخت من لم داده بود، سعی کرد حالت خیلی طبیعی به خودش بگیرد که آره و اینا. این برنامه‌ها چیز خاصی نیست و من بهتر از این هستم! یک دستش که روی شکمش بود، لب و لوجه‌اش را به سمت پایین و دستش را به سمت بالا حرکت داد و چرخاند و گفت: «خب که چی؟ به نظرت زیادی به خودت سخت نمی‌گیری؟ من از زندگی لذت می‌برم. برنامه‌ام دست خودمه، اسیر این کار و اون کار نیستم. هر وقت هر کاری بخوام انجام می‌دم. تو خیلی خودت رو اذیت می‌کنی.» نمی‌خواست به رضا برای جواب دادن مهلت بدهد. سریع ادامه داد: «به نظرم دیگه بریم مزاحم نشیم.

سهیل اینا هم می‌خوان ناهار بخورن.»

سریع گفتم: «عمر الان بذارم برید. یعنی بابام اجازه نمی‌ده. الان وقت غذاست، ناهار نخورده برید، حتماً ناراحت می‌شه.»

رضا گفت: «باشه سهیل جان. ممنون از مهمون‌نوازی. فقط قبل اینکه ناهار بخوریم، یه چیز بگم که همیشه یادتون باشه. ببینید بچه‌ها، اسمش رو می‌خواید سخت‌گیری بذارید یا هر چی، بالاخره ما یه بار بیشتر زندگی نمی‌کنیم. زندگی واقعی مثل بازی‌های رایانه‌ای نیست که چند تا عمر داشته باشیم و هر چی تموم بشه، دوباره با یه جون جدید شروع کنیم! ما فقط یه دونه عمر از خدا گرفتیم و تمام. بنابراین، باید از هر لحظه‌اش بهترین استفاده رو ببریم که آخر کار نگیم جوونی و عمرمون به باد رفت و فقط حسرت بخوریم.»

تا اینجا رسیده بودیم که چایی را خورده بودم و استکان خالی اش به اوستا محسن چشمک می زد که شاگردت دارد از زیر کار در می رود. امیدوارم از شماره قبل تا الان دفترچه یادداشت یا به سلیقه خودتان سالنامه را تهیه کرده باشید. البته یک چیزی که خیلی خودم را سر ذوق می آورد، شکل و رنگ دفترچه یادداشتیم بود.

راستش را بخواهید، این کار کمی وقت گیر است و الان که وضع و اوضاع خودم و رفیقان خودم را می بینم، کمی حوصله دارد وسط این همه کار و گرفتاری دفترچه خاطرات پر کند! اما این کنایه ها چیزی از ارزش های دفترچه یادداشت در منظم کردن امور کم نمی کند! برای اینکه این شیطان ها گولتان نزنند، سعی کنید دفترچه ای که تهیه می کنید زیبا و خوش رنگ و لعاب باشد و طرح جذابی برای شما داشته باشد. این طوری بیشتر رغبت می کنید به سمتش بروید و کاملش کنید.

اما بعد از دفترچه یادداشت، اینکه دوروبرتان مرتب باشد خیلی مهم است. گفته بودم، اینکه بعضی ها می گویند ما هرچقدر دورمان شلوغ تر باشد بهتر کار می کنیم، درست نیست! غیر از اینکه ذهن و چشم آدم مدام بین این شلوغی ها بگردد و حواسش پرت شود، چه خاصیت دیگری دارد؟! من هم از وقتی با اوستا و معلم صحبت کردم، حواسم خیلی جمع شده که میز کارم مرتب باشد و ابزارها پخش و پلا نباشند. وقتی درس می خوانم، همه کتاب ها و جزوه ها و دفترهایم روی زمین یا روی میز پهن نباشند. قبلاً با این صحنه خیلی حس دانشمند بودن می گرفتم! دانشمند در ذهنم کسی بود که یک عینک روی چشم دارد و شش هفت لایه کتاب روی هم قطار کرده است و دارد چیزی می خواند. گاهی هم روی همان کتاب هفتم خوابش می گیرد و عینکش کج می ماند! پشت سرش هم کوهی از کتاب است. چون خیلی حس می گرفتم، حس می کردم این کار خیلی خ... ببخشید... بزرگ به نظر می آید. اما بیشتر از آنکه شبیه دانشمندان باشم، شبیه خنگول هایی بودم که مدام دارند دنبال روی میز و توی جیب و لای دفتر دنبال وسیله هایشان می گردند. الان فرق کرده. همه ابزارها یک

گوشه منظم هستند و هر چه را بخواهم به راحتی پیدا می‌کنم. کتاب و دفتری را که می‌خوانم، از روی زمین جمع می‌شود، تابلوی تعویض بالا می‌رود و جایش را به کتاب و دفتر بعدی می‌دهد! خودش هم می‌رود روی نیمکت ذخیره‌ها می‌نشیند! البته اگر اخراجش نکرده باشم!

جدای از شوخی، هم سرم خلوت‌تر شده و هم احساس رضایت بیشتری از کار کردن خودم دارم. یکی دیگر از گرفتاری‌های آدم بی‌نظمی مثل من، این بود که صبح، وقتی از خواب بیدار می‌شدم، با خودم فکر می‌کردم امروز چقدر کار دارم؟ چه کارهایی دارم؟ کی برسم همه را انجام بدهم؟! کدام از همه مهم‌تر است؟ و از این سؤالات مبهم در ذهن خواب‌آلود اول صبح، موها و صورت و زیر چشم‌های پف کرده‌ام را که از آشفتگی اول صبح نجات می‌دادم، ناخودآگاه در آینه چشمم به جمال خودم می‌افتاد، بعد از یک تأخیر دو سه ثانیه‌ای، تازه «ویندوزم» بالا می‌آمد که آشفتگی ذهنم بین این همه کار را با چه آب و صابون و شانه‌ای مرتب کنم؟ معلممان می‌گفت، همیشه اول صبح بعد از میل کردن صبحانه و قبل از شروع کردن کارهایتان، تمام‌روز را مرور کنید.

۱۰ دقیقه وقت بگذارید، تمام کارهایی را که امروز باید انجام بدهید فهرست کنید و برنامه‌ای برای انجامشان ترتیب دهید. همین ده دقیقه به‌ظاهر ساده اول صبح کاری می‌کند که آخر شب کلی دعا به جانش کنید.

این شد که به آشفتگی ذهنم امان ندادم و با یک قلم و کاغذ به سرعت وزوزی‌هایش را صاف کردم! خدایی خیلی جواب بود.

حالا یکی دو ماهی از این داستان‌ها گذشته است؛ داستان مردی که نامنظم‌بودنش را ضربه‌فنی کرد. الان اوضاع و احوال فرق کرده است. الان حس دانشمندبودن را بیشتر احساس می‌کنم. دانشمندشدن به عینک کج روی هفت‌طبقه کتاب نیست، به برنامه درست و زحمت کشیدن است. الان به خیلی از کارهایم می‌رسم. خیلی راحت‌تر از دو ماه قبل. این قدر هم مثل خنگول‌ها گیج نمی‌زنم. صدای اوستا و معلمم را هم دیگر در نمی‌آورم. صدایشان را ذخیره کردن برای حل کردن بقیه مشکلاتم! الان هم به یاداش این زحمت ضربه‌فنی، یک کیک خانگی پختم. «بله چی فکر کردید!» دارم با چایی می‌خورم. راستی تا یادم نرفته و حوصله‌تان سر نرفته است، این یاداش دادن هم خیلی انگیزه خوبی است برای منظم‌بودن. من که حتماً تا الان متوجه شده‌اید که عاشق چایی خوردنم؛ آن هم چای ایرانی. از دو ماه پیش تا الان، دلم را صابون زده بودم برای این چای و کیک که می‌خواهم به خودم یاداش بدهم. الان هم دارم چایی می‌خورم و برایتان می‌نویسم.

۱۰ دقیقه وقت بگذارید، تمام کارهایی را که امروز باید انجام بدهید فهرست کنید و برنامه‌ای برای انجامشان ترتیب دهید



روز نوآوری و فناوری ایران ساخت

۷

آذر

۷ آذر ۱۳۹۹ روز شهادت دانشمند هسته‌ای کشورمان، فخر ایران، شهید محسن فخری زاده است. ایشان رئیس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع و رئیس مرکز تحقیقات فیزیک بودند. دشمنان خارجی به کمک منافقان داخلی نقشه قتل دانشمندان هسته‌ای ما را می‌کشند تا با وحشت و ترس و با به‌کاربردن زور و خشونت، به اهداف سیاسی‌شان برسند. چرا که تاب پیشروی و حرکت ایران به سمت قله‌ها را، در هر عرصه‌ای، به‌خصوص عرصه علم و فناوری، ندارند. اما ملت ایران و جوانان و نوجوانان خلاق کشور، در اثر وحشت‌افکنی‌ها (ترورها) نهنته‌ترسی در دل راه نمی‌دهند، بلکه تمایل و شوق بیشتری هم برای پیشرفت کشور پیدا می‌کنند. پیشرفت و حرکت هر کشوری از نظر مادی به دو عامل علم و تولید وابسته است. بنابراین، کشتن دانشمندان از طرف دشمنان ممکن است ما را به چالش علمی دچار کند. ولی جوانان و نوجوانان تازه‌نفس و خلاق پیشگام عرصه علم، و هنرموزان ذیل این علم نوآورانه، فناوری‌های ایران ساخت را به رخ جهانیان خواهند کشید و با عزمی راسخ و امیدوی خالص به‌سرعت به سمت قله پیشرفت اوج خواهند گرفت.

بزرگداشت شیخ مفید

۹

آذر

نهم آذر روز بزرگداشت محمدبن محمدبن نعمانبن عبدالسلام، معروف به شیخ مفید و ابن معلم، یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین دانشمندان شیعه در قرن چهارم هجری است. ایشان شاگردان زیادی را تربیت کردند که از جمله آن‌ها سیدرضی علم‌الهدی، گردآورنده نهج‌البلاغه و برادر ایشان، سیدمرتضی علم‌الهدی، گردآورنده بزرگ‌ترین کتابخانه جهان اسلام، و شیخ طوسی هستند. شیخ مفید در طول عمر مفیدش برای دفاع از حریم تاریخ فقه و عقیده مکتب اهل بیت تلاش‌های بسیاری کرد و کتاب‌هایی در موضوعات و مسائل اسلامی تألیف نمود که بیش از ۲۰۰ کتاب مهم بوده است. البته ایشان فقط یک فقیه نبود، بلکه مؤسس شکل و قالب علمی صحیح برای فقه شیعه است، چرا که دین اساساً مقوله‌ای جدای از علم نیست و کاملاً علمی است. دانشمندان دینی در پی کشف این علوم دین مجاهدت‌ها کرده‌اند.

۵ آذر، سالروز تأسیس بسیج مستضعفان به فرمان حضرت امام خمینی (قدس سره)

۵

آذر

۵ آذر ۱۳۵۸، با گذشت حدود ۲۰ روز از تسخیر لانه جاسوسی با فرمان بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی، بسیج مستضعفان تشکیل شد. هر اتفاقی با خودش برکتی به همراه دارد که چشم بصیرت‌بین مردان بزرگ و اولیای خدا این برکت‌ها و فرصت‌ها را در می‌یابد. بعد از تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام، آمریکایی‌ها از روی عصبانیت شروع کردند به تهدید، اما امام (ره) از این تهدید به‌عنوان فرصت استفاده کرد و ملت را به صورت بسیج وارد میدان کردند. بسیج هم چه در زمانی که جنگ شروع نشده بود و چه بعد از آن، بسیار مفید و کارآمد بود. در زمان جنگ هم پشتیبان سازمان‌های رسمی نظامی بود. بسیج اگر چه در جنگ بسیار خوش درخشید، ولی صرفاً پشتیبان نظامی نیست و جایگاهش بالاتر است. بسیج یک تفکر است. یک فرهنگ است که همان خدمت بدون توقع و بی‌تکلف و بی‌تظاهر به مردم و کشور است. فرهنگ بسیجی خستگی‌ناشناختن در کمک‌های مؤمنانه و از دشمن نترسیدن است. در هر عرصه نظامی، علمی و سیاسی مورد نیاز کشور وارد شدن و همه توان خود را به کار گرفتن است.



مقابل ظلمی که در حق امام زمانش می‌شد. فاطمه نه فقط جسمی رنجور و خسته و غمی که روح بلندش را آزرده، بلکه فاطمه یعنی چشمی بینا و بصیر که انحراف از اسلام و پیام پیامبر را می‌دید و برای گرفتن حق، چادر بر خاک کوچه می‌کشید. فاطمه یعنی کوثر جوشان پیامبر، یعنی نشانه عزت و وقار و ایستادگی شدن در زمانه‌ای که زن بودن را این‌گونه معنا نمی‌کرد. سلام بر آن جان خدایی‌اش و درود بر آن دل آسمانی‌اش که زمینیان را به سوز ابدی و داغ جاوید مبتلا کرد.



بزرگداشت شهید تندگویان

۲۹ آذر سالروز بزرگداشت شهید خدمتگزار محمدجواد تندگویان است که از جمله شهیدان مظلومی است که تاریخ شهادتش مشخص نیست و در سال ۱۳۵۹ به اسارت نیروهای بعث عراقی درآمد.

۲۹

آذر

شهید محمدجواد تندگویان، وزیر نفت جوان جمهوری اسلامی ایران در دولت شهید رجایی، از جمله مسئولان کشور بود که به پشت میز نشستن عادت نداشت و با روحیه جهادی و مردمی‌اش، در بهیوه جنگ، با اینکه چندماه از وزارتش گذشته بود، برای سومین بار به بازدید میدانی از پالایشگاه نفت آبادان رفت؛ هرچند به خطرات جنگ در آبادان و پالایشگاه واقف بود. در راه آبادان رژیم بعث عراق ایشان را اسیر کرد. در طول اسارت او، اجازه بازدید ایشان حتی به صلیب سرخ جهانی هم داده نشد. پس از پایان جنگ هم ایشان آزاد نشد و خبری از او نبود تا اینکه با پیگیری‌های بسیار، در سال ۱۳۷۰، پیکر پاکش با نیش قبر و شناسایی از طریق یادگاری که از زندان ساواک در دوران مبارزات انقلاب در کف پایش وجود داشت، شناسایی شد و به ایران بازگشت. سلام بر آن جان خدایی‌اش و درود بر آن دل آسمانی‌اش که زمینیان را به سوز ابدی و داغ جاوید مبتلا کرد.



تماشا کن

شهادت شهید مدرس

دهم آذر ۱۳۱۶ سالروز شهادت بزرگ‌مرد تاریخ، شهید سیدحسن مدرس است. از خصوصیات بارز ایشان این بود که هیچ تهدید و فربیی در عزم پولادی‌شان اثر نمی‌کرد. آیت‌الله سیدحسن مدرس از آزادمردان عصر خویش است که منشأ مبارزات علیه رضاخان شدند و در این راه قدم‌های بسی بزرگ برداشت. در شکستن استعمار انگلیس نقش اساسی داشت و مردم را هم به این امر سوق می‌داد. او حرکت عظیم مردمی ایجاد کرد؛ طوری که رضاخان به وحشت افتاد و درصدد ازمیان برداشتن ایشان از پیش پای خود درآمد. ایشان که از نمایندگان مجلس از دوره دوم تا هفتم بود، در انتخابات مجلس هفتم، در پی اصابت گلوله مجروح شد و نتوانست در مجلس حضور پیدا کند. رضاخان از شهید مدرس خواست در سیاست دخالت نکنند، ولی تفکر شهید مدرس جدایی دین از سیاست را ناممکن می‌دانست. سرانجام رضاخان ایشان را زندانی و تبعید کرد و ۱۰ آذر در کاشمر به شهادت رساند.

۱۰

آذر

آذر، شب یلدا

آخرین شب از فصل رنگارنگ پاییز سپیدی زمستان را سلام می‌کند و این سؤال را به ذهن انسان می‌آورد که ایرانی‌های باستانی که آتش و روشنایی برایشان نمادی از خیر و نیکی بوده است، چگونه طولانی‌ترین شب سال یعنی یلدا را جشن می‌گرفتند؟

یکی از دلایل‌ها شاید این بوده باشد که وقتی تاریکی در طولانی‌ترین شب سال به اوج خود می‌رسیده و روزها بعد از ۳۰ آذر طولانی‌تر می‌شدند، معنای پیروزی خورشید و نور بر تاریکی استنباط می‌شده و به همین خاطر یلدا جشن گرفته می‌شده است.

همچنین، آخرین روز از فصل زیبای پاییز این نوید را می‌دهد که در پی تاریکی‌های دنیا و در لابه‌لای گذر زمان، طولانی‌ترین غیبت هم به پایان می‌رسد و روزهای روشن ظهور با انتظار مجاهدانه و امیدوارانه منتظران، دل انسان را زنده خواهد کرد. زندگی اصلی بشر و حیات مطلوب از آن روز ظهور آغاز می‌شود و بشریت را به مقصود آفرینش می‌رساند. چه جشن باشکوهی خواهد شد آن روز!

۳۰

آذر

شهادت میرزا کوچک خان جنگلی

۱۱ آذر سال ۱۳۰۰ سالروز شهادت شیخ یونس روحانی، مبارز معروف به میرزا کوچک خان جنگلی است. میرزا در چند جبهه جنگید؛ هم علیه استبداد داخلی و هم استعمار خارجی. اگر ملتی گذشته خودش را نشناسد، به‌سادگی فریب می‌خورد و در خدمت دشمنانش قرار می‌گیرد. وقتی یک ملت و یک خانواده نداند ۵۰ سال یا صدسال قبل بر سر او چه آمده است، دوستانش چه کسانی بودند و دشمنانش چه کسانی، و چه جنایت‌هایی در حق آن‌ها کردند، به‌سادگی دوباره وارد دام‌ها و همان بلاها می‌شود. میرزا جزو نیروهای مسلحی بود که برای پایین کشیدن استبداد قاجار، از گیلان به تهران حرکت کردند. بعدها که شاه قاجار پیش اربابانش به روسیه رفت و دو سال بعد دوباره آمد کودتا کند و با عملیات ضد حمله علیه مشروطه، باز در شمال جنگ شد و دوباره میرزا کوچک خان از جمله نیروهایی بود که به جنگ با آن‌ها رفت. مسئله میرزا مسئله گیلان نبود، مسئله ایران بود که در این راه مبارزات فراوان و مقاومت‌ها کرد.

۱۱

آذر

شهادت حضرت زهرا سلام‌الله علیها

به روایتی سوم جمادی‌الثانی سال یازدهم هجری، ۹۵ روز بعد از رحلت رسول اکرم (ص)، شهادت تنها دختر و یادگار پیامبر اسلام حضرت فاطمه سلام‌الله علیهاست که واژه‌ها وقتی به نامشان می‌رسند، همچون ابر بهاری در صاعقه مصیبتشان پاییزی می‌بارند. برای همین است که مصیبتشان را نمی‌توان نوشت.

فاطمه یعنی نه فقط ایستادن زنی غیور پشت در آتش گرفته خانه‌اش، فاطمه یعنی ایستادگی

۲۶

آذر

تخصص آسبهدار هنرستان

خانم اسماعیلی علاوه بر تدریس در هنرستان، همکار دفتر تألیف کتاب‌های درسی هم هست. او حدود بهمن ماه بود که متوجه شد دفتر تألیف کتاب‌های فنی و حرفه‌ای قصد دارد محتواهای آموزشی خود همچون رمزینه‌های پاسخ سریع و پی‌دی‌اف کتاب‌های درسی را به صورت ساده روی گوشی‌های همراه قابل دسترس کند. خانم اسماعیلی به دفتر تألیف کتاب‌های درسی پیشنهاد داد این کار را به هنرجویان هنرستان آسبه بسپارند. از بهمن ماه سال پیش تا آخر فروردین ماه ۱۴۰۲، طراحی نقشک‌ها (آیکون)‌های گرافیکی، کدنویسی‌ها و ویرایش کدها زمان برد. روز ۲۸ فروردین نسخه نهایی این نرم‌افزار به دفتر تألیف ارائه شد. در طول این فرایند، مسئول دفتر فنی و مدیرکل دفتر تألیف بر کار نظارت داشتند.

خانم اسماعیلی: «تمام هدف ما آموزش به هنرآموزان بود. نه تنها در زمینه کدنویسی، بلکه در تمام ساحت‌ها همچون: ایجاد توانایی انجام کار گروهی، و توانمندسازی هنرجویان در کار پیگیری و تحقیق و توسعه. یک جاهایی سلیقه دفتر تألیف با هنرجویان فرق داشت، اما بچه‌ها یاد گرفتند باید کار را طوری که مخاطب و متقاضی نیاز دارد تحویل دهند.»

در حال حاضر، این گروه که سازنده نرم‌افزار معرفی رشته‌هاست، وارد مرحله‌های بعدی شده و در حال گسترش و تقویت است. هنرجویان این هنرستان در حال حاضر مشغول کار و کارورزی در خارج از محیط

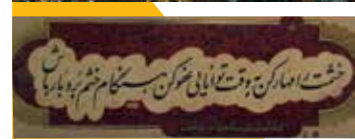
در هر عصر و دورانی تعدادی از شغل‌ها جزو شغل‌های پردرآمد و موفق محسوب می‌شوند. مثلاً در دوره غزنویان، نان‌سازان در روغن بود. دوره صفویه زمان «منجم»‌ها بود. آن‌ها جزو افراد ثروتمند جامعه بودند و در دربار پادشاهان و افراد پرنفوذ جامعه جایگاه بالایی داشتند. اما حالا منجمی حرفه پردرآمد و پررونقی نیست.

در دوره قاجار، شکار یکی از تفریحات مورد علاقه شاه، درباریان و افراد متمول بود. برای همین «میرشکار»، کسی که ابزار آلات شکار را نگه می‌دارد و شکار را آموزش می‌دهد، درآمد خوبی داشت؛ در صورتی که این شغل در حال حاضر تقریباً منسوخ شده است.

دهه و زمانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، عصر فناوری است. کارهای مرتبط با فناوری اطلاعات (آی‌تی) جزو شغل‌هایی هستند که هم بازار کار خوبی دارند، هم درآمد قابل توجهی (البته به درجه تخصص، حوزه کاری شرکت و عامل‌های گوناگونی بستگی دارد). ثروتمندترین افراد در جهان هم مستقیم و غیرمستقیم به آی‌تی مرتبط هستند.

در این گزارش می‌خواهیم یکی از هنرستان‌های نمونه دولتی شهر تهران را به شما معرفی کنیم که هنرجویانش به علم رایانه و فناوری اطلاعات علاقه‌مندند و حتی توانسته‌اند برنامه جدیدی با محتوای «معرفی رشته‌های فنی و حرفه‌ای» را کدنویسی و طراحی (دیزاین) کنند. نام این هنرستان فنی و حرفه‌ای «آسبه» است. خانم مریم اسماعیلی، هنرآموز رشته شبکه و نرم‌افزار این هنرستان و سرپرست پروژه ساخت برنامه کاربردی (اپلیکیشن) کتاب راهنمای تحصیلی است.

♦ **خانم اسماعیلی:** رویکرد کتاب درسی چنین است که هنرجویان را به سمت ساخت نرم‌افزار سوق می‌دهد، اما بازار کار بیشتر به «نرم‌افزارها و بازی‌های آموزشی» نیاز دارد. ما از مهر تا آذرماه، عمده کار خود را بر این اساس قرار دادیم که هنرجویان بتوانند نرم‌افزار آموزشی تولید کنند. در آذرماه به این نتیجه رسیدیم که هنرجویان دیگر بازار کار و نیاز آن را به خوبی می‌شناسند، اما حالا زمان ساخت نرم‌افزارهای رایانه‌ای و ویندوزی نیست و متقاضی زیادی ندارد. مخاطب امروز به نرم‌افزار مربوط به تلفن همراه بیشتر احتیاج دارد؛ به همین دلیل به‌سوی ساخت نرم‌افزار اندرویدی رفتیم و آموزش آن را شروع کردیم.»



یک «آسبه»

دفتر تألیف نیز هستند و برای وزارتخانه آموزش و پرورش نیز نرم‌افزارهای گوناگونی تولید می‌کنند.

هنرجویان آسبه هر ساله در آزمون سراسری و جشنواره‌های گوناگون علمی رتبه‌های بالایی آورده‌اند. در این گزارش صحبت‌های هنرجویان را نیز درباره ساخت این نرم‌افزار می‌خوانیم.

کوثر رضوی

اولین برخورد با این کار زمانی بود که خانم اسماعیلی به من پیام دادند و گفتند دفتر تألیف کتاب‌های فنی و حرفه‌ای از ما برنامه‌ای می‌خواهد که توضیحات مربوط به همه رشته‌ها را داشته باشد. حدود دو ماه به ما فرصت دادند تا نسخه آزمایشی (دموی) برنامه را بسازیم. ما آن زمان هیچ ایده‌ای از ساختن برنامه در محیط برنامه اندروید نداشتیم. شروع کردیم به جست‌وجو کردن و پیدا کردن برنامه‌ای آسان برای ساخت در اندروید. برای این کار زبان زامارین را انتخاب کردیم. در بن‌ساز (پلتفرم) زامارین ما

می‌توانیم با زبان برنامه‌نویسی سی‌شارپ کدنویسی کنیم و چون این زبان را از قبل یاد گرفته بودیم، کار را با همان شروع کردیم.

◆ فاطمه نوش آبادی

ما برای یاد گرفتن محیط کاربری زامارین منابع زیادی نداشتیم. منبع فارسی آموزش زامارین خیلی کم بود. برای همین ما مجبور بودیم از منابع آموزشی انگلیسی زبان استفاده کنیم. اکثر اوقات کار با جست‌وجو در گوگل پیش رفت و از طریق فضاهای مجازی به کار با برنامه زامارین مسلط شدیم.

◆ ریحانه شاه‌حاتمی

دفتر تألیف کتاب‌های درسی یک کتاب به ما داد که در آن چندین رشته فنی و حرفه‌ای معرفی شده بود. ما محتوای برنامه اندرویدی را بر اساس مطالب این کتاب ساختیم. محتوای این کتاب درباره محتوای این رشته‌ها، موقعیت‌های شغلی، روحیه فرد و اهمیت تناسب آن با رشته بود که ما هم این بخش‌ها را در برنامه اندرویدی مان گنجانیدیم.

◆ هیوا حاتمی

روز اولی که شروع کردیم به ساخت این برنامه، فقط یک ایده

کلی از فضای گرافیکی آن داشتیم. آن را روی کاغذ رسم کردیم. در طول ساخت برنامه ویرایش‌های متعددی انجام دادیم، اما ایده‌ای که از ابتداری آن مصمم بودیم، طیف‌رنگ ثابت هر رشته بود. ما هر زیرشاخه (صنعت، خدمات، هنر و کشاورزی) را با رنگ‌بندی مختص خودش طراحی کردیم. مثلاً صفحه (تب) بخش مربوط به کشاورزی سبزرنگ است.

◆ ستاره خسروی و ستایش شاه‌مهرادی

بن‌سازه زامارین دو بخش دیزاین و کدنویسی دارد. بخش دیزاین یک مجموعه عنصر و عوامل مخصوص به خودش را در اختیار ما می‌گذارد که با کمک آن‌ها می‌توانیم طراحی گرافیکی سفارشی و دلخواه خودمان را انجام دهیم. ابتدا یک رشته را به‌طور پیش‌فرض انتخاب کردیم و پیش‌طرح (انود)‌های گوناگونی را روی آن پیاده کردیم. رنگ و تراز‌بندی را ثابت گذاشتیم و وقتی پیش‌طرح برگزیده را پیدا کردیم، باقی رشته‌ها را هم از روی همان ساختیم. در بخش دیزاین زامارین نمی‌شود کارهای زیادی انجام داد. بخش زیادی از طراحی‌ها را با نرم‌افزار ایلاستریاتور کامل کردیم؛ مثل نقشک‌ها (آیکون‌ها) و... زامارین از این لحاظ محدود است که نمی‌توانیم تمام طراحی‌ها را با استفاده از خودش انجام دهیم. ناچاریم از چند برنامه استفاده کنیم.

«ه» ه‌روز!



پرینان گل

در کدنویسی (اکتیویته‌سی اس) آبیجکت‌های طراحی را به کمک اکتیویته‌سی به هم وصل می‌کنیم. آن موقع پیش‌زمینه‌ای از زبان زامارین نداشتیم. این برنامه باعث یادگیری پروژه‌محور ما شد؛ یعنی هم‌زمان با دیدن ویدئوهای آموزشی، آن محتوا را در پروژه اجرا کردیم. خیلی از برنامه‌های آموزشی و کاربردی هم برای ما غیرقابل دسترس بودند و برای استفاده از آن‌ها هم به چالش برخوردیم. در وبگاه‌ها هم راه‌حل برطرف کردن خطا (ارور)های زامارین اندروید کم بود و ما چون هنوز قلق کار دستمان نبود، خیلی با خطا مواجه می‌شدیم و نمی‌توانستیم حلشان کنیم. اما بعد از مدتی که کم‌کم با برنامه آشنا شدیم، راحت‌تر توانستیم خطاها را برطرف کنیم و خط‌کدهایمان کمتر شدند و سرعت ترجمه (کامپایل) و نصب بالا می‌رود.

هنرجویان سازنده برنامه کاربردی «معرفی رشته‌های فنی و حرفه‌ای» معتقدند، در عرصه آگاهی‌رسانی آموزشی ضعف بزرگی وجود دارد. اکثر دانش‌آموزان پایه اول متوسطه رشته‌های هنرستانی را نمی‌شناسند و برای همین هنرستان را جزو گزینه‌های انتخاب رشته قرار نمی‌دهند. دانش‌آموزان نمی‌دانند فرق کاردانش و فنی و حرفه‌ای چیست؟ هدایت تحصیلی در مدرسه‌ها به درستی انجام نمی‌شود و مشاوران و معلمان بیشتر توجه و تشویقشان برای وارد شدن دانش‌آموزان به رشته‌های نظری است. دانش‌آموزان تا قبل از وارد شدن به هنرستان نمی‌دانند در رشته‌های هنرستانی چه درس‌هایی تدریس می‌شوند؟ آزمون سراسری رشته‌های هنرستانی چگونه است؟ دانشگاه‌هایش کدام هستند و بازار کار چطور است؟ اطرافیان معمولاً به دانش‌آموزان معدل بالا فشار می‌آورند که وارد رشته‌های نظری شوند، اما این را نمی‌گویند که هنرستان مهارت‌آموز است، در حالی که رشته‌های نظری این قابلیت را ندارند.





کمال در هنرستان

هنرستان کمال واقع در شهرستان قرچک استان تهران از سال ۱۳۹۱ با مدیریت خانم زینب ابوالحسنی اداره می‌شود. در این سال‌ها تعداد دانش‌آموزان این هنرستان از ۱۰۱ به ۶۰۰ رسیده است و به یکی از برترین هنرستان‌های تولیدکننده در استان تهران تبدیل شده است. این هنرستان هفت رشته دارد. چهار رشته آن رتبه‌آور و تولیدکننده هستند. تعدادی از دانش‌آموزان هنرستان کمال در جشنواره‌های استانی و مسابقات کشوری رتبه آورده‌اند، مانند رویداد «الف تا».



سنت
نزد ایرانیان



القدس لنا
قدس ازان ماست